



فهرست مقالات

- نقش ایمان در تحقق همدلی دولت و ملت و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی / محمود اصغری ۳
- بازدارنده‌های ارتباط در گفتار و رفتار امام رضا (ع) / علی خیاط، علی جانفزا ۲۹
- فرزند خواهی در سبک‌های زندگی دنیاگرایانه، دنیاگريزانه و اسلامي / فاطمه رمضانی ۵۵
- شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان
/ جواد آقامحمدی، سید احسن اسدی ۷۵
- جایگاه آزادی در منظومه فکری شهید بهشتی / حمید نساج، مهدیه پوررنجبر، مینا نظری ۱۰۳
- موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در مؤسسات آموزش عالی
/ حبیب زمانی محبوب، سید نادر مددی، اعظم السادات گرامیان دهشت ۱۳۱
- مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن و سنت / مسعود اخگر، معصومه خلیلی ۱۵۱
- ترجمه انگلیسی (Abstracts) / علی برهان زمی ۱۹۱

راهنمای تدوین و ارسال مقالات

۱. مقالات ارسالی نباید اینترنتی باشد، یا قبلاً در نشریه دیگری چاپ شده و یا برای نشریه دیگری ارسال شده باشد.
۲. رعایت دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی الزامی است.
۳. حجم مقاله از ۲۵ صفحه تایپ شده (صفحه ۲۵۰ کلمه‌ای) بیشتر نباشد.
۴. حق رد یا قبول و ویراستاری مقالات برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ است.
۵. مسئولیت مطالب هر مقاله به عهده نویسنده آن و صرفاً بیان‌گر دیدگاه خود اوست.
۶. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی محفوظ خواهد بود و هرگونه چاپ و تکثیر منوط به اجازه کتبی سردبیر می‌باشد.
۷. جهت تسریع در امر بررسی مقالات ضروری است که نویسندگان محترم همراه مقاله نامه‌ای جداگانه حاوی تقاضای بررسی، نام و نام خانوادگی، نشانه پستی، شماره تلفن و پست الکترونیکی خود ارسال نمایند.
۸. مقاله باید تحت برنامه word و مطابق با معیارهای مندرج در این راهنما باشد.
۹. مقالات ارسالی، از حیث ساختار لازم است مشتمل بر بخش‌های زیر باشد:
الف - چکیده فارسی: حداکثر مشتمل بر ۲۵۰ واژه و چکیده انگلیسی آن به همین مقدار.
ب - واژگان کلیدی و معادل انگلیسی آنها حداکثر ۱۰ واژه.
ج - مقدمه و نتیجه‌گیری.
د - پی‌نوشت‌ها: توضیحات بیشتر، از جمله معادل خارجی اسامی و اصطلاحات مهم یا مهجور، با عنوان «پی‌نوشت‌ها»، در انتهای مقاله آورده شود.
هـ - کتابنامه: فهرست الفبایی منابع فارسی و غیر فارسی در پایان مقاله، به طور جداگانه و با رعایت قالب‌بندی زیر آورده شود.
کتاب: نام خانوادگی، نام مؤلف (تاریخ چاپ)، نام کتاب، نام مترجم، محل انتشار، نام ناشر، شماره چاپ، شماره جلد.
مثال: هارت ناک، یوستوس (۱۳۵۱)، ویتگنشتاین، ترجمه منوچهر بزرگمهر، تهران، انتشارات خوارزمی
Nozick, Robert (1981), *philosophical Explanation*, Oxford University Press.
مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه.
مثال: علیزاده، بیوک (۱۳۸۲)، «فلسفه تطبیقی، مفهوم و قلمرو آن»، نامه حکمت، ش ۱.
۱۰. نحوه ارجاع داخل متن: برای ارجاع دادن به منابع و مآخذ در متن مقاله، مشخصات منبع و مآخذ، در درون پرانتز، به صورت زیر، آورده شود:
الف - منابع فارسی: (نام خانوادگی مؤلف، سال نشر، صفحه).
مثال: (مطهری، ۱۳۶۱، ۹۵)
ب - منابع لاتین: (صفحه، سال نشر، نام خانوادگی مؤلف).
مثال: (Plantinga, 1998, 71)
اگر از یک نویسنده، در یک سال، بیش از یک اثر انتشار یافته باشد، با ذکر حروف الفبا پس از سال انتشار از یکدیگر متمایز شوند.
۱۱. ارسال و دریافت مقالات صرفاً از طریق سامانه مدیریت نشریات به نشانی www.razavi.ac.ir انجام می‌گیرد.
۱۲. ارتباط با مدیریت مجله از طریق رایانامه ISS@razavi.ac.ir امکان‌پذیر است.

نقش ایمان در تحقق همدلی دولت و ملت و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی*

□ محمود اصغری^۱

چکیده

پژوهش حاضر در صدد تبیین «نقش ایمان در تحقق همدلی دولت و ملت و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی» است؛ تا از این طریق گامی هر چند کوتاه در جهت تحقق برخی از ابعاد اقتصاد مقاومتی و عوامل تأثیرگذار بر آن و گفتمان‌سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی که در بند بیست و یکم ابلاغیه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی آمده بر دارد.

آنچه مسلم است دین و ایمان به واسطه رابطه قلبی که بین انسان‌ها ایجاد می‌کند، نوعی همدلی و همبستگی را در بین آنها به ارمغان می‌آورد. نقش اجتماعی دین و ایمان در همدلی و هم‌اندیشی و انسجام اجتماعی انسان‌ها ظهور و بروز دارد، زیرا ارزش‌هایی که زیربنای الزامات اجتماعی هستند، در بین دینداران مشترک‌اند. از جمله این ارزش‌ها همدلی و انسجام اجتماعی در بین دولت و ملت است که از یک سو لازمه زندگی مؤمنانه همدلی و هم‌سویی در زندگی اجتماعی و نظام دینی است که به بیان قرآن کریم:

مؤمنان حقیقی کسانی هستند که به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ﷺ اعتقاد قلبی دارند و چون با او بر سر امری از امور عمومی اجتماع و اتفاق کنند، استوار خواهند ماند (نور/۶۲). از دیگر سو به برکت این همدلی و انسجام اجتماعی است که می‌توان تغییر و تحولات اقتصادی اجتماعی را به وجود آورد که از جمله این تحولات تغییر و تحول در سیستم اقتصادی کشور در جهت رسیدن به اقتصاد مقاومتی است.

پژوهش حاضر با به کارگیری روش توصیفی و تحلیل محتوی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی این مسأله پرداخته است. واژگان کلیدی: ایمان، همدلی، اقتصاد مقاومتی.

مقدمه

برای ایجاد همدلی در میان هر قشر و جامعه‌ای، نیاز به عوامل و حلقه‌های اتصالی است که اعضای یک جامعه را به هم پیوند دهد.

دین و ایمان همواره به عنوان نیرومندترین عامل همدلی و همبستگی در ابعاد گوناگون روابط اجتماعی بوده است و باورهای مذهبی، تداوم نظام اجتماعی را از طریق معنابخشی به حیات جمعی و قاعده‌مندسازی مناسبات گروهی، تضمین کرده‌اند.

تجربه انقلاب اسلامی به مثابه انقلابی دینی و مردمی، خود بهترین گواه بر نقش بی‌بدیل دین در تحکیم و تثبیت روابط اجتماعی میان انسان‌ها و تضعیف و یا زایل نمودن تنش‌ها، اصطکاک‌ها و تعارض‌هایی است که نظم اجتماعی را به چالش می‌کشند.

این موضوع که تحولات اساسی و انجام کارهای بنیادی در نظام اجتماعی و اقتصادی جز با تکیه بر ایمان و حضور آگاهانه مردم امکان‌پذیر نیستند؛ امری روشن و آشکار است. لذا غلبه بر مشکل اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد مقاومتی، مانند دفاع مقدس، جهاد سازندگی، رفع بحران‌های سیاسی مثل گروهک‌ها و انواع فتنه‌ها و غلبه بر مشکلات فرهنگی چیزی فراتر از توان حاکمیت و مسئولین ارشد نظام است. از این رو، همدلی و همکاری اجتماعی در

جهت تلاش برای دستیابی به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از اقتصاد دانش‌بنیان گرفته تا رفع موانع تولید و خودکفایی در محصولات استراتژیک، تا اصلاح الگوی مصرف و مدیریت واردات، و مبارزه با مفاسد اقتصادی و به میدان آوردن سرمایه و مدیریت انسانی جز در سایه همدلی دولت و ملت میسر نبوده و نیست و به تعبیر رهبری:

در کشور، در موضوع اقتصاد مقاومتی هم‌زبانی وجود دارد، اما باید همدلی هم به وجود آید و از بُنِ دندان به اقتصاد مقاومتی باور پیدا کنیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۳/۶).

فرض ما در این مقاله بر این است که با بهره‌گیری از ایمان و باورهای دینی مردم می‌توان عنصر همدلی و انسجام اجتماعی را برانگیخت و در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی به کار گرفت. این نوشتار در دو بخش به تبیین این موضوع خواهد پرداخت.

تحقیق

کتاب یا مقاله‌ای که به طور مستقیم به موضوع مورد بحث پرداخته باشد تاکنون نویسنده به آنها دست نیافته است؛ ولی برخی از مقالاتی که به جزئی از عنوان موضوع، مانند همدلی دولت و ملت و اقتصاد مقاومتی جداگانه پرداخته‌اند و به نوعی مرتبط با این موضوع هستند عبارتند از:

الف - مقالاتی که در زمینه همدلی به رشته تحریر درآمده‌اند.

۱. گل پرور، محسن (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی» نتایج تحقیق را این گونه بیان می‌کنند:

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که توسعه رفاهی فقط برای رویکرد برابری به عدالت اجتماعی و جمعیت تحت پوشش رفاه نیز فقط نقش میانجی را با گرایش اجتماعی ایفا می‌کنند. اما برای رویکرد انصاف و رابطه‌اش با همدلی

نگرش به خدمات رفاهی (بیمه‌ای، امدادی و حمایتی) و سیاست‌های رفاهی، نیز فقط در رابطه بین رویکرد نیاز به عدالت اجتماعی با همدلی و گرایش اجتماعی نقش میانجی را بازی می‌کنند.

۲. مشفق، بهاره (۱۳۷۸) در مقاله «رابطه عدالت اجتماعی با همدلی و همبستگی مردم در جامعه» به این نتیجه می‌رسد که بین برقراری عدالت در جامعه و رابطه همدلانه آنان ارتباط برقرار است به گونه‌ای که برقراری عدالت در جامعه سبب ایجاد روابط همدلانه آنان با نظام خواهد شد.

۳. آزاد، تقی (۱۳۸۰) در مقاله «همدلی و روابط بین فرهنگی» ضمن اشاره به بحران موجود بر سر راه انسان اجتماعی معاصر، به راه حل همدلی اجتماعی می‌پردازد و چهار اصل را که برای رسیدن به همدلی مورد نیاز است را برمی‌شمارد.

۴. ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول؛ احمدی، سیروس؛ کلانتری، صمد (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن» به این نتیجه می‌رسد که یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با افزایش همدلی، افزایش مسئولیت‌پذیری و کاهش تحلیل هزینه پاداش مادی در بین شهروندان می‌توان نوع‌دوستی را افزایش و بی‌تفاوتی را کاهش داد.

ب - مقالاتی که پیرامون اقتصاد مقاومتی به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند.

۱. طهماسبی، آذر و بلداجی، اصغر (۱۳۹۲) در مقاله «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)» با بیان این که جهاد اقتصادی یکی از مصادیق مهم حماسه اقتصادی می‌باشد و تأثیر آن در پیشرفت اقتصادی بسیار حائز اهمیت است، به این نتیجه می‌رسند که اهمیت جهاد اقتصادی تا آنجاست که در کلام اهل بیت (علیهم‌السلام) برتر از جهاد با دشمنان در میدان‌های جنگ معرفی شده است و این مهم ناشی از اهمیت استقلال اقتصادی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان در سطح خرد و استقلال اقتصادی جامعه در سطح کلان

می‌باشد.

۲. اصغری، محمود (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی» با بیان این که بین تربیت دینی و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد، زیرا تربیت دینی در بعد اقتصادی در واقع همان مهارت‌آموزی و به کارگیری آن در بهره‌وری بهینه از منابع و ارتقاء بهره‌وری است، در این باره سخن گفته است.

۳. امامی، محمد (۱۳۹۲) در مقاله «استفاده بهینه در آموزه‌های اسلامی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی» به این نتیجه می‌رسد که استفاده بهینه از اموال و امکانات از عوامل مهم تأثیرگذار بر اقتصاد جامعه است که بدون توجه جدی به این مقوله نمی‌توان تحول در اقتصاد ایجاد کرد. این عامل نیز به نوبه خود متأثر از فاکتورهای دیگری است که در آیات و روایات بر آن تأکید شده است.

۴. فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، ضمن تعریف اقتصاد مقاومتی و بیان شاخص‌ها و مؤلفه‌های آن، به ارائه راه کارهای مناسب برای ترویج اقتصاد مقاومتی و راه حل مقابله با تحریم‌ها و همچنین تقویت توان و ظرفیت تولید داخلی می‌پردازند.

۵. سیف، الله مراد (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این سؤال پرداخته است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغ شده مشتمل بر کدام اهداف کلان و موضوعی بوده و ارتباط این اهداف در قالب یک نقشه راه چگونه است. نتایج نشان داده که سه سطح کلان در پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی، شامل سطح زیرین یا توانمندسازی درونی و سطح میانی یا پایدارسازی ذاتی و سطح زیرین یا الهام‌بخشی جهان، به ترتیب در این ابلاغیه مورد تأکید قرار گرفته است.

بخش اول: تعریف مفاهیم

تعریف ایمان

ایمان به اتفاق اهل لغت به معنای تصدیق کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۴۰؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق؛ ج ۱، صص ۱۳۳-۱۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۱۶۳-۱۶۴).

تعاریف گوناگونی برای ایمان بیان شده است. مرحوم طباطبایی رحمته الله در *المیزان* ایمان را اذعان و تصدیق به چیزی با التزام به لوازم آن دانسته است (طباطبایی، ۱۳۴۵، ج ۹، ص ۴۹۱ و ج ۱۵، ص ۶۰).

همین معنا را می‌توان از آیه شریفه ﴿ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَ مَلٰئِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (بقره/۲۸۵)؛ پیامبر به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است؛ (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن است) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند: «ما در میان هیچ یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم)». و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظار) آمرزش تو را (داریم)؛ و باز گشت (ما) به سوی تو می‌باشد، استفاده نمود.

در آیه شریفه همان گونه که دیده می‌شود از ایمان به خدا، فرشتگان، کتاب آسمانی و پیامبران سخن به میان آمده؛ اما روح همه آنها به ایمان به خدا بازمی‌گردد. بنابراین ایمان ضرورتی اعتقادی است که رابطه شناختی و معرفتی ما را از جهت باورها و شیوه رفتاری ما را از جهت اعمال با خدا تنظیم می‌کند.

معنای همدلی

همدلی در لغت برای نشان دادن یکی از ابعاد آگاهی به کار برده می‌شود؛ با این هدف که در هر رابطه انسان‌ها بتوانند در شناخت مسائل یکدیگر به دور از انتظارات بی‌پایه و توقعات نامحدود آگاه و توانا باشند (ساروخانی، ۱۳۷۸، ص ۹).

بنابراین، همدلی را می‌توانیم توانایی درک فرد مقابل به همان اندازه که او خود را درک می‌کند تعریف کنیم.

بر مبنای چنین تعریفی از همدلی است که مقام معظم رهبری علیه السلام همکاری، همدلی و صمیمیت دوسویه دولت و ملت را مصداق واقعی آن دانسته و می‌فرماید:

دولت، کارگزار ملت، و ملت کارفرمای دولت است، و هر چه همکاری دولت و ملت بیشتر باشد، کارها بهتر پیش خواهد رفت، بنابراین هم دولت باید واقعاً ملت را قبول داشته باشد و ارزش، اهمیت و توانایی‌های مردم را به درستی بپذیرد، و هم ملت باید به معنای واقعی کلمه به دولت اعتماد کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۱).

مفهوم اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی، همچنان که از نام آن پیداست، اقتصادی است که در پی آسیب‌زدایی و ترمیم ساختارهای اقتصادی موجود از طریق ایجاد نهادهای اقتصادی با رویکرد انقلابی و جهادی است. مهم‌ترین مؤلفه اصلی این اقتصاد، تداوم رشد اقتصادی در شرایط فشارهای بیرونی است و به بیان مقام معظم رهبری علیه السلام اقتصاد مقاومتی «یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶).

تعاریف دیگری که صاحب‌نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی

بیان نموده‌اند به نوعی شرح و توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه‌هایی از آن تعاریف به قرار ذیل هستند.

کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین علی و موسوی لقمان (۱۳۹۲): اقتصاد مقاومتی یک افزونه (نه لزوماً نظام) اقتصادی بومی است که مبتنی بر علم، عقلانیت، اراده عمومی و معارف ناب اسلامی است. این افزونه به منظور افزایش ثروت عمومی، پدید ساختن عدالت اقتصادی و رفع شکاف بین طبقه‌های اجتماعی، افزایش رفاه عمومی و ریشه کن کردن فقر و در جهت رسیدن به نظام اقتصاد اسلامی که قابلیت پیاده‌سازی در تمدن بزرگ اسلامی را دارد به کار می‌رود.

معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰): اقتصاد مقاومتی یک الگوی اسلامی است که کیفیت تعامل و ارتباط اقتصادی با کشورهای خارجی را تعیین می‌کند، به گونه‌ای که از سویی ناظر به اوضاع داخلی کشور و پوشش نقاط ضعف است و از سویی دیگر با اتکا به نقاط قوت اقتصاد داخلی حقوق پایمال شده ملت را از کشورهای متجاوز استیفا می‌کند.

بخش دوم: عوامل همدلی در آموزه‌های دینی

عوامل همدلی را می‌توان در دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی مورد بحث قرار داد.

الف - عوامل درونی

عقاید و باورها

ریشه‌های همدلی را می‌توان در عقاید، بینش‌ها و نگرش‌ها جست و جو کرد. در آموزه‌های دینی بر نقش دین و ایمان در تحقق همدلی و همبستگی تأکید فراوانی شده است. به عنوان مثال علی علیه السلام در کلمات خویش مهم‌ترین مبانی

همدلی را دین اسلام و قرآن می‌داند؛ آنجا که می‌فرماید: «أَمَّا دِينٌ يَجْمَعُكُمْ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۹۲)؛ آیا دینی نیست که شما را به گرد خود جمع کند و محور اتحاد و همدلی تان شود؟

آنگاه حضرت باورها و ایمان به خدا را به عنوان اصلی‌ترین مبنای دین، رمز همدلی و همبستگی دانسته و اعلام می‌دارد که چرا عده‌ای با هم اختلاف دارند؛ در حالی که: «إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيُّهُمْ وَاحِدٌ وَ كِتَابُهُمْ وَاحِدٌ أَمْ أَمْرُهُمُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِالْاِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا نَاقِصًا فَاسْتَعَانَ بِهِمْ عَلَى إِتْمَامِهِ أَمْ كَانُوا شُرَكَاءَ لَهُ فَلَهُمْ أَنْ يَقُولُوا وَ عَلَيْهِ أَنْ يَرْضَى أَمْ أَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ دِينًا تَامًا فَقَصَرَ الرَّسُولُ ﷺ عَنْ تَبْلِيغِهِ وَ أَدَائِهِ وَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۲)؛ خدایشان یکی، پیامبرشان یکی و کتابشان یکی است. آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که اطاعت کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و معصیت خدا کردند؟ یا خدای سبحان دین ناقصی فرستاد و در تکمیل آن از آنها استمداد طلبید؟ یا آنها (برخی دانشمندان) شرکای خدایند که هر چه بخواهند، در احکام دین بگویند و خدا رضایت دهد؟ یا خدای سبحان دین کاملی فرستاد، پس پیامبر ﷺ در ابلاغ آن کوتاهی ورزید؛ در حالی که خدای سبحان می‌گوید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم». بنابراین به نظر می‌رسد که اگر همدلی ریشه در بینش‌ها و باورها داشته باشد، مؤثرتر، پایدارتر و واقعی‌تر است. بدین جهت است که ایمان، کلید دست‌یابی به نیروی درون دانسته شده است؛ نیرویی که در اثر شناخت و گرایش (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۲۰۰) نسبت به یک مقصد و هدف برانگیخته شده و می‌جوشد، و هر چه این مقصود و مطلوب بزرگ‌تر و با عظمت‌تر باشد، نیرویی که در درون انسان پدید می‌آید، بزرگ‌تر خواهد بود، تا جایی که مراتب بالای ایمان که یقین است و بر معرفت عمیق و گرایش شدید استوار است، می‌تواند معجزه بیافریند.

امام صادق علیه السلام در رابطه با برکات یقین می فرماید: «الْيَقِينُ يُوصِلُ الْعَبْدَ إِلَى كُلِّ حَالٍ سَنِيٍّ وَ مَقَامٍ عَجِيبٍ كَذَلِكَ أَخْبَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ عِظَمِ شَأْنِ الْيَقِينِ حِينَ ذُكِرَ عِنْدَهُ أَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ كَانَ يَمْشِي عَلَى الْمَاءِ فَقَالَ لَوْ زَادَ يَقِينُهُ لَمْشَى فِي الْهَوَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۱۷۹)؛ یقین گوهر گران بهایی است که انسان را به مراتب بلند و مقامات رفیع و شگفت آور می رساند و این گفتار رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که از عظمت و ارزش یقین خبر داد، هنگامی که نام عیسی بن مریم علیه السلام برده شد و گفته شد که آن حضرت بر روی آب راه می رفت، فرمودند: اگر یقین عیسی بن مریم علیه السلام بیشتر بود می توانست در هوا حرکت کند.

آثار و نتایج ایمان در بعد اجتماعی

در مورد آثار و نتایج ایمان، آنچه تاکنون بیشتر مورد توجه قرار گرفته و از منظر اجتماعی حائز اهمیت گشته، ابعاد آخرت گروانه ایمان است و جنبه های دنیایی و البته معنوی و تمدن ساز آن مورد بی مهری قرار گرفته است؛ و در واقع می توان گفت به نوعی تحریف و کاهش معنا مبتلا گشته است. برای نمونه در تبیین رابطه ایمان و عمل به صدقه، نماز و کمک به دیگران و نظایر آن بسنده شده است (آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۹). در طرف مقابل، برای بی ایمانی، صرفاً نتیجه «گناه و غرور و ریا و عجب و تکبر و...» معرفی شده است (آملی جوادی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴).

در حالی که اولین ثمره و میوه ایمان که تقواست، هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی ظهور و بروز دارد، بلکه ظهور و بروز آن در دنیا امری حتمی و قطعی است، به بیان آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶)؛ و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه می کردند، برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم، ولی آنها تکذیب کردند، پس ما نیز ایشان

را به سزای آنچه می‌کردند گرفتار ساختیم. بر همین اساس است که مقام معظم رهبری علیه السلام در تبیین مفهوم و کارکرد تقوا می‌فرمایند:

«تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان باتقوا که او را از آسیب تیرهای زهر آگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون می‌دارد. البته فقط هم مسائل معنوی نیست. ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق/۲-۳)؛ و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است. عین همین مسأله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، به خصوص اگر مثل جامعه نظام جمهوری اسلامی آرمان‌های والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهر آگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخش‌های مختلف تقوای اجتماعی را می‌توان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد می‌خواهیم در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهر آگین سیاست‌های معارض جهانی آسیب نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی رو کنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرت‌هایی که از همه ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده می‌کنند برای این که به این ملت و این کشور و این نظام ضربه وارد کنند. یکی از راه‌هایی که فعلاً پیدا کردند عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سال‌هاست مطرح کردیم و گفتیم؛ مسؤولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاش‌های خوبی کردند، لکن ما باید با همه توان، با همه ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم؛ این می‌شود تقوای اجتماعی ما در زمینه مسأله اقتصادی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۴/۲).

نقش تقوا در ایجاد همدلی و همبستگی

تقوا و پرهیزگاری، به عنوان یکی از عوامل مهم همدلی و همبستگی در جامعه انسانی، مورد توجه قرآن کریم قرار گرفته است. اگر در همه جا عدالت، تقوا، محبت، تعاون، ایثار، حرمت، همدلی و... حکم فرما باشد، اختلاف، نزاع و درگیری یا به طور کلی از بین می‌رود و یا بسیار اندک خواهد بود. اگر ظلم، تجاوز به حریم و حرمت دیگران، بی‌عدالتی و بی‌تقوایی در جامعه حاکم باشد، یقیناً درگیری و اختلاف نیز به تبع آن وجود خواهد داشت.

با توجه به اهمیت این مسأله است که خدای سبحان از زبان اهل ایمان این دعا را بیان می‌کند: ﴿وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (حشر/۱۰)؛ و در دل‌های ما حسد و کینه نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی. «غِل» به صفات مخفی و زشت اخلاقی گفته می‌شود، مؤمن از خداوند می‌خواهد هرگونه زشتی را از او دور کند. این جمله با توجه به تعبیر «اخوان» (برادران) حاکی از این است که بر کل جامعه اسلامی روح محبت، صفا و برادری باید حاکم باشد تا همدلی و انسجام اجتماعی ایجاد شود.

قرآن کریم در راستای دستیابی به همدلی و انسجام اجتماعی است که اعتصام به حبل الهی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/۱۰۳)؛ همه به ريسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید! در بستر شکل‌گیری این همدلی و همبستگی متکی به ایمان الهی است که مؤلفه‌های اصلی و اساسی اقتصاد مقاومتی رشد می‌کنند. این مؤلفه‌ها عبارتند از:

۱. تلاش و کوشش جمعی با اعتماد بر نیروی لایزال الهی

از آنجا که متعلق ایمان، خداست، انسان‌های مؤمن همه چیز را در رابطه با خدا می‌بینند؛ در نتیجه دنیا را میدان مسابقه دانسته و همت و تلاش خود را با تمام توان

به کار گرفته و با همدلی و همیاری، جامعه خود را از هر جهت قدرتمند می‌سازند. ایشان بر این باورند که با دنیایی ضعیف و زبون، نمی‌توان از دین خدا پاسداری کرد. این دنیای قدرتمند است که می‌تواند برای دین هزینه شود و فدای آن گردد. دین و دنیا، دست در دست هم دارند و موفقیت هر یک بی‌نیاز از دیگری نیست.

ایمان با ایجاد چنین نگرشی که «يُدُّ اللَّهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۲۴)؛ دست خدا با جماعت است. هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست؛ بینش انسان‌ها را به خود و جهان تغییر می‌دهد و هدف و معنای روشن همه چیز را نمایان می‌سازد. در اثر این تغییر نگرش، تمام جهان پر نور و با معنی شناخته می‌شود و بیش از همه خود شخص معنی یافته و هستی خود را لبالب از روشنایی و توانمندی تجربه می‌کند و هر چیز را برای شادمانی و نشاط و تقویت نیروی ایمان خویش مناسب می‌بیند؛ چون نور و رحمت پروردگار، همه جا را پر کرده و سراسر عالم نشانه‌های او را به جلوه در آورده و منشأ زایش و پرورش هوشیاری و شناخت و عظمت و عشق و اراده است. بدین جهت پیامبر اکرم ﷺ فرمود: گویا مؤمن از روشنایی و مهربانی سرشته شده است که «المؤمن ... ابوه النور و امه الرحمه» (قمی، ۱۴۰۴ق، ص ۷۳)؛ پدر مؤمن روشنایی و مادرش مهربانی است.

بنابراین جامعه‌ای که جانی لبریز از ایمان و قلبی سرشار از یقین دارد، امور والا را اراده کرده و با قدرت و جدیت وارد عمل می‌شود، زیرا خدایی حکیم، مهربان و توانا را همواره حاضر، ناظر و دست اندرکار امور می‌داند؛ بر مبنای چنین باوری است که امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرمایند: «لَا وَسِيلَةَ أَنْجَحُ مِنَ الْإِيْمَانِ» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۵)؛ وسیله‌ای پیروزمندتر از ایمان نیست. در حقیقت انسان‌های مؤمن و جوامع باورمند به ایمان الهی با این باور تنور زندگی را گرم نگه می‌دارند و هرگز سرمای یأس و ناامیدی را به زندگی خود راه

نمی‌دهند، زیرا که معتقدند است ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ (عنکبوت/۶۹)؛ و آنها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه‌های خود هدایتشان خواهیم کرد، و خداوند با نیکوکاران است.

۲. باورمندی به شکوفا شدن استعدادها در راستای توانمندی‌های علمی
در چنین جامعه‌ای که ایمان و باورمندی به عنایت و هدایت‌های الهی ریشه‌ای قوی و بنیادی مستحکم دارد انسان‌های مؤمن با این باور زندگی می‌کنند که دانش و قدرت خلاق هستی بسیار نزدیک به آنهاست و در دل و جان آنها حضور و ظهور دارد. از این جاست که نیروی بیکران الهی به برکت ایمان، در دل و جان چنین جامعه مؤمنانه‌ای آزاد و آشکار می‌شود و قدرتی به او می‌دهد که او را بر هر کاری توانا و به هر نتیجه مطلوبی نزدیک می‌سازد. به همین جهت است که یقین اهل ایمان در عملشان به صورت اطمینان و باور به نتیجه خود را آشکار می‌سازد. به تعبیر امیرالمؤمنین علی علیه السلام «كُنْ مُوقِنًا تَكُنْ قَوِيًّا» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۲۸)؛ اهل یقین باش تا توانا شوی. بنابراین جوامعی که بهره‌مند از ایمانند و برای دنیا و آخرت با جدیت تلاش می‌کنند، به آسانی ناملازمات را پشت سر می‌گذارند، زیرا «جان مؤمن از سنگ سخت مستحکم‌تر است» (همان، ح ۱۵۳۸).

به هر میزان که ایمان و معرفت انسان‌ها نسبت به خدای سبحان بیشتر باشد، به همان میزان موفقیت در کارها بیشتر خواهد بود. بر این اساس است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «لو عرفتم الله حق معرفه لمشيتم على البحور و لزالتم بدعائكم الجبال» (محمّدی ری شهری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۸۸۶، ح ۱۲۲۴۴)؛ اگر خدا را چنان که شایسته است می‌شناختید، بدون تردید روی دریاها راه رفته، به خواست شما کوه‌ها فرو می‌ریخت.

۳. تولید و تقویت سرمایه اجتماعی

با توجه به آنچه در رابطه با نقش ایمان در ایجاد و تقویت همدلی گفته شد، جایگاه ایمان و اهمیت آن در تولید و تقویت سرمایه اجتماعی به روشنی دانسته می‌شود؛ زیرا آنچه مسلم است، برای دستیابی به اقتصاد مقاومتی به سرمایه اجتماعی بیشتر از سرمایه مادی و فیزیکی نیاز است. بدون این سرمایه استفاده بهینه از دیگر سرمایه‌ها امکان‌پذیر نیست. در جامعه‌ای که فاقد سرمایه اجتماعی کافی است، به احتمال زیاد، سایر سرمایه‌ها نیز تلف می‌شوند. از این رو است که اسلام برای تولید و تقویت سرمایه اجتماعی نیز راه کارهای مهمی بیان کرده است. ایمان به اصول بنیادین شریعت، رعایت عدالت اجتماعی، رعایت نظم در روابط اجتماعی و نظارت همگانی مهم‌ترین راه کارهای تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه است. اگر راه کارهای مذکور و زیرمجموعه آنها در جامعه نهادینه شود، سرمایه اجتماعی در جامعه از استحکام خوبی برخوردار خواهد شد.

تقویت شبکه‌های اجتماعی نیز به صورت خاص مورد توجه اسلام است، علاوه بر آن به منظور تبدیل روابط موقت، سطحی و محدود به روابط بادوام، عمیق و گسترده، اسلام در عرصه‌های مختلف دستورالعمل‌های مناسب با آن را مطرح کرده است. خصوصیت مشترک همه آنها این است که هر نوع رابطه‌ای با حقوق همراه است و این حقوق در تقویت روابط بسیار مهم است.

حق برادری

به عنوان مثال، از جمله این حقوق حق برادری است. از نظر اسلام تمام افراد جامعه اسلامی برادر و نسبت به سرنوشت یکدیگر مسئول هستند و هیچ کس نباید نسبت به سرنوشت دیگری بی تفاوت باشد.

آموزه برادری نقش بسیار مهمی در تقویت اصل همدلی و همیاری در جامعه ایفا می‌کند. آنجا که به اعتقاد نبی مکرم اسلام ﷺ خیر رسانی به برادران دینی که در سایه همدلی به وجود می‌آید، به عنوان بهترین و بالاترین ویژگی بعد از

ایمان به خدا قرار می گیرد؛ «خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَنَفْعُ الْإِخْوَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۳۷۴)؛ دو خصلت است که نیک تر از آن نیست؛ ایمان به خدا و سودمندی برای بندگان خدا.

در قرآن کریم از تشویق به سبقت جویی در کارهای خیر و دارای منافع عمومی، در قالب دو واژه سرعت و سبقت بهره گرفته شده است. از این رو گاه سخن از «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ» (مؤمنون/۶۱)؛ چنین بندگان در خیرات تعجیل می کنند و اینان هستند که به کارهای نیکو سبقت می جویند، و گاه از «سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ» (فاطر/۳۲)؛ در کارهای نیک پیشگامند، و «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره/۱۴۸)؛ در نیکی ها بر یکدیگر سبقت جوید، به میان آمده است. در کاربردهای قرآنی، «خیر» هر چیزی است که مورد گرایش و میل و رغبت همگانی و مطابق با فطرت انسانی باشد که همدلی یکی از مصادیق بارز آن است.

از نظر قرآن کریم هر کار خیری در دنیا آثاری خواهد داشت که از مهم ترین آثار آن علاقه و دوستی و الفت خدا به عامل خیر است؛ «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه/۱۱-۱۰)؛ پیشی گیرندگان آن پیشی گیرندگان هم آنها نزد پروردگارشان مقربند، که نتیجه آن در تعامل با دیگران نیز ظهور و بروز پیدا می کند و مردم وی را دوست داشته و به وی محبت می ورزند و در پی این دوستی و محبت است که همدلی شکل گرفته و نهادینه می شود.

از منظر قرآن کریم علل و عوامل پیشتازی برخی از انسان ها در کارهای خیر و نیک ریشه در بینش و نگرش آنان نسبت به ایمان به خدا و معاد و قدرت بی منتهای الهی دارد. «الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ» (مؤمنون/۵۸)؛ کسانی که به آیات پروردگارشان باور دارند، «الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ» (مؤمنون/۶۰)؛ کسانی که ایمان به روز واپسین دارند و معتقدند

که بازگشت همه به سوی خدا هست، ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (بقره/۱۴۸)؛ خدا بر هر کاری تواناست.

براساس این باورهاست که تقدم منافع عمومی بر منافع خصوصی و مسئول بودن تمام انسان‌ها در سرنوشت جمعی، که پایه‌های اصلی همدلی را می‌سازد در جامعه مؤمنانه در صدر قرار دارند. در بستر چنین باورهایی است که اقتصاد مقاومتی می‌تواند شکوفا و بالنده شود، زیرا اقتصاد مقاومتی نیاز به جهاد اقتصادی و سخت‌کوشی دارد.

این در حالی است که غرایز، آدمی را به سوی خودخواهی و حب نفس سوق می‌دهد، ولی ایمان و عواطف انسانی، آدمی را از محور «خود» به جانب دیگران و دیگرخواهی می‌برد و به آدمی لطافت روحی می‌بخشد (سادات، ۱۳۶۸، ص ۱۰۵).

بنابراین، ایمان از بعد جامعه‌شناختی، موجب همدلی، انسجام و همبستگی میان افراد و جوامع می‌شود. اعتقاد به باورها، ارزش‌ها و نمادهای مشترک، همدلی و هم‌آهنگی را میان مؤمنان ایجاد و تقویت می‌کند (کوزر، ۱۳۶۷، ص ۲۰۰).

۴. تقویت روحیه خودباوری و خود اتکایی

در جامعه‌ای که به برکت ایمان الهی، همدلی و همبستگی در قالب سرمایه اجتماعی بروز و ظهور دارد، راه برای خود باوری و خود اتکایی و ایستادن روی پای خود نیز باز می‌شود.

قرآن کریم با تکیه بر توانایی‌های انسان‌های خودباور و خود اتکا می‌فرماید: ﴿كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۲۴۹)؛ چه بسا گروه‌های اندکی که بر گروه‌های فراوان به اذن پروردگار عالم پیروز شدند. در آیات دیگری همین مطلب را با بیان کمی و به صورت ملموس‌تر تبیین می‌فرماید: «هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند بر دوصد نفر غلبه می‌کنند

و اگر صد نفر باشند بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند پیروز می‌گردند» (انفال/۶۵).

ب - عوامل بیرونی - عامل تهدید

عامل تهدید نیز یکی از عوامل همدلی و انسجام اجتماعی است، زیرا گروه‌ها و جوامع به طور طبیعی در برابر تهدیدها منسجم می‌شوند. البته این همدلی و انسجام به جهت ماهیت عامل، از استحکام و قوام کم‌تری برخوردار بوده و بسیار شکننده می‌باشد. از این رو ائتلاف گروه‌ها و جوامع بر پایهٔ تهدید مشترک، نوعی سست از انسجام شمرده می‌شود. در ضمن واکنش اعضا و جوامع از جهت نوع و چگونگی و نیز شدت و ضعف انسجام بستگی به ماهیت تهدید و میزان و شدت و ضعف آن دارد.

بسترهای همدلی در زمینهٔ تهدید در آموزه‌های دینی

۱. حفظ امنیت ملی

اسلام پیش‌شرط اصلی سلامت و سعادت اجتماع انسانی را در اعتقاد به خدا و استقرار امنیت می‌داند. این نیاز به امنیت تا بدانجا ارزشمند است که حتی امنیت بر معیشت تقدم داده شده است. چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: نعمتی گواراتر از امنیت نیست (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۵). با این توصیف، به میزانی که امنیت در حوزهٔ فردی و اجتماعی قوام و استقرار می‌یابد، به همان میزان شادابی، سرزندگی، پویایی و شکوفایی در انسان‌ها و اجتماع آنان تبلور یافته و احساس خوشایند امنیت جلوه‌گر می‌شود. بدین لحاظ، رویش احساس امنیت مبتنی بر همدلی و پرهیز از تفرقه و جدایی است. از این رو، همدلی و همبستگی می‌تواند تأثیر مستقیمی بر امنیت جامعه و در نهایت امنیت ملی داشته باشد. چنان که به تأیید قرآن کریم یکی از آثار و برکات ایمان نیز رسیدن جامعه به مقام امن و امنیت است. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

مُهْتَدُونَ ﴿انعام/۸۲﴾؛ آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند، برای آنها ایمنی و آسودگی است و هم آنها به حقیقت هدایت یافته‌اند.

یکی از مصادیق ظلم، تفرقه و جدایی و نبود همدلی و همبستگی است. در تبیین نقش همدلی و اهمیت آن در حفظ امنیت ملی و عزت و سربلندی اجتماعی امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه معروف به قاصعه، مسلمین را به اندیشیدن در سرگذشت مسلمانان صدر اسلام فراخوانده و می‌فرماید:

«پس اندیشه کنید که چگونه بودند آنگاه که وحدت اجتماعی داشتند، خواسته‌های آنان یکی، قلب‌های آنان یکسان، و دست‌های آنان مددکار یکدیگر، شمشیرها یاری کننده، نگاه‌ها به یک سو دوخته، و اراده‌ها واحد و همسو بود. آیا در آن حال مالک و سرپرست سراسر زمین نبودند و رهبر و پیشوای همه دنیا نشدند؟ پس به پایان کار آنها نیز بنگرید در آن هنگام که به تفرقه و پراکندگی روی آوردند، و مهربانی و دوستی آنان از بین رفت، و سخن‌ها و دل‌هایشان گوناگون شد؛ از هم جدا شدند، به حزب‌ها و گروه‌ها پیوستند، خداوند لباس کرامت خود را از تنش بیرون آورد و نعمت‌های فراوان شیرین را از آنها گرفت، و داستان آنها در میان شما عبرت‌انگیز باقی ماند» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۵). در صورت وجود امنیت ملی است که آیه شریفه ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۱۳)؛ کسانی که گفتند: «پروردگار ما الله است»، سپس استقامت کردند، نه ترسی برای آنان است و نه اندوهگین می‌شوند، بر چنین جامعه‌ای صدق می‌کند.

بنابراین یکی از شاخص‌های مهمی که نقش محوری را در ایجاد همدلی و همبستگی در دفاع از امنیت ملی و پایداری و استمرار وجودی جوامع بشری دارد، ایمان مذهبی و باورهای دینی است.

در همین زمینه برینر، از دانشمندان معاصر، هم بر این واقعیت تأکید داشته و می‌نویسد: در دوره‌های گذشته حکومت‌های دینی که بر پایه ارزش دینی قرار

داشته‌اند از امنیت بیشتری نسبت به جوامع سکولار امروزی برخوردار بوده‌اند (برنر، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

در بستر حفظ امنیت ملی است که امنیت اقتصادی نیز به وجود می‌آید. در پی وجود امنیت اقتصادی است که رونق اقتصادی به وسیله سرمایه‌گذاری در جامعه محقق می‌شود. از این رو، امنیت اقتصادی به عنوان مهم‌ترین شاخص اقتصاد مقاومتی در دو سطح خرد و کلان مورد توجه قرار گرفته است. در سطح خرد امنیت اشتغال و درآمد را شامل می‌شود و در سطح کلان به امنیت سرمایه‌گذاری در کشور می‌انجامد، مسلم است که رشد اقتصادی مستلزم سرمایه‌گذاری است؛ اگر در جامعه‌ای سرمایه‌گذاری در حد و اندازه لازم صورت نگیرد، رشد اقتصادی کند یا متوقف خواهد شد. نتیجه این امر بیکاری و کاهش سطح رفاه عمومی جامعه است. سرمایه‌گذاری در صورتی محقق خواهد شد که محیط مناسب و امنیت لازم برای آن فراهم باشد. غالب پروژه‌ها مستلزم هزینه‌های سنگین غیرقابل برگشت هستند. این مسأله باعث می‌شود که در فضای عدم اطمینان، بنگاه‌ها انگیزه‌ای برای تخصیص منابع خود به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت نداشته باشند. بنابراین، وجود چنین پیش شرطی لازمه اقتصاد مقاومتی است.

۲. پرهیز از سلطه‌پذیری

قاعده «نفی سیل» که قرآن کریم بر آن تأکید فراوان دارد و به معنای بستن همه راه‌ها و روش‌های مستقیم و غیرمستقیم سلطه و نفوذ کفار بر مسلمانان است، اولین مبنای ایمانی پرهیز از سلطه‌پذیری است.

آیه شریفه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء می‌فرماید: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾؛ خداوند هرگز برای کافران نسبت به مؤمنان راه سلطه و تفوق را باز نگذاشته است. براساس این آیه، تسلط و استیلای کافران بر مسلمانان به

صورت همیشگی و ابدی نفی و نهی شده و متعلق به عصر و زمان خاصی نیست. مهم‌ترین هدف نهی و نفی دائمی تسلط کفار بر جوامع اسلامی، حفظ عزت و احترام مسلمانان است؛ عزتی که خداوند متعال در قرآن کریم، آن را هم‌ردیف عزت خود و رسول خدا ﷺ قرار داده است. خداوند در سوره منافقون تأکید می‌کند ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (منافقین/۸)؛ عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.

از نگاه قرآن، تسلط کفار بر مسلمانان و جوامع اسلامی، بارزترین نمونه ذلت به شمار می‌رود. از این رو، شدیداً نهی می‌شود. خداوند آن دسته از مسلمانان را که به جای هم‌کیشان خود، کفار را ولی خود گرفته و از آنان طلب عزت می‌کنند، به شدت مورد عتاب قرار داده و می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِيتَ عَنْهُمْ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء/۱۳۹)؛ همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند، آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این که همه عزت‌ها از آن خداست؟!

بنابراین در نظام اسلامی، سعی در حفظ حاکمیت سیاسی اسلام در روابط با بیگانگان است؛ زیرا در روابط خارجی، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به هم پیوسته‌اند. هم‌اکنون وابستگی سیاسی بسیاری از کشورها در اثر وابستگی اقتصادی آنهاست. به این سبب یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی، حفظ حاکمیت سیاسی اسلام است.

بر این اساس، استقلال به معنای نفی سلطه‌پذیری و وابستگی به بیگانگان، مهم‌ترین اصل سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر پایه آموزه‌های اسلامی و قرآنی و منافع ملی است و بر همه اصول دیگر سیطره دارد. صیانت از استقلال و نفی سلطه‌پذیری، ابعاد و عرصه‌های گوناگون و همه‌جانبه سیاست خارجی، اعم از حفظ وحدت و هم‌دلی و تمامیت ارضی کشور، عدم وابستگی سیاسی و

اقتصادی، نفی سلطه فرهنگی و علمی، حفظ عزت و حیثیت را شامل می‌شود. بر مبنای همین اصل مسلم قرآنی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت در اصول ۱۵۲ و ۱۵۳، سیاست خارجی کشور را براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی، سلطه‌پذیری، عدم تعهد و استقلال از قدرت‌های بیگانه استوار کرده است (قانون اساسی، ۱۳۶۸، ص ۶۱).

در راستای عمل به این اصل قرآنی است که به تعبیر رهبری: «بسیاری از زیرساخت‌ها در ایران برای یک جهش اقتصادی و پیشرفت علمی فراهم شده است. پیشرفت‌هایی که نه به خاطر وابستگی به غرب، که دقیقاً از روحیه استقلال‌طلبی شکل گرفته و از همین رو، دشمن در گام اول، تضعیف و تخریب این روحیه و باور را نشانه گرفته است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۶/۱۶). ایشان با بهره‌گیری از همین اصل قرآنی است که در هر فرصتی که پیش می‌آید تلاش می‌کنند تا از آن فرصت در زمینه هم‌دلی و انسجام اجتماعی استفاده مناسب را ببرند. به عنوان مثال دوران بحث‌ها و گفتگوها در رابطه با مسائل هسته‌ای و فضای به وجود آمده در زمینه مذاکرات هسته‌ای را فرصتی مناسب برای تقویت هم‌دلی دانسته و می‌فرماید:

«... الان فرصت خوبی است برای هم‌دلی. یک عده‌ای مخالفند، یک عده‌ای اعتراض دارند. خیلی خب، مسئولین ما که مردمان صادقی هستند، مردمان علاقمند به منافع ملی‌اند. بسیار خب، یک جمعی از مخالفان را - از آن افرادی که شاخصند - دعوت کنند، حرف‌های آنها را بشنوند. ای بسا در حرف‌های آنها یک نکته‌ای باشد که این نکته را اگر رعایت کنند، کارشان بهتر پیش برود. اگر چنانچه نکته‌ای هم نبود، آنها را قانع کنند. این می‌شود هم‌دلی؛ این می‌شود یکسان‌سازی دل‌ها و احساس‌ها» (همان، ۱۳۹۴/۱/۲۰).

در راستای بهره‌گیری از عنصر تهدید و پرهیز از سلطه‌پذیری در جهت تقویت هم‌دلی و انسجام اجتماعی است که رئیس‌جمهور نیز با دعوت از گروه‌ها

و تشکل‌ها و اتحاد جامعه می‌گوید: «اگر کسی فکر کند که دشمنی دشمن تمام شده و دیگر توطئه‌ای علیه ایران و منطقه در کار نخواهد بود، این ساده‌انگاری است. باید همه دست در دست هم در مسیر استحکام بیشتر این انقلاب و نظام گام برداریم...» (روحانی، ۱۳۹۴/۶/۲۴).

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت:

اولاً، با توجه به آنچه در بخش اول گفته شد، از مهم‌ترین نتایج ایمان در بعد اجتماعی، هم‌دلی و همبستگی است، و نتیجه هم‌دلی و همبستگی بر محور ایمان الهی رویش تلاش و کوشش با اعتماد به نیروی لایزال الهی، شکوفا شدن استعدادها، تقویت سرمایه اجتماعی و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی است. در واقع در بستر این نتایج ایمانی است که اقتصاد مقاومتی می‌تواند به خوبی بالنده شود، زیرا اقتصاد مقاومتی در حوزه تولید، که پایه و اساس اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهد، به تمامی این مؤلفه‌ها نیازمند است.

ثانیاً، براساس آنچه در بخش دوم در رابطه با نقش ایمان در انگیزش هم‌دلی و همبستگی اجتماعی برای حفظ امنیت ملی و پرهیز از سلطه‌پذیری گفته شد، مناسب‌ترین بستر را جهت تقویت تولید داخلی و پرهیز از مصرف کالای خارجی که از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی است فراهم می‌کند.

ثالثاً، استفاده از روش بهره‌گیری از توانمندی‌های دین در حل معضلات اجتماعی است که نقش کلیدی در پیروزی انقلاب اسلامی داشته و همچنین توانسته است نظام اسلامی را از بحران‌های امنیتی و هشت سال جنگ تحمیلی سربلند بیرون آورد. علاوه بر این در صورت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌تواند الگوی مناسبی را در نظام‌های سیاسی و اقتصادی به تصویر بکشد و در راستای عمل به برخی از اصول فصل چهارم قانون اساسی نیز می‌باشد.

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه (۱۳۷۹)، ترجمه محمد دشتی، قم، پرهیزکار.

۱. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵)، «ساختار مبنایی ایمان در قرآن»، فصلنامه معارف اسلامی، سال دوم، شماره دوم.
۲. آزاد، تقی (۱۳۸۰)، «هم‌دلی و روابط بین فرهنگی»، مجله بازتاب اندیشه، شماره ۲۴.
۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
۴. ابن فارس، ابی الحسن احمد (۱۴۰۴)، معجم مقاییس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. ابن منظور الأنصاری، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت، دار صادر، سوم.
۶. ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول؛ احمدی، سیروس و کلاتتری، صمد (۱۳۸۶)، «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه رفتار دانشور، شماره ۲۲.
۷. اصغری، محمود (۱۳۹۳)، «تربیت دینی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره ۹۹.
۸. امامی، محمد (۱۳۹۲)، «استفاده بهینه در آموزه‌های اسلامی و نقش آن در اقتصاد مقاومتی»، دو فصلنامه میراث طاها، شماره ۲.
۹. برینر، برت. اف (۱۳۷۵)، «سکولاریسم و دین»، ترجمه افروز اسلامی، نامه فرهنگ، سال ششم، شماره ۲.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری (۱/۱/۱۳۸۴)، در جمع زائران حرم مطهر رضوی علیه السلام.
۱۱. ----- (۱/۱/۱۳۹۴)، در جمع زائران حرم مطهر رضوی علیه السلام.
۱۲. ----- (۱۶/۶/۱۳۸۹)، در جمع همافران.
۱۳. ----- (۱۴/۱۱/۱۳۹۰)، در خطبه نماز جمعه.
۱۴. ----- (۵/۶/۱۳۹۳)، در دیدار با اعضای هیأت دولت.
۱۵. ----- (۱۱/۲/۱۳۸۷)، در دیدار با مردم شیراز.
۱۶. ----- (۱۹/۱۰/۱۳۹۰)، در دیدار با مردم قم.
۱۷. ----- (۹/۲/۱۳۹۴)، در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور.
۱۸. ----- (۲۰/۱/۱۳۹۴)، در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام.
۱۹. ----- (۶/۳/۱۳۹۴)، در دیدار رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی.
۲۰. ----- (۲/۴/۱۳۹۴)، در دیدار مسؤولان نظام.
۲۱. بی‌نا (۱۳۶۸)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بی‌جا، چاپخانه مجلس شورای اسلامی.

۲۲. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، مرکز نشر اسراء، سوم.
۲۳. روحانی، حسن (۱۳۹۴/۶/۲۴)، سخنرانی در جمع فرماندهان سپاه.
۲۴. سادات، محمد علی (۱۳۶۸)، *اخلاق اسلامی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۲۵. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران، اطلاعات.
۲۶. سیف، الله مراد (۱۳۹۲)، «مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۶۱.
۲۷. صفار قمی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات*، تهران، منشورات الاعلمی.
۲۸. طاهری فرد، احسان (۱۳۸۳)، «نقش نرخ ارز در توسعه صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران»، مجله برنامه و بودجه، ش ۸۹.
۲۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۴۵)، *المیزان*، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم.
۳۰. طهماسبی، آذر و بلداجی، اصغر (۱۳۹۲)، «جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از منظر قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)»، مجله کوثر، ش ۱۳.
۳۱. فراهیدی، الخلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، ایران، الناشر، مؤسسه دار الهجرة، الطبعة الثانية.
۳۲. فشاری، مجید و پورغفار، جواد (۱۳۹۳)، «بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران»، مجله اقتصادی، سال چهارم، ش ۵.
۳۳. کامفیروزی، محمد حسن؛ بنیادی نائین، علی و موسوی، لقمان (۱۳۹۲)، «بررسی نقش عوامل در اقتصاد بدون نفت در الگوی اقتصاد مقاومتی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۵۲.
۳۴. کوزر، لوئیس (۱۳۶۷)، *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۵. گل پرور، محسن (۱۳۸۸)، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۳۲.
۳۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحارالانوار لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم‌السلام)*، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۶۸)، *میزان الحکمة*، قم، مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
۳۸. مشفق، بهاره (۱۳۷۸)، «رابطه عدالت اجتماعی با همدلی و همبستگی مردم در جامعه»، کتاب ماه علوم اجتماعی، دوره جدید، ش ۷.

۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۲)، به سوی او، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ دوم.
۴۰. معلمی، سید مهدی (۱۳۹۰)، مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی در آموزه‌های اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

بازدارنده‌های ارتباط در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام *

□ علی جانفرا^۲

□ علی خیاط^۳

چکیده

معصومان علیهم السلام به عنوان تبیین کنندگان وحی وظیفه داشتند با گفتار و رفتار خود، پیروان دین مبین اسلام را با بایدها و نبایدهای زیستن آشنا نمایند. انسان به عنوان موجودی اجتماعی چاره‌ای جز ایجاد ارتباط با هم‌نوعان ندارد و در این راستا اگر بخواهد ارتباطی اثربخش با هم‌نوعان برقرار نماید، باید از پاره‌ای عوامل مؤثر بهره‌گیری کند و از بخشی بازدارنده‌های ارتباط دوری گیرند.

این نوشتار با هدف استخراج و دسته‌بندی پاره‌ای از موانع و بازدارنده‌های ارتباط اثربخش در گفتار و رفتار امام رضا علیه السلام تدوین شده است. این بازدارنده‌ها در ابواب مختلف حدیثی و نه فقط در ابواب اخلاقی احادیث ایشان به چشم می‌خورد.

تنوع سه دوره مختلف در دوران امامت ایشان و نگاه ویژه از حیث ارتباطی به احادیث آن امام همام می‌تواند الگویی ویژه برای شیوه رفتاری مدیران و بلکه همه علاقه‌مندان به خاندان اهل بیت علیهم السلام باشد.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. کارشناس ارشد علوم حدیث - تفسیر اثری (نویسنده مسؤول)

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

در این نوشتار، که به شیوه کتابخانه‌ای سامان یافته است، بازدارنده‌ها در دو گروه کلی درونی و بیرونی تقسیم شده که اجمالاً بازدارنده‌هایی همچون شیطان و نفس اماره، تحقیر، حسد، دروغ، بخل، فخر فروشی، بهتان، تکبر، غیبت، کینه و عداوت، ترس و بدزبانی به عنوان موانع ارتباط آورده شده است.

شوخی بیش از حد، مشاجره، نسبت ناروا، خشم، مجادله، محدود نمودن ارتباط، بی‌توجهی به احساسات طرف مقابل، تفاوت برخورد، هم‌نشینی با بدان، پیام‌های غیر کلامی نامناسب، ستایش افراطی مخاطب و نصیحت از دیگر بازدارنده‌های ارتباط است که شواهد آن را در احادیث امام رضا علیه السلام یافته‌ایم.

واژگان کلیدی: ارتباط مؤثر، بازدارنده‌ها، مخاطب، امام رضا علیه السلام.

مقدمه

ارتباط فراگرد انتقال پیام از گیرنده به فرستنده است، مشروط بر این که در گیرنده پیام مشابهت معنای مورد نظر فرستنده صورت پذیرد. در دایره بحث ما دو رکن اصلی فرایند ارتباط، گیرنده و فرستنده هستند، از جنس انسان با همه پیچیدگی که برای این موجود خاکی متصور است. موجودی که خداوند بر او منت نهاد که از جنس او برایش پیامبری برگزید تا پیام الهی را به او برساند. پیامی که منبع آن ذات باری تعالی و رساندن آن بر دوش پیامبران الهی علیهم السلام است، که در آخرین بسته پیام به وسیله ختم رسل برای هدایت متقین ارسال شد و معصومان علیهم السلام وظیفه تبیین آن را داشتند.

پیامبر رحمت و اهل بیت پاکش علیهم السلام سعی بلیغ و تلاش طاقت سوزی در مقام تبیین داشتند تا با قول و فعل و تقریرشان بیشترین حد این مشابهت معنایی را در پذیرندگان پیام ایجاد نمایند، تا مگر به اصلی‌ترین هدف نزول وحی، یعنی هدایت متقین نایل آیند.

اما آیا با مراجعه به تقلین می‌توان به عوامل و موانع ارتباط اثربخش دست یافت؟ آیا برای فهمیدن عوامل برقراری ارتباط مؤثر یا بازدارنده‌های ارتباط، میراث حدیثی ما می‌تواند نکاتی را برای بهره‌گیری ژرف‌اندیشان عرصه ارتباط

عرضه دارد. آیا در احادیث رضوی علیه السلام به عنوان عالم آل محمد علیه السلام می توان به نکاتی در این خصوص دست یافت؟ یا این مبحث پر کاربرد تنها در انحصار علوم ارتباطات اجتماعی به عنوان علمی جدید است؟

از دسته بندی مناسب علوم ارتباطات اجتماعی در عوامل برقراری ارتباط و بازدارنده های آن نمی توان غافل بود، اما تفاوت مبانی غرب در انسان شناسی و بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی از یک طرف و ایمان ما به جنبه هدایت گری قرآن و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر چنگ زدن به قرآن و عترت برای گمراه نشدن امت اسلام در قرون بعد از دیگر سوی و همچنین دوران خاص حضرت رضا علیه السلام در تنوع موقعیت ارتباطی، چه در مدینه و چه در مرو، از جهت سوم ما را به سوی تتبع در میراث حدیثی حضرت رضا علیه السلام رهنمون می سازد.

نکته دیگر این که عوامل برقراری ارتباط مؤثر، چه از حیث زیرساخت های درونی و چه بایدهای رفتاری از نظر میراث حدیثی حضرت رضا علیه السلام در دو مقال دیگر بررسی شده و در این جستار بر آنیم با بررسی تمام ابواب حدیثی حضرت، و نه فقط احادیث اخلاقی، چنانچه دیگر پژوهش های این زمینه داشته اند، به بررسی بازدارنده های ارتباط در گفتار و رفتار امام هشتم علیه السلام پردازیم.

از نظر دور نداریم که در منابع علوم ارتباطات اجتماعی به بحث بازدارنده های ارتباط پرداخته شده و بازدارنده هایی مانند کاهش عزت نفس، تحریک حالت دفاعی فرد، مقاومت و رنجش یا احساس بی کفایتی برشمرده شده است. توماس گردون نیز در این خصوص فهرستی ارائه کرده که در سه دسته قابل دسته بندی است.

اولین دسته، قضاوت است که مشتمل بر چهار عنوان انتقاد، نام گذاری، تشخیص گذاری و ستایش همراه با ارزیابی می باشد. دومین دسته، ارائه راه حل است که مشتمل بر پنج عنوان دستور، تهدید، اخلاقی ساختن، پرسش های زیاد و نامناسب و نصیحت کردن بوده و بالاخره سومین دسته، اجتناب نگرانی از طرف

مقابل است که این قسمت نیز مشتمل بر سه عنوان منحرف سازی، بحث منطقی و اطمینان آفرینی است.

گرچه بعضی از این موارد در میراث حدیثی عترت آل طاهرا علیهم السلام قابل مشاهده است، ولی دیدگاه های خاص حاکم بر تفکر اندیشمندان غرب، بعضی از موانع که در فرمایشات معصومان علیهم السلام مورد تأکید است را بر نمی تابد.

در بسیاری از احادیث اخلاقی معصومان علیهم السلام، عموماً و امام هشتم علیه السلام خصوصاً، بر تذکر به دوری از بعضی از عوامل درونی و رذایل تأکید شده است که همه این ها موجب عدم برقراری ارتباط اثربخش با دیگران می شود. برای فهم این مطالب در احادیث رضوی راهی جز بررسی رفتار و گفتار حضرت در ابواب مختلف حدیثی نیست. در متن پیش رو سعی شده با توجه به شواهدی که دیده ایم به دسته بندی و تحلیل این موارد در دو گروه موانع درونی و موانع بیرونی، که این قسم دوم در رفتار متجلی می شود، پردازیم.

موانع درونی

برخی موانع ارتباط اثربخش از درون انسان نشأت می گیرند و به نوعی موجب می شوند به فرایند انتقال پیام آسیب رسانده شود. به گونه ای که به شخصیت فرستنده و گاه گیرنده پیام لطمه زده و موجب نشنیده شدن پیام در انتهای مسیر انتقال پیام می شوند.

شیطان و نفس اماره

از شیطان، دشمن قسم خورده انسان، معمولاً به دلیل بداعت دشمنی او صرف نظر می شود. موانعی که در ذیل خواهد آمد یا از نفس سرکش انسان ناشی می شود، یا پیش کشی از جانب شیطان است که هر دو از درون انسان نقش بازدارندگی دارند. در کلام رضوی علیه السلام به زیبایی به وجود این دشمن قسم خورده و آسیب هایی که بر ارتباط بین مؤمنین می گذارد تذکر داده می شود و سپس به

سایر آسیب‌هایی که به ارتباط بین مؤمنین عارض می‌شود، اشاره می‌نمایند.

﴿۳۳﴾

ای عبدالعظیم! دوستان مرا سلام برسان و به آنان بگو در دل‌های خود برای شیطان راهی باز نکنند، و آنان را امر کن به راستگویی در گفتار و ادای امانت و سکوت و ترک منازعه و جدال در کارهای بیهوده، و امر کن که با یکدیگر رفت و آمد نمایند، که این عمل آنها موجب نزدیکی به من می‌شود. دوستان من نباید اوقات خود را به مخالفت و دشمنی با یکدیگر مشغول سازند. من با خویشتن پیمان بسته‌ام که هر کسی مرتکب این گونه کارها شود، و یا یکی از دوستانم را مورد خشم و غضب قرار دهد، از خداوند بخواهم تا وی را در دنیا به سخت‌ترین عذاب گرفتار کند (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۷؛ عطاردی، بی‌تا، ص ۴۷۹).

راه نیافتن شیطان به درون ما در فرازهایی از دعا‌های شب جمعه نیز آمده است:

«... وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ عَلَى عَقْلِي سَبِيلًا وَ لَا لِلْبَاطِلِ عَلَى عَمَلِي دَلِيلًا ...»
(طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸۰)؛ و برای شیطان راهی علیه خردم، و برای باطل راهنمایی علیه کردارم قرار مده.

نکته دیگر این که در کلام امام رضا علیه السلام تلویحاً عقل و تفکر در مقابل شیطان قرار داده شده که اگر آدمی از قوه تفکر بهره برد، شیطان و اذنب او نمی‌توانند در او نفوذ نمایند.

حسد

یکی از رذایل اخلاقی که در فرایند ارتباط تأثیر منفی می‌گذارد، حسد است. در منابع اخلاقی از این رذیله بسیار سخن به میان آمده است. باید توجه داشت بر اساس آموزه‌های دینی، حسد، حتی در سرنوشت انسان تأثیر منفی می‌گذارد. امام هشتم علیه السلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ایشان بدون این که موجبات ناراحتی مردم را فراهم آورد خود را از شرّ ایشان حفظ می‌کرده است.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله از مردم بیم داشت و خود را از آنان حفظ می‌کرد، بدون این که

کسی را از اخلاق و کردار خود ناراضی کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۸).

همچنین روایتی به نقل از پیامبر ﷺ در انذار از حسد وارد شده است که حسد به قدری زیاد شده که عن قریب است از قضا و قدر پیشی بگیرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲).

در حدیثی دیگر نیز امام رضا علیه السلام انسان حسود را فاقد راحتی می‌داند:

بخیل راحتی، و حسود لذت، و پادشاهان وفا و دروغ‌گو مردانگی ندارند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰).

از مجموع احادیث فوق می‌توان به این نکته رسید که انسان حسود با بیماری که دارد می‌تواند طرفی را که به او رشک می‌ورزد به سختی و مشکل بیاندازد، به طوری که رسول اکرم ﷺ در دو حدیث اول آثاری که فرد حسود بر طرف مقابل می‌گذارد را جدی گرفته و خود را از ایشان حفظ می‌نماید. اثر وضعی این امر دوری انسان مطلع (مانند پیامبر ﷺ) از این امر از فرد حسود و عدم تداوم ارتباط فرد غیر مطلع، به دلیل آثار بعدی حسد، با فرد حسود است. بالاخره در حدیث آخر فرد حسود به دلیل این که لذتی از موفقیت‌های طرف مقابل نمی‌بیند انگیزه‌ای برای تداوم ارتباط با وی نداشته و تمام انگیزه‌اش ضربه زدن به وی و نه آموختن چیزی از او و لذت بردن از همنشینی با فرد مقابل است.

بخل

تنگ نظری و بخل نیز می‌تواند از موانع ارتباط مؤثر باشد. در لسان روایات رضوی علیه السلام بخل معنایی وسیع‌تر از آنچه در اذهان است دارد. از امام رضا علیه السلام درباره معنای جواد، که نقطه مقابل بخیل است، سؤال شد که فرمود:

... اگر از مخلوق سؤال می‌کنی، جواد کسی است که واجبات خداوند را انجام دهد، و بخیل کسی را گویند که واجبات پروردگار را انجام ندهد، و اگر مقصودت از جواد خداوند است، اگر بدهد جواد است و اگر ندهد باز

هم جواد است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۹).

﴿۳۵﴾

بر طبق این حدیث، بخل انجام ندادن واجبات الهی است و معنای مصطلح، یکی از معانی تحت شمول این حدیث است. در صورتی که این معنا را در نظر بگیریم بسیاری از موانع ارتباطی تحت لوای این مورد قرار می‌گیرد. این حدیث می‌تواند ناظر به اهمیت موضوع جود و در مقابل آن بخل در زندگی باشد. در حدیثی پیش از این خواندیم که امام رضا علیه السلام در مذمت بخیل فرمود برای بخیل راحتی نیست (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰). امام رضا علیه السلام بخل را در جنبه اجتماعی و ارتباطی آن در مقابل سخاوت این گونه تحلیل می‌فرماید:

سخی از غذای مردم می‌خورد تا مردم هم بر سر سفره او حاضر شوند و از غذاهای او بخورند، و لیکن بخیل برای اینکه مردم از طعام او نخورند از خوردن طعام دیگران خودداری می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲).

در حدیثی دیگر بخیل را از بهشت دور و به جهنم نزدیک می‌داند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲).

همچنین امام رضا علیه السلام خطاب به علی بن شعیب، می‌فرماید:

ای علی! بدترین مردم آن کسی است که دیگران را از عطای خود محروم کند و تنها بخورد، و زیر دستان خود را خوار دارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸).

تکبر

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر، تکبر و خود بزرگ‌بینی است. شخص متکبر به دلیل این که دیگران را هم‌شان خود نمی‌داند، از قوه هم‌دلی و برقراری ارتباط اولیه با مخاطب بی‌بهره است. به همین دلیل مردم از ایشان فاصله گرفته و تمایلی به برقراری ارتباط با افراد متکبر ندارد.

این رذیله در آموزه‌های دینی به شدت این رذیله زشت شمرده شده است.

چنان که خواهیم دید امام رضا علیه السلام از قول جدش امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند، خانه‌ای را که در آن تکبر می‌ورزند دشمن می‌دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۸). همچنین ایشان از امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت می‌فرماید: هر کس گرفتار خودبینی گردد هلاک خواهد شد (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۴۴۷).

کینه و عداوت

کینه در آموزه‌های دینی صفتی مبغوض است. کینه عوارض فراوانی به دنبال دارد که یکی از آنها آسیب رساندن به ارتباط و لطمه زدن به پایداری آن است. در لسان احادیث عداوت با برادر مؤمن موقعیت‌های حتمی آمرزش و استعجاب دعا را از بین خواهد برد. در حدیثی امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند در شب‌های قدر به اندازه ماه رجب و شعبان بندگان آمرزیده می‌شوند، مگر آن که کسی با برادر دینی خود بغض و عداوت داشته باشد:

در شب اول ماه رمضان شیاطین در بند گرفتار می‌گردند و در هر شب خداوند هفتاد هزار نفر را می‌آمرزد، و در شب قدر به اندازه ماه رجب و شعبان آمرزیده می‌سازد، مگر کسی که با برادر دینی خود بغض و عداوت داشته باشد.

خداوند می‌فرماید بنگرید هر گاه این‌ها با هم صلح کردند من آنها را خواهم آمرزید (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۱؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳۸).

براساس این حدیث شریف پیش شرط غفران الهی در شب‌های قدر، بازسازی ارتباط میان مؤمنین و زدودن کینه و عداوت است؛ چرا که با حکم فرما شدن دوستی بین مؤمنین و پاک شدن قلوب ایشان است که زمینه برای پاکی روح و در نهایت ارتباط با خداوند متعال محقق خواهد شد.

ترس

یکی از موانع ارتباط می‌تواند جبن و ترس باشد. ترس از این جهت به فرایند ارتباط آسیب می‌رساند که انسان ترسو چون ناامید و مأیوس است از گفتن پیام و

سخن خود صرف نظر می کند و در صورت آغاز سخن با کوچک ترین چالشی ارتباط را رها کرده و به سرانجام نمی رساند. امام رضا علیه السلام از علی علیه السلام روایت می فرماید:

ترس آدمی را مأیوس می کند و اشخاص ترسو دنبال هیچ کاری نمی روند، فرصت ها را دریابید که در فرصت ها منافع زیادی هست (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۲۵).

در این حدیث شریف تأکید امام علیه السلام بر عدم شروع یا ادامه کار به دلیل یأس انسان ترسو تأکید کرده اند و البته یکی از مهم ترین فعالیت های روزمره انسان همین برقراری ارتباط با هم نوعان است. در بسیاری از موارد برای آغاز کار، انسان به دلیل اجتماعی بودن نیازمند برقراری ارتباط است. در خصوص امام هشتم علیه السلام یکی از صفات عالیه، شجاعت ایشان است که در جای جای سیره عملی ایشان، از جمله سفر مدینه تا مرو و حتی در تعامل با مأمون مشهود است. امام علیه السلام نه تنها از سخنرانی در شهرهای مختلف، با وجود همراهان سفاکی که مأمون در رکاب ایشان گسیل داشته، خودداری نمی فرماید، بلکه از گفتن سخن صریح با مأمون نیز در خصوص بایدها و نبایدهای خلافت خودداری نمی نمایند.

موانع بیرونی (رفتاری)

بازدارنده های بیرونی که بیشتر در رفتار انسان متجلی می شوند، افعالی است که از فرستنده پیام صادر می شود و به طرق گوناگون موجب اخلال در رسیدن پیام به گیرنده شده و براساس آموزه های رضوی، این موارد که از رذایل اخلاقی نیز هستند به این فرایند اجتماعی لطمه خواهد زد.

تحقیر

در آموزه های رضوی علیه السلام تحقیر مخاطب بسیار زشت شمرده شده است. از دیدگاه ایشان شخصیت انسان بسیار رفیع است و باید از عواملی که باعث

کوچک شمردن مخاطب می شود جلوگیری نمود. امام رضا علیه السلام در مواردی که فرد، خود را در معرض تحقیر قرار می دهد با رفتار خود به او می آموزد که چگونه این مانع را برطرف نماید.

یسع بن حمزه از امام علیه السلام نقل می کند روزی مردی که در سفر حج زاد و توشه خود را از دست داده بود مشکل را با امام علیه السلام مطرح می کند و از ایشان درخواست کمک می نماید. امام علیه السلام به منزل رفته و از پشت در بدون این که مرد چهره امام را ببیند به او مبلغی پرداخت می نماید.

ای فرزند رسول خدا من مردی از دوستان شما و پدران هستم، من اینک از مکّه معظمه برمی گردم، و زاد و توشه ام را تمام کرده ام، و اکنون قدرت این که بتوانم یک منزل راه بروم ندارم، و اگر ممکن باشد ما را تا ولایت خود برسانید. من در مملکت خود دارای مال و ثروت هستم و هرگاه به منزل خود رسیدم مبلغ مورد احتیاج را از طرف شما به فقرا و نیازمندان صدقه خواهم داد، زیرا خود مورد صدقه دیگران نیستم. حضرت رضا علیه السلام، پس از استماع سخنان این مرد از جای خود حرکت فرمودند و به یکی از اطاق های منزل رفتند، پس از مدتی بازگشتند و دست خود را از لای درب اطاق بیرون کردند به طوری که آن مرد صورت حضرت رضا علیه السلام را ندیدند، و امام علیه السلام مبلغ دویست دینار به آن مرد محتاج مرحمت فرمودند و گفتند: از این مبلغ نیازمندی های خود را رفع کن، و زاد و توشه بین راه فراهم گردان، و از طرف من هم انفاق نکن، و اینک از خانه بیرون رو تا همدیگر را مشاهده نکنیم. هنگامی که آن شخص از منزل حضرت رضا علیه السلام خارج شد از آن جناب پرسیدند: چرا با این مرد چنین رفتار کردید. فرمودند: خواستم وی صورت مرا نبیند، و من هم ذلت سؤال را در چهره او مشاهده نکنم (مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۶۱).

در این حدیث شریف امام رضا علیه السلام مخاطب خود را، که آماده کوچک شدن و تحقیر است، با تکریم، علاوه بر انتقال پیام، آماده پذیرش آموزه های اهل بیت علیهم السلام می نماید.

در حدیثی دیگر فردی از امام علیه السلام مطابق شأن و منزلت ایشان چیزی طلب می نماید که امام علیه السلام انجام آن را ممکن نمی داند. سپس مطابق با شأن خود سؤال کننده چیزی را طلب می نماید. امام علیه السلام دویست دینار به فرد می دهد.

مردی خدمت حضرت رضا علیه السلام رسید و عرض کرد: به اندازه شخصیت و مقام خود به من چیزی عطا کن، فرمود: به این شرط برای من امکان ندارد، عرض کرد: پس به اندازه مقام و موقعیت من عطا فرما، فرمود: این را انجام می‌دهم. سپس متوجه غلام شد و فرمود: دویست دینار به این مرد بده (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۰۰).

فحوای حدیث توجه به شأن سؤال کننده است و امام علیه السلام به طور غیرمستقیم به شخص مقابل منزلتش را گوشزد می‌نماید.
در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل می‌کند که تحقیر مؤمن باعث نگره داشتن وی در قیامت بر صراط و معرفی او به مردم می‌شود.

هر کس مؤمنی را خوار بدارد یا او را کوچک بشمارد و به جهت فقر و تنگ دستی او را تحقیر کند، خداوند متعال روز قیامت این چنین شخصی را روی پل جهنم نگاه می‌دارد و به مردم معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۷۰).

دروغ

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر، عادت فرد به دروغ گویی است. همان طور که صداقت و راست گویی در فرایند ارتباط اثربخش تأثیر مثبت دارد، دروغ گویی باعث لطمه زدن به پایداری ارتباط دارد. در فرهنگ دینی دروغ به شدت مذموم واقع شده است و آن را یکی از عوامل خروج از ایمان قلمداد می‌کنند. امام رضا علیه السلام در حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرموده است:

از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: «آیا مؤمن ترسو هست؟». فرمود: آری. گفته شد: «بخیل هم هست؟». فرمود: آری. گفته شد: «دروغ هم می‌گوید؟». فرمود: «مؤمن دروغ گو نیست» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۳۲).

در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام دروغ گو را فاقد مروت و مردانگی می‌داند (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵۰).

در احادیث ذکر شده دروغ مخمل به ایمان، مروت و مردانگی ذکر شده است.

ایمان یکی از زیرساخت‌های درونی ارتباط مؤثر است؛ چرا که انسان به وسیله ایمان، خداوند را ناظر اعمال خود می‌بیند و لذا صادقانه با مخاطبان برخورد می‌نماید و از طرف دیگر مخاطبان نیز از ارتباط با وی احساس آرامش می‌نمایند (جانفزا و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۶). این آرامش در مخاطب در قبال مروت و مردانگی نیز هست و لذا این عوامل در شروع و استمرار ارتباط نقش مهمی دارند. لذا دروغ با عوارضی که دارد به اعتماد مخاطب لطمه زده و موجب عدم تداوم ارتباط خواهد شد.

فخر فروشی

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر خود بزرگ‌بینی و فخرفروشی است. این نقیصه اخلاقی موجب دوری افراد از انسان می‌شود. در تعالیم رضوی علیه السلام نیز، مؤمنین از این رفتار منع شده‌اند. در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است ابی نصر بزنتی، یکی از بهترین اصحاب امام علیه السلام، با مرکبی که امام علیه السلام برایش فرستاده است قدم به خانه امام علیه السلام می‌گذارد و تا پاسی از شب را با ایشان می‌گذرانند. هنگام برگشت، امام علیه السلام وی را توصیه به ماندن نموده و جایی مخصوص برایش می‌گسترانند. ابی نصر در آن هنگام از این واقعه بر خود می‌بالد که امام رضا علیه السلام ضمن مذمت فخرفروشی سخنی از امیرالمؤمنین علیه السلام که فخرفروشی در پیشگاه خدا انسان را ذلیل می‌کند را برای ابی نصر نقل می‌نماید.

ای احمد! امیرالمؤمنین علیه السلام به عیادت زید بن صوحان رفت و او از این عیادت به دیگران افتخار می‌کرد. فرمود: افتخار نکن و در پیشگاه خداوند خود را ذلیل و ناتوان بدان (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۲).

بهتان

یکی از رذایل اخلاقی قرار دادن فرد در موضع بهتان است. این رذیله از موانع برقراری ارتباط اثربخش بوده و در متون دینی ما به شدت مذمت شده است. در

گفتار رضوی علیه السلام نیز به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

﴿۴۱﴾

کسی که به مؤمن بهتان بزند یا درباره او سخنان ناروایی بگوید، پروردگار روز قیامت او را بر تلی از آتش قرار خواهد داد تا از تهمت و افترای که به او زده است خارج گردد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳).

پیامبر صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف اثر واقعی عمل بهتان را به نمایش می گذارد. فردی که تهمت و افترا به طرف مقابل می بندد، عملی غیر واقع و دروغ را به وی نسبت می دهد و به طور طبیعی بازدارنده هایی که برای دروغ گفته شد در این جا نیز موجب اخلال در ارتباط های بعدی خواهد شد، بلکه با شدت بیشتری موجب عداوت طرف مقابل خواهد بود؛ چرا که با ایراد بهتان موجب ظلم به شخص مورد تهمت می شود و به لسان حدیث شریف تنها آتش است که موجب خروج تهمت زننده از افترا خواهد شد.

غیبت

در زشتی غیبت در آیات و روایات مطلب به فراوانی آمده است. غیبت آخرین تلاش عاجز (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۴۶۱) و به منزله خوردن گوشت برادر مرده (حجرات/۱۲) تعبیر شده است. امام رضا علیه السلام از قول امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند خانه ای را که در آن غیبت یکدیگر را می کنند یا تکبر می ورزند، دشمن می دارد:

خداوند متعال خانه ای که در آن گوشت باشد دشمن می دارد، یکی از اصحاب گفت: یا ابن رسول الله ما همه گوشت را دوست داریم و در منازل ما همیشه گوشت هست، پس ما چکار کنیم؟
امام علیه السلام فرمود: مطلب آن طور که تو درک کردی نیست، مقصود از آن خانه ای است که در آن گوشت مردم را می خورند و غیبت همدیگر را می کنند، و مقصود از گوشت فربه و پر چربی نیز مردمان متکبر می باشند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۳۸۸).

در این جا مهم آسیمی است که غیبت به فرایند ارتباط می زند. غیبت موجب

فروریختن منزلت اجتماعی، تزلزل کرامت انسانی و جایگاه فرد در جامعه می‌شود. غیبت در نهایت موجب بدبینی افراد نسبت به یکدیگر و برهم زدن جو صمیمیت و اعتماد بین افراد می‌شود و در این صورت ارتباط مطلوب بین افراد جامعه شکل نخواهد گرفت.

بد زبانی

یکی از موانع ارتباط مؤثر، بد زبانی است. چه بسیار گناहانی است که از طریق زبان به وجود می‌آید و چه بسیار اتفاق می‌افتد که بدزبانی باعث خشم مخاطب و بروز کینه او نسبت به فرد بدزبان می‌شود. امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌فرماید:

هر کس شر خود را از مردم باز دارد و مردم از زبان او آسوده باشند، خداوند روز قیامت غضبش را از او نگاه خواهد داشت (ابن بابویه، ۱۳۷۶، ص ۹۴).

امام رضا علیه السلام در این حدیث شریف، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله کنترل بدی‌های انسان را از راه زبان نشان می‌دهد و کنترل زبان را موجب رهایی از خشم خداوند در روز جزا می‌داند. به نوعی می‌توان گفت پیامبر صلی الله علیه و آله بدزبانی را، که موجب خشم در بین مردم و اخلال در فرایند ارتباط می‌شود، به شدت مورد بغض خداوند می‌داند که نتیجه آن خشم باری تعالی در روزی است که همگان نتیجه اعمال خود را خواهند دید.

شوخی بیش از حد

در عین این که فضای ارتباط نباید خشک و بی‌روح باشد، ولی شوخی بیش از حد باعث رنجش طرف مقابل می‌شود. گفتیم از عوامل ارتباط اثر بخش شادی روح مؤمن است. همان جا گفتیم این خلُق نباید به ورطه بی‌اخلاقی افتد. در رفتار معصومین علیهم السلام شوخی بیش از حد جایگاهی نداشته است، چنانچه امام رضا علیه السلام

از قول پدرانش، پیامبر ﷺ را چنین توصیف می‌کند:

﴿۴۳﴾

حضرت رسول ﷺ در سخنان خود گاهی مزاح و شوخی می‌کرد، نه به آن اندازه که خود را سبک کند و دیگری را برنجاند. امام حسین ﷺ می‌گوید: «از پدرم پرسیدم روش آن حضرت با هم‌نشینان چگونه بود؟». فرمود: حضرت رسول ﷺ همواره چهره‌اش باز، و اخلاش نرم، و گشاده‌رو بود، وی تندخو و سخت‌گیر نبود، و به کسی ناسزا و دشنام نمی‌داد و از احدی عیب‌جویی نمی‌کرد؛ شوخی نمی‌کرد و از کسی مدح و ستایش نمی‌نمود. حضرت رسول ﷺ از سه چیز خود را نکه داشته بود، با مردم مراء و جدال نداشت، و زیاد حرف نمی‌زد، و از سخنان بی‌فایده احتراز می‌کرد (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۵۱ و نیز ۱۴۰۳ق، ص ۷۹).

مشاجره

مشاجره هنگام برخورد با دیگران هم به ارتباط و هم به پایداری آن آسیب جدی می‌رساند. در تعالیم رضوی نیز بر پرهیز از مشاجره تأکید شده است؛ چرا که از مشاجره نادانی و جهل ظاهر و به وسیله آن عزت و غیرت دفن می‌شود:

از مشاجره با مردم پرهیز کنید، زیرا از وی نادانی و جهل ظاهر می‌شود و عزت و غیرت را دفن می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۹۶).

در تحلیل حدیث شریف باید گفت مشاجره در فرایند ارتباط به فرستنده پیام لطمه زده و شخصیت وی را کوچک جلوه می‌دهد. امام رضا ﷺ مشاجره را باعث ظهور و بروز جهل و نادانی و از بین برنده عزت می‌داند و به طور طبیعی سخن فردی که از عزت شخصیت به حسیض ذلت سقوط می‌نماید مورد توجه مخاطب قرار نخواهد گرفت.

نسبت ناروا

همان گونه که در متون علوم ارتباطات آمده است، نسبت ناروا یا برجسب زدن از موانع برقراری ارتباط مؤثر است. امام رضا ﷺ در حدیثی از امام صادق ﷺ

گناهان کبیره را که برمی‌شمرند، می‌فرمایند:

خداوند در قرآن فرموده: اشخاصی که مسلمانان را به اعمال زشت و حرام نسبت می‌دهند، در دنیا و آخرت از رحمت و آمرزش پروردگار دور هستند و برای آنان عذاب بزرگی آماده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۶).

خشم و غضب

در بدو امر توصیه معصومان علیهم‌السلام به خشم نگرفتن بر دیگران است. امام رضا علیه‌السلام از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم نقل می‌کند که روزی مردی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم تقاضا می‌کند فاصله هر فرد را با بهشت برایش تبیین کند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم می‌فرماید:

هرگز غضب نکن و از مردم چیزی طلب منما؛ آنچه را برای خود می‌پسندی برای مردم هم پسند (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۲۱).

آری خشم از موانع ارتباط مؤثر است، ولی باید توجه داشت خشم در وجود آدمی هست و باید به مدیریت آن همت گماشت. به گواه شواهد موجود، در بعضی اوقات معصومین علیهم‌السلام خشم خود را نمایان کرده و بر مخاطب خود تأثیر لازم را می‌گذاشتند. در حدیثی امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: مؤمن هرگاه غضب کند، غضب او را از راه حق خارج نمی‌کند (شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۹۱). از فحوای حدیث می‌فهمیم غضب در وجود آدمی هست و انسان باید آن را به درستی مدیریت نماید.

نکته جالب در گفتار امام رضا علیه‌السلام در این خصوص توجه ایشان به بُعد فیزیولوژیک در کنترل خشم است. در احادیث موسوم به احادیث طبی حضرت علیه‌السلام، ایشان به خوردن بعضی از اطعمه برای جلوگیری از تشدید خشم و تغییر در حالت صورت می‌فرمایند:

زیتون غذای خوبی است، دهان را خوشبو می‌کند، بلغم را می‌زداید، رنگ چهره را روشن می‌گرداند، اعصاب را محکم می‌سازد و خشم و غضب را فرو می‌نشاند. نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم به علی علیه‌السلام فرمود: زیتون بخور و به بدن بمال، که هر

که زیتون را بخورد و به تن بمالد، شیطان چهل روز به او نزدیک نخواهد شد (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۰).

﴿۴۵﴾

به نظر نکته این حدیث، بحث توصیه امام به نکته‌ای طبی برای پیش‌گیری از خشم، چه از نظر درونی و چه از نظر ظاهری است، که کم‌تر مورد توجه در نکات ارتباطی است.

مجادله و مرء

در عین این که در آموزه‌های دینی به جدال احسن توصیه شده است، ولی از مرء نهی شده است. به طوری که می‌توان گفت مرء باعث محدودیت و بلکه قطع ارتباط خواهد شد. توصیه امام رضا علیه السلام در این خصوص خواندنی است:

با علماء مرء و جدال نکنید که شما را ترک خواهند کرد، و با جهال نیز ستیز نکنید که شما را به جهل نسبت خواهند داد (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۵).

در این حدیث جدال بیهوده با دایره وسیعی نهی شده است.

در حدیثی دیگر امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

خداوند صحبت‌ها و گفتگوهای بلند را که از جدال و ستیز با یکدیگر بلند می‌شود دوست ندارد، و از اتلاف مال و زیادی سؤال نیز بغض دارد (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۹۰).

در خصوص خلیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از امام رضا علیه السلام روایت شده است که ایشان از سه چیز خود را نگه داشته بود، با مردم مرء و جدال نداشت، زیاد حرف نمی‌زد و از سخنان بی‌فایده احتراز می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۱۹).

محدود نمودن ارتباط

یکی از موانع ارتباط مؤثر، اجتناب از ارتباط مستقیم با مخاطبان و ارتباط با واسطه

با مخاطبان است. در فرایند ارتباط، عنصری به نام نوفه یا پارازیت در ایجاد ارتباط اختلال ایجاد می‌کند. هنگامی که واسطه انسانی در فرایند ارتباط قرار می‌گیرد، واسطه می‌تواند نقش دروازه‌بانی اخبار را ایفا نماید و از انتقال همه پیام‌های متقابل از طرفین ارتباط جلوگیری نماید. این عامل همچنین می‌تواند ارتباط را به سمت و سویی خاص هدایت کرده و باعث سوء برداشت و عدم مشابهت معنایی در طرفین گردد.

تلاش ائمه معصومین علیهم‌السلام بر این بوده است که تا حد امکان از هم‌نشینی با دستگاه قدرت، که کانالیزه شدن ارتباطات یکی از لوازم آن بوده است، اجتناب نمایند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در مذمت هم‌نشینی با سلطان می‌فرماید:

همنشین پادشاه همچون شیرسوار است، حسرت سواری او خورند و خود بهتر داند که در چه کار است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۹؛ شریف رضی، ص ۴۱۰).

در خصوص امام رضا علیه‌السلام نیز این اعراض به شدیدترین شکل ممکن وجود داشته است، به طوری که امام علیه‌السلام در اصرارهای مکرر مأمون، اولاً از عزیمت به مرو اعراض کرده (عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۵۳) و در نهایت با اکراه به هم‌نشینی با مأمون می‌پردازد. ثانیاً در قبال درخواست مأمون مبنی بر پذیرش خلافت، مخالفت و در قبال پذیرش ولایت عهدی با اصرار فراوان و ارائه شروط مختلف مانند عدم دخالت در امور، آن را می‌پذیرد و از ابراز اکراه خود ابایی ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۸۸).

امام علیه‌السلام با پذیرش محدودیت‌های ولایت عهدی، هیچ‌گاه خود را از مواجهه حضوری و ارتباط مستقیم با مردم محروم نمی‌کند (عطاردی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۶). حتی امام علیه‌السلام در مقابل گماشته‌ای از اطرافیان خودشان، که فضل بن سهل او را مأمور کانالیزه کردن ارتباط با ایشان کرده است، موضع گرفته و وی را مورد لعن قرار می‌دهد و در هر صورت بدون هماهنگی با وی بارها به بیرون محدوده

دارالاماره عزیمت می نماید (عطاردی، ۱۳۶۷، ص ۵۱۵).

امام علیه السلام به مأمون توصیه می کند که خود به طور مستقیم با مردم در تعامل باشد و از نزدیک به امور مسلمین رسیدگی نماید و مرکز حکومت را به جای مرو به مرکز بلاد مسلمین انتقال دهد (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۰).

بی توجهی به احساسات طرف مقابل

یکی از موانع برقراری ارتباط مؤثر بی توجهی به احساسات طرف مقابل است. در ابتدای این بحث اشاره ای به موانع مطرح شده توماس گوردون داشتیم. با دقت در بعضی از این مباحث درمی یابیم که دقیقاً موارد مطرح شده با احساسات مخاطب درگیر بوده و اگر مدیریت نشود، احتمال بروز اثر منفی این موانع افزایش می یابد (بولتون، ۱۳۸۸، ص ۴۱). امام رضا علیه السلام در هنگام رفتار با دیگران، احساسات طرف مقابل را نیز لحاظ می کرده اند. چه بسا موقعیت ایجاب می کرد که امام علیه السلام در موضع قضاوت طرف ارتباط باشند؛ حال چه به صورت انتقاد و چه به صورت ارائه راه حل از راه نصیحت. به طور مثال امام علیه السلام بعد از سؤال محمد بن عباد در قبال عدم همراهی با مأمون، بعد از قتل فضل بن سهل، به وی می فرماید:

به آن جناب عرض کردم: «چرا درخواست مأمون را اجابت نکردی و پیشنهادهای او را نپذیرفتی؟».

فرمود: وای بر تو ای ابوالحسن، شما از این قضایا اطلاع نداری و نمی دانی کار از چه قرار است و موضوع چگونه بوده است. راوی گفت: حضرت رضا علیه السلام مشاهده کردند من از سخنان او اندوهگین شدم.

فرمودند: «تو را با این کارها چیست؟»، اگر امور همان طور که می گویی انجام پذیرد و تو اکنون با من همان طور هستی که با او می باشی، روزی تو همواره در آستینت بود، و تو مانند یکی از افراد مردم بودی (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۶۴).

نکته مهم در این حدیث، دقت نظر امام علیه السلام در توجه به احساس مخاطب ذکر شده است. در این جا ابتدا امام علیه السلام از ظاهربینی مخاطب انتقاد می کند، ولی با دیدن چهره خجالت زده و اندوهناک وی سعی در تغییر فضا با لحنی همدلانه و توأم با دستگیری از محمد بن ابی عباد را دارد، تا احساس شرمساری وی با آرامش جایگزین شود.

تفاوت برخورد

یکی از موانع ارتباط اثربخش تفاوت قائل شدن بین افراد است؛ هر چند این خصیصه نیز با حدود و ثغوری مورد قبول است. خداوند متعال در قرآن کریم بر برتری افرادی بر سایر افراد با ملاک تقوا تأکید دارد:

﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (حجرات/۱۳)؛ در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

گفت حق نی بل که لا انساب شد	زهد و تقوی فضل را محراب شد
این نه میراث جهان فانی است	که به انسابش بیایی جانی است

(مولوی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲)

یا در جای دیگر، مهاجرین را یا مجاهدین در راه خدا را بر دیگران برتری بخشیده است، ولی در همین تعالیم مواردی همچون نژادگرایی یا ترجیح براساس ثروت، مورد نکوهش قرار گرفته است. امام رضا علیه السلام در حدیثی از تفاوت برخورد مسلمان فقیر با غنی به شدت انتقاد نموده و آن را موجب خشم خدا در قیامت می داند:

هر کس با فقیر مسلمانی برخورد کند و بر او مانند غنی و مال دار سلام نکند، روز قیامت مورد غضب خداوند قرار خواهد گرفت (ابن بابویه، ۱۳۶۶، ص ۴۴۲).

در مثال‌های فوق با این که تفاوت برخورد به عنوان یک رذیله اخلاقی مذمت شده است، ولی نکته‌ای که باید از حیث ارتباطی مورد توجه قرار گیرد، آثاری است که به فرایند ارتباط لطمه خواهد زد. مخاطب حدیث رضوی علیه السلام، مسلمانان هستند و در صورت عدم توجه مخاطبین به این توصیه امام علیه السلام، علاوه بر آثار دیگری که رفتار مخاطب بر شخص فقیر می‌گذارد، موجب دوری وی و در نهایت عدم ایجاد ارتباط برای انتقال رفتار یک مسلمان خواهد شد.

هم‌نشینی با بدان

طبق آموزه‌های رضوی علیه السلام، هم‌نشینی با بدان در نحوه برخورد با دیگران تأثیر منفی گذاشته و موجب بدبینی به نیکان را فراهم می‌آورد. امام رضا علیه السلام از جدش امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌فرماید:

هم‌نشینی با بدان موجب بدبینی نسبت به نیکان است (ابن بابویه، پیشین، ۱۳۷۶، ص ۴۴۶).

در تحلیل این حدیث شریف بیشتر امیرالمؤمنین علیه السلام به آسیبی که این موضوع به فرستنده پیام وارد می‌نماید، تأکید دارند؛ چرا که بدبینی به نیکان موجب عدم اعتماد، و عدم اعتماد موجب عدم شنیدن پیام به وسیله مخاطب خواهد شد.

پیام‌های غیرکلامی نامناسب

همان طور که گفتیم پیام‌های غیرکلامی در ایجاد ارتباط مؤثر نقشی مهم به عهده دارند و برای کسی که می‌خواهد با مخاطب خود به طور مؤثر ارتباط برقرار کند، ناگزیر به تدقیق در این زمینه ارتباطی است. باید توجه داشت به همان میزان که پیام غیرکلامی مناسب در جهت اثربخش ارتباط قدم می‌گذارد، نوع نامناسب آن از اثربخشی ارتباط به شدت می‌کاهد. نیاز به توضیح نیست که پوشیدن لباس نامناسب در یک مجلس چگونه باعث گوش ندادن و پذیرفتن گوینده می‌شود.

امام رضا علیه السلام در نامه‌ای به جوادالائمه علیه السلام از شیوه غلامان برای بیرون بردن ایشان سخن می‌گوید که از روی بخل ایشان را از در کوچک به بیرون می‌برند. امام رضا علیه السلام به فرزندش توصیه می‌کند حتماً از درب بزرگ خارج شود و علاوه بر آن با بخشش مال به خویشان، بزرگی خود را بیش از پیش به دیگران نشان دهد و حاجت مردم را برآورد:

در نامه‌ای که حضرت رضا علیه السلام برای ابوجعفر نوشته بود، خواندم: ای ابوجعفر به من خبر رسیده که هرگاه اراده می‌کنی سوار شوی غلامان تو را از در کوچک بیرون می‌آورند، آنها این کار را از روی بخل انجام می‌دهند و در نظر دارند خیر تو به کسی نرسد، اینک به حقی که من برگردن تو دارم، باید ورود و خروج تو از درب بزرگ باشد.

هنگامی که از منزل بیرون می‌روی باید مقداری درهم و دینار همراه داشته باشی، و هر کس از تو چیزی خواست، و حاجتی داشت باید در انجام حوائج و خواسته‌های مردم کوشا باشی، و اگر یکی از اعمام تو چیزی طلب کرد، باید کم‌تر از پنجاه دینار ندهی و اگر زیاده دادی بهتر است و اگر یکی از عمه‌هایت چیزی خواست باید کم‌تر از بیست و پنج دینار ندهی و اگر زیاد دادی مختار هستی. من می‌خواهم خداوند مقامت را بالا برد، اینک اتفاق کن و از فقر و فاقه واهمه مکن (ابن بابویه، پیشین، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۳).

ستایش افراطی مخاطب

یکی از نکات جالب تفاوت شیوه ارتباط مؤثر اسلام با غرب در این بحث نهفته است. بر طبق راه کارهای روان‌شناسان غربی، از نقاط آغازین گفتگو با شخصی که تازه با او آشنا شده‌ایم، تعریف کردن از مخاطب است (گابور، ۱۳۸۹، ص ۲۷). حال طبق آموزه‌های دینی همان‌گونه که انتقاد گزنده، مانع برقراری ارتباط مؤثر است، ستایش افراطی مخاطب نیز گاهی مشکل‌ساز است؛ چرا که مخاطب احساس می‌کند ستایش فراتر از حد او، نوعی چاپلوسی (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، حکمت ۳۴۷)، یا ابزاری برای فریب و اغفال وی و در نتیجه وادار کردن او به پذیرش یک کار یا مطلب است. بدین جهت و نیز به دلیل آثار نامطلوب که

این کار بر روحیه و اخلاق مخاطب می‌گذارد، در آموزه‌های دینی از این خصیصه نهی شده است، تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرموده است:

به ستایش کنندگان، خاک پاشید! (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۱).

در تعالیم رضوی ﷺ نیز این عمل مورد قبول نیست. امام رضا ﷺ در حدیثی که مخاطب به ایشان می‌گوید به خدا قسم تو بهترین مردم هستی (رسولی محلاتی، ۱۳۶۵، ص ۴۲۷) در جواب می‌فرماید:

«لَا تَحْلِفُ يَا هَذَا خَيْرٌ مِنِّي مَنْ كَانَ أَتَقَى لِلَّهِ تَعَالَى وَ أَطْوَعَ لَهُ وَ اللَّهُ مَا نَسِخَتْ هَذِهِ الْآيَةُ ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات/۱۳)» (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۶؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۱۴)؛ ای مرد به خداوند قسم نخور، بهتر از من آن کسی است که تقوایش بیشتر و فرمانبرداریش از خداوند زیادتر باشد، به خداوند سوگند این آیه شریفه قرآن که خداوند می‌فرماید ما شما را دسته دسته قرار دادیم، تا یک‌دیگر را بشناسید.

در این حدیث امام ﷺ ضمن آموزش این مطلب که راه برگزیده شدن برای همه مهیاست و اکرم مردم بودن با تلاش و با متصف شدن به تقوای الهی برای همه امکان‌پذیر است، با ظرافت تمام ستایش افراطی را تقیح می‌فرماید.

نصیحت

نصیحت در بدو امر مورد تأکید متون دینی است، ولی در بعضی موارد به دلیل ماهیت از بالا به پایین بودن، کم اثر است و گاه نتیجه عکس خواهد داشت. جالب آن که در گفتار رضوی ﷺ نیز رگه‌هایی از این ملاحظه را می‌توان یافت. به طور مثال گروهی از اهل خراسان از خاندان سادات، به دلیل کارهای ناشایست ایشان، نزد امام ﷺ گله می‌کنند که جواب امام ﷺ در این خصوص شنیدنی است:

«جَاءَ قَوْمٌ بِخُرَّاسَانَ إِلَى الرَّضَا ﷺ فَقَالُوا إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَعَاطُونَ أُمُورًا

قَبِيحَةً فَلَوْ نَهَيْتَهُمْ عَنْهَا فَقَالَ لَا أَفْعَلُ فَقِيلَ وَلِمَ قَالَ لِأَنِّي سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ
النَّصِيحَةُ خَشِينَةٌ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۰؛ همان، ۱۳۸۵، ج ۲،
ص ۵۸۱)؛ مرا با ایشان کاری نیست؛ چرا که پند و نصیحت خشونت می آورد.

البته باید مد نظر داشت با توجه به استفاده امام علیه السلام از نصیحت در قبال دیگر
افراد، حتی مأمون، شرایط نصیحت و اثربخشی آن مد نظر حضرت بوده است و
این مسأله را باید در شرایط امر به معروف و نهی از منکر در دین مبین اسلام
جستجو کرد. به نظر می رسد این حدیث شریف می تواند در سیاست گذاری های
ما در خصوص امر به معروف در فرهنگ رضوی علیه السلام مورد توجه باشد.

نتیجه گیری

آنچه در سطور گذشته آورده شد، بازدارنده ها یا موانع ارتباط اثربخش با
مخاطبان بود که با تأمل در ابواب مختلف روایات مبین وحی امام هشتم علیه السلام به
عنوان چراغ هدایت به دست آمد. این نکات گر چه در احادیث دُرسان دیگر
معصومان علیهم السلام هم به چشم می خورد، ولی چنان که گذشت - در احادیث امام
رضا علیه السلام با توجه به تنوع مخاطبان آن حضرت و شرایط خاص دوران امامت
ایشان، با توجه به دسته بندی موجود در علوم ارتباطات مثال های ارزنده ای یافت
می شود که برای مخاطب امروز به خوبی نمایان گر این بازدارنده ها در برقراری
ارتباط اثربخش است.

به نظر می رسد با توجه به مفهومی بودن این شیوه ها، با تعمق بیشتر در احادیث
آن حضرت می توان روش های دیگری را نیز فراوری متعلمان پیام عترت آل
طاها علیهم السلام قرار داد. حاصل دیگر این پژوهش آن که اگر از دریچه هایی که
عالمان علوم مختلف، چه ارتباطات و چه غیر گشوده اند، به احادیث
معصومان علیهم السلام نگرسته شود و به تعبیر امام علی علیه السلام اگر انسان مستنطقانه به سراغ
این احادیث برود، نکات ارزشمند و کارآمدی برای زندگی به سبک مطلوب
شرعی به دست خواهد آمد.

منابع و مأخذ

• قرآن کریم

۴۵۳

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۶)، الامالی، تهران، کتابچی.
۲. ----- (۱۳۷۶)، الخصال، تهران، کتابچی، چاپ ششم.
۳. ----- (۱۳۸۵)، علل الشرایع، قم، کتاب فروشی داوری، ج ۲.
۴. ----- (۱۳۷۸ق)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ج ۲.
۵. ----- (۱۴۰۳ق)، معانی الاخبار، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۶. ----- (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، قم، علامه، ج ۴.
۸. بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسة البعثة، ج ۵.
۹. بولتون، رابرت (۱۳۸۸)، روان شناسی روابط انسانی، ترجمه حمید رضا سهرابی، تهران، رشد، چاپ پنجم.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم، دارالکتب الاسلامی.
۱۱. جانفزا، علی و خیاط، علی (۱۳۹۳)، «زیر ساخت های درونی ارتباط مؤثر در احادیث امام رضا علیه السلام»، فرهنگ رضوی، ش ۵.
۱۲. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، هدایتة الأئمة فی معرفة الأئمة، تصحیح گروه حدیث بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ج ۶.
۱۴. رسولی محلاتی، سید هاشم (۱۳۶۵)، «جنبه های اخلاقی و سیره عملی حضرت رضا علیه السلام»، مجموعه آثار نخستین کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۵. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللہامیم، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. شریف رضی (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح فیض الاسلام، قم، هجرت.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضوی، چاپ چهارم.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم، دارالثقافه.
۱۹. ----- (۱۴۱۱ق)، مصباح المتہجد و سلاح المتعبد، ج ۱، بیروت، مؤسسۃ فقه الشیعه.

۲۰. عطاردی، عزیزالله (بی تا)، اخبار و آثار حضرت رضا علیه السلام، تهران، انتشارات کتابخانه صدر.

۲۱. ----- (۱۳۶۷)، راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.

۲۲. ----- (۱۴۰۶ق)، مسند الامام الرضا علیه السلام، مشهد، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.

۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ چهارم، ج ۴.

۲۴. گابور، دون (۱۳۸۹)، مهارت های گفت وگو، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران، پیک بهار، چاپ هفتم.

۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ج ۴.

۲۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم، المؤتمر العالمي لالفيّة الشيخ المفيد، چاپ اول.

۲۷. مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۷۵)، مثنوی معنوی، تهران، پژوهش.

فرزندخواهی در سبک‌های زندگی دنیا گرایانه، دنیا گریزانه و اسلامی*

□ فاطمه رمضانی^۴

چکیده

تاریخ اندیشه اجتماعی از وجود سه گونه کلی از سبک زندگی حکایت دارد؛ سبک زندگی دنیاگرایانه، دنیاگریزانه و اسلامی. پاسخ این سؤالات که «سبک زندگی دنیاگرایان و دنیاگريزان، و نگاه آنان به فرزندآوری چگونه است و آیا سبک زندگی آنان با سبک زندگی اسلامی، و نگاه اسلام به فرزند و فرزندآوری تطابق دارد یا خیر؟»، هدفی است که مقاله حاضر با روش توصیفی - استنباطی، دنبال می‌کند.

نتایج حاصل از این تحقیق بیان گر آن است که در سبک زندگی دنیاگرایانه لذت و بهره‌مندی‌های دنیایی برای فرد ملاک است، بنابراین در بحث فرزندخواهی نیز وقتی فرزند با لذت و خوشی و بهره‌مندی‌های وی هماهنگ بوده و در تعارض نباشد مورد اقبال قرار می‌گیرد. در سبک زندگی دنیاگریزانه نیز چون تعالی روحی و آخرت منهای دنیا، مد نظر قائلان بدان است، و فرزند نیز بخشی از خوشی‌ها و لذت‌های دنیایی محسوب می‌شود، فرزندخواهی و فرزندداری مورد توجه و اقبال نیست، اما در نظر اسلام دو

سبک زندگی فوق و متناسب با آن، دیدگاه این عده به فرزند و فرزندخواهی مورد نقد و تردید است. دیدگاه اسلامی دنیا و آخرت را توأمان مد نظر دارد، و فرزند و فرزندخواهی را با نظر به منافع دنیوی و اخروی آن مورد توجه و تشویق قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: اسلام، دنیاگرایی، دنیاگریزی، سبک زندگی، فرزندخواهی.

مقدمه

سبک زندگی از مفاهیمی است که با وجود روشن بودن معنای لغوی آن، معنای اصطلاحی‌اش مورد بحث و اختلاف است. رکن اصلی تعریف جامعه‌شناختی از این اصطلاح، توجه به رفتار و نمودهای رفتاری است؛ این اصطلاح در نگاه جامعه‌شناسانه نقشی همچون اصطلاح «طبقه اجتماعی» یا «هویت اجتماعی» ایفا می‌کند و در ابتدا به عنوان جایگزینی برای اصطلاح مارکسیستی «طبقه» مورد استفاده قرار گرفت. اما در تعاریف روان‌شناختی به ارزش‌ها، هنجارها و منشأ رفتارها توجه ویژه‌تری می‌شود. این اصطلاح در تعارف روان‌شناسانه جایگاهی همچون اصطلاح «شخصیت» و «منش» دارد (فاضلی، ۱۳۸۲، صص ۶۵-۸۰؛ مهدوی‌کنی، ۱۳۸۷، صص ۵۱-۱۸۱).

اما هیچ‌یک از این تعاریف گستره معنایی سبک زندگی را پوشش نمی‌دهد و هر یک از این علوم از زاویه‌ای خاص و محدود به این مفهوم می‌نگرند. اما تعریف عام‌تر و کلی‌تری که از این مفهوم می‌توان ارائه کرد چنین است: رفتارها و گرایش‌های برخاسته از امیال یا مقبولیات ذهنی فرد، یا گروهی از افراد، یا به عبارت دیگر «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان یافته که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده، و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند» (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۵۲).

از آنجا که امیال، باورها، خواسته‌ها و دریچه نگاه افراد، که رفتارها و گرایش‌های آنها را رقم می‌زند، با یکدیگر متفاوت است، بستر تاریخ و جامعه به

سبب جای دادن افراد مختلف در دل خود، نمایان گر سبک‌های فرعی و فردی بی‌شماری است، اما در کنار این سبک‌های فرعی و فردی، می‌توان سه گونه اصلی و کلی از سبک زندگی را نیز مشاهده کرد: سبک زندگی دنیاگرایانه، دنیاگریزانه و سبک زندگی برآمده از دین و دیدگاه اسلامی. سبک‌هایی که با تبیین دقیق آنها می‌توان موضع و رفتار کلی قائلان بدان سبک‌ها را در قبال مسائل و شرایط گوناگون روشنی بخشید و بازشناخت.

این پژوهش در پی آن است که سه گانه مزبور از سبک‌های زندگی، و موضع هر یک از آنها در قبال مسأله فرزند و فرزندخواهی - که نوع بشر مواجه و درگیر با آن است - را با تکیه بر منابع اسلامی مورد نقد و بررسی قرار دهد، تا افزون بر وضوح بخشی به سبک زندگی اسلامی، وجه افتراق و شباهت آنها در نگاه به بحث مهم فرزند و فرزندخواهی را به نمایش بگذارد. براینند این کار ضمن بصیرت‌افزایی، قائلان به سبک زندگی اسلامی را در تطبیق شناخت‌ها، باورها و گرایش‌های‌شان با آنچه دین از آنان می‌خواهد، و به تبع آن موضع‌گیری در خصوص مسائل گوناگون از جمله مسأله مهم فرزند و فرزندخواهی یاری خواهد رساند.

این هدف‌گذاری پژوهشی از این‌رو مد نظر قرار گرفته است، که این موضوع تاکنون مورد توجه محققین واقع نشده است و صرفاً در موضوع فرزند و فرزندخواهی، محمد محمدی ری شهری (۱۳۹۱) در کتابی با عنوان حکمت نامه کودک، به جمع‌آوری روایات مختلف اسلامی و دسته‌بندی آنها، بدون هیچ‌گونه توضیح و تفسیری، پرداخته است. ابوالفضل کاظمی (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «آثار فرزندآوری با تأکید بر آیات و روایات»، با مد نظر قرار دادن منابع اسلامی برکات برخوردار از فرزند و آسیب‌های نداشتن آن را مورد پرداخت قرار داده است. بر سایر آثار موجود در رابطه با فرزند و کودک نیز، نگاهی تربیتی غلبه دارد. اما در موضوع سبک زندگی نیز انواع تحقیقات

موجود، یا تبیین و بسط مفهوم سبک زندگی را مد نظر داشته‌اند، یا سبک زندگی اسلامی را در زوایای مختلفی - غیر از بحث فرزند و فرزندخواهی - مورد توجه قرار داده‌اند.

لازم به ذکر است که این پژوهش بر پایه روش توصیفی - استنباطی دنبال می‌شود. بدین معنی که در ابتدا سبک‌های مختلف زندگی با بهره‌گیری از منابع اسلامی مورد بررسی و توصیف واقع می‌شود، و از آنجا که کار با توصیف ساده - از سبک‌های زندگی و آیات و روایات مرتبط با آن - سامان نمی‌یابد، لازم است به ویژه در بحث نگرش به فرزند و فرزندآوری به استنباط روی آورد و بر پایه آن تحقیق را به سرانجام رساند.

سبک زندگی دنیاگرایانه

دنیا در معنی زندگی پایین و پست است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۵۹). قائلان به سبک زندگی دنیاگرایانه بدون توجه به این که آخرت و معادی هست، بر این نگرش‌اند که باید نهایت لذت و بهره را از دنیا برد، و زندگی را در خوشی و راحتی سپری کرد. در نظر این افراد کامجو، و مجذوبان زرق و برق دنیا، آنچه سازگار با این دنیا و خوشی‌های آن باشد مطلوب و مقبول، و آنچه با آن ناسازگار باشد، نامطلوب و ناموجه است.

دنیاگرایان، به خلاف دنیاداران که از دنیا صرفاً در جهت تعالی خویش بهره می‌برند و گرفتار و دربند دنیا نمی‌گردند، اسیر دنیایند و عنان اختیار ایشان در دست دنیاست. به واقع این دنیای دنیاگرایان است که در قرآن مورد نکوهش قرار گرفته است.

در قرآن کریم، دنیا در سیاق ذم، یا به تعبیر دیگر دنیاگرایی، گاه به مصادیق مادی، مانند شهوات جنسی، فرزندان، طلا و نقره، اسب، دام و کشتزار تعریف شده است که انسان دل‌بسته و وابسته به آنهاست: ﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ

النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرَ الْمُقَنْطَرَةَ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلَ الْمُسَوَّمَةَ وَالْأَنْعَامَ وَالْحَرْثَ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... ﴿آل عمران/۱۴﴾، و گاه به نگرش های مادی گرایانه و نحوه بهره گیری از این مصادیق مادی، مانند لعب، لهو، مدپرستی، تجمل گرایی، فخر فروشی، ثروت اندوزی و قدرت طلبی توجه داده شده است که انسان به جای استفاده از مادیات در جهت نزدیکی به خداوند، از آنها در جهت دوری از خداوند سود جسته است: ﴿اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...﴾ (حدید/۲۰). بر این اساس می توان دنیا را پیوستاری دانست که در یک سوی آن، دنیاگرایی و در سوی دیگر آن، دنیاداری است. در طرف دنیاداری، خداوند است و در طرف دنیاگرایی، غیر خداوند (احمدزاده، ۱۳۸۷).

نوع نگاه به فرزند و فرزندخواهی نیز در سبک زندگی دنیاگرایانه از همان شاکله اصلی این سبک زندگی نشأت گرفته است؛ به گونه ای که فرزند در جایی که برای دنیاخواهان و دنیاگرایان، نان و نام به همراه داشته باشد و مانع بهره وری دنیایی، و باعث فقر ایشان نباشد، مطلوب بوده و فراوانی آن مقبول می باشد. چنان که در دوران جاهلیت و پیش از اسلام چنین بوده است. «اعراب به فراوانی فرزندان ذکور که حافظ نام پدران، و نیروی کاری برای آنان بودند فخر می فروختند؛ و در عین حال، فرزند دختر را ننگ می دانستند و بر اثر خبر دختردار شدن از شدت خشم رنگ شان تغییر می کرد و از قوم خود در پی این گزارش ناگوار پنهان می شدند و خود را بر سر دو راه می دیدند یا زنده به گور کردن وی، یا با خواری بزرگ کردن او ساختن^۱» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۴۶)؛ چرا که دختر به سبب ازدواج، نه نامی از پدر و قبیله، و نه امکان کار یدی و تلاش برای ارتقاء اقتصادی خانواده را می داشت.

علاوه بر این افراد، در گروه دنیاگرایان کسان دیگری نیز بودند که به سبب ترس از فقر و نداری فرزندان خود را می کشتند؛ چون فرزندان به مثابه

نان‌خورانی اضافی محسوب می‌شدند که برای والدین مشقت افزون‌تر را به همراه داشتند. با نظر به رویکرد این افراد است که آیه ۳۱ سوره اسراء می‌فرماید: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا﴾؛ فرزندان را از ترس فقر، نکشید. ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است.

افرادی که در دایره این نوع از سبک زندگی قرار می‌گیرند، به گروه‌های فوق محدود نمی‌گردند؛ و سبک زندگی کام‌جویانه محدود به خط مشی مذکور نیست! تطور تاریخی، تطور در کام‌جویی بیشتر از دنیا را برای اهلش به همراه آورده است. در برجسته‌ترین صورت این کام‌جویی، جنبشی به نام فمینیسم رخ نموده که معتقد است: «جنس زن در طول تاریخ به فرودستی کشیده شده و تحت تبعیض‌های گوناگون قرار گرفته است. این نهضت، محصول عصر روشن‌گری در اروپا است، و اومانیسم^۲ از بنیادی‌ترین مبانی فکری بسیاری از فمینیست‌ها محسوب می‌شود» (اسفندیار، ۱۳۸۷، ص ۲۰). برای جریان فمینیستی، اهداف مختلفی عنوان شده است، که برخی از آنها عبارتند از: برابری زن و مرد، نفی تفکیک نقش بین زنان و مردان، جدا کردن روابط جنسی منتج به باروری از روابطی که فقط به منظور کسب لذت است و به رسمیت شناختن حقوق و آزادی زن در روابط نوع دوم، به رسمیت شناختن حق زنان برای تصمیم‌گیری در مورد جلوگیری از حاملگی و سقط جنین، به رسمیت شناختن هم‌جنس‌گرایی، به عنوان راهی برای رهایی از تسلط مردان و... (حسینی‌فر، ۱۳۸۱، ص ۱۹۷). این اهداف و حقوق بدون توجه به نوع خلقت زن و مرد، و مبدأ و مقصد خلقت و صرفاً با نظر به چهارچوب دنیا مورد توجه فمینیست‌ها قرار گرفته است. بنابراین فمینیست‌ها را نیز می‌توان دنیا‌گرایانی قلمداد کرد که فرزندان را یا نشدن را در چهارچوب مصلحت و خوشی‌های دنیایی خویش مورد توجه قرار می‌دهند، و بر این اساس است که بر جنس زن روا می‌دارند به

هم جنس‌گرایی روی آورد، یا اجازه داشته باشد صرفاً برای لذت و خواست شخصی خود، حق حیات را از مخلوقی از مخلوقات خدا بگیرد و جنین خود را از بین ببرد.

با این تفاسیر، می‌توان گفت که در دایره دنیاطلبان و کامجویان، افرادی قرار می‌گیرند که این دنیا را بر سرای آخرت برتری داده، و هم و غم‌شان آسوده و سرخوش سپری کردن این جهان شده است. این افراد کسانی‌اند که به فرموده قرآن کریم زندگی دنیا را به قیمت از دست دادن آخرت خریداری کردند: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾ (بقره/۸۶).

سبک زندگی دنیاگريزانه

«رهبانیت» از ماده «رهبه» به معنی ترس از خدا گرفته شده، و در آغاز مصداقی از زهد و بی‌اعتنائی نسبت به دنیا بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۸۳). قائلان به زندگی راهبانه و دنیاگريزانه بر این نگرش‌اند که دنیا محمل تخریب هویت انسان است و جایی است که انسان را به بند می‌کشاند و دست و پایش را می‌بندد. بنابر این به جای مشغول شدن به زندگی دنیایی و لذات آن، باید در برابرش ایستاد و با آن جنگید، یا از آن فرار کرد.

رهبانیت و دشمنی با لذت، جریانی است که در بسیاری از نقاط جهان وجود داشته است و از جمله مراکز آن در مشرق زمین، هندوستان و در مغرب زمین، یونان بوده است. در علل پدید آمدن این گونه افکار و عقاید، می‌توان به مواردی همچون تمایل بشر برای وصول به حقیقت اشاره کرد. این تمایل در بعضی افراد فوق‌العاده شدید است و اگر با این عقیده ضمیمه گردد که کشف حقیقت برای روح آن گاه حاصل می‌شود که بدن و تمایلات بدنی و جسمانی مقهور گردد، قهراً منجر به ریاضت و رهبانیت می‌گردد. علت دیگر پدیده ریاضت، آمیخته بودن لذات مادی به پاره‌ای از رنج‌های معنوی است. بشر دیده است که همواره

در کنار لذت‌های مادی رنج‌های روحی وجود دارد. به عنوان مثل دیده است که هر چند داشتن ثروت موجب یک سلسله خوشی‌ها و کامرانی‌هاست، اما هزاران ناراحتی و اضطراب و تحمل ذلت در تحصیل و در نگهداری آن وجود دارد. بشر دیده است که آزادی و استغناء و علو طبع خود را به واسطه این لذات مادی از دست می‌دهد. از این رو از همه آن لذات چشم پوشیده، تجرد و استغنا را پیشه خود ساخته است. علل دیگری نیز برای پدید آمدن ریاضت و گریز از لذت ذکر کرده‌اند؛ از آن جمله این که محرومیت و شکست در موفقیت‌های مادی به ویژه شکست در عشق، سبب توجه به ریاضت می‌گردد. بدین معنی که روح بشر پس از این نوع شکست‌ها انتقام خود را از لذت‌های مادی بدین صورت می‌گیرد که آنها را پلید می‌شناسد و فلسفه‌ای برای پلیدی آنها می‌سازد. افراط در خوش‌گذرانی و کام‌جویی عامل دیگر توجه به ریاضت است. ظرفیت جسمانی انسان برای لذت محدود است، افراط در لذات موجب عکس‌العمل شدید روحی می‌گردد و خستگی و سرخوردگی به وجود می‌آورد. البته باید توجه داشت که تأثیر دو علت آخر بدین نحو است که پس از شکست‌ها و عدم موفقیت‌ها یا خستگی‌ها و فرسودگی‌ها، اندیشه وصول به حقیقت در روح بیدار می‌گردد؛ و این دو عامل همیشه به کمک عامل اول سبب توجه به ریاضت می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۹، صص ۳۹۸-۴۰۰).

در دایره زندگی راهبانه و دنیاگريزانه می‌توان به طور مشخص از مسیحیانی نام برد که در کنج صومعه‌ها و دیرهای دور افتاده، انزوا اختیار کرده و ذکر و عبادت را در محیطی دور از اجتماع اختیار کرده‌اند. اینان به تمام وظایف انسان در اجتماع پشت پا زده و بر تحریم ازدواج برای زنان و مردان تأکید ورزیده‌اند. قرآن کریم درباره راهبان مسیحی می‌فرماید: ﴿ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهَابَنِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقًّا

رَعَايَتَهَا فَاتَّبَعْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ (حدید/۲۷)؛ سپس در پی آنان رسولان دیگر خود را فرستادیم، و بعد از آنان عیسی بن مریم را مبعوث کردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت قرار دادیم و رهبانیتی را که ابداع کرده بودند، ما بر آنان مقرر نداشته بودیم؛ گر چه هدفشان جلب خشنودی خدا بود، ولی حق آن را رعایت نکردند؛ از این رو ما به کسانی از آنها که ایمان آوردند پاداششان را دادیم و بسیاری از آنها فاسقند.

با این که رهبانیت از تعالیم عیسی مسیح علیه السلام نبود، اما از این آیه به دست می‌آید که خداوند این عمل را برای مسیحیان امضاء کرده است، به شرط آن که رهبانیت را برای رضای خدا به جا می‌آوردند و در آن دچار افراط و تفریط نمی‌شدند. اما راهبان مسیحی بر سبیل اعتدال نماندند و با تأکید بر تحریم ازدواج برای مردان و زنان تارک دنیا، انزوای اجتماعی و عدم توجه به وظایف انسان در اجتماع، و انتخاب صومعه‌ها و دیرهای دورافتاده برای عبادت و زندگی در محیطی دور از اجتماع، بدون توجه به نیاز و خواست نوع انسان، فسادها و هرزگی‌های بسیاری را در طول تاریخ به نام خود ثبت کردند.

با توجه به اشاراتی که رفت، جایگاه فرزند و فرزندپروری در این نوع از سبک زندگی مشخص می‌شود. افراد با این نوع نگاه غالباً به دنبال ازدواج و تشکیل زندگی نمی‌روند و در صورت ازدواج نیز، زندگی مشترک و فرزند برای آنها، آن جایگاهی را که باید داشته باشد نمی‌یابد؛ بدین معنی که تلاش و دغدغه برای فرزندان، برای این عده کاری بیهوده تلقی می‌گردد؛ چرا که این گروه یا تشکیل خانواده و فرزندآوری را چون مانعی در راه رسیدن به کمال و سعادت و وصول به حق می‌دانند، یا حاضر به پذیرش رنج و سختی حاصل از مسئولیت‌پذیری در رابطه با همسر و فرزند خود، در کنار لذتی که از داشتن همسر و فرزند نصیب آنها می‌شود نیستند؛ یا افراط در کام‌جویی از لذات دنیا، به

کلی آنان را از هرگونه لذتی از جمله فرزندآوری و فرزندخواهی سرخورده کرده و به سمت و سوی زندگی راهبانه کشانده است.

سبک زندگی اسلامی

برای پرداختن به سبک زندگی اسلامی باید ابتدا موضع صریح اسلام و قرآن در رابطه با دو سبک مورد اشاره مشخص گردد. در نگرش اسلامی نه رها کردن زندگی دنیوی و جلوه‌های آن قابل پذیرش است، نه دل‌بستگی صرف و طلب آن، مورد تأیید می‌باشد. چنانچه قرآن کریم درباره‌ی دنیاطلبان و سرانجام‌شان می‌فرماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلاَهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا﴾ (اسراء/۱۸)؛ آن کس که فقط زندگی زودگذر دنیا را می‌طلبد، آن مقدار از آن را که بخواهیم به او می‌دهیم؛ سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد، که در آتش سوزانش می‌سوزد، در حالی که نکوهیده و رانده است.

در آیه ۸۶ سوره بقره نیز می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ (بقره/۸۶)؛ این‌ها همان کسانی که آخرت را به زندگی دنیا فروخته‌اند، از این رو عذاب آنها تخفیف داده نمی‌شود و کسی آنها را یاری نخواهد کرد.

در آیات ۷ و ۸ سوره یونس نیز آمده است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأْنَوْا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (یونس/۷ و ۸)؛ آنها که ایمان به ملاقات ما ندارند، و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند، و آنها که از آیات ما غافلند، آنها جایگاهشان آتش است، به خاطر کارهایی که انجام می‌دادند.

علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر این آیات و در رابطه با افراد دنیاطلب می‌آورد:

همه هم و غم انسان دنیا طلب معطوف به زندگی مادی دنیاست. انسان به دعوت فطرتش همه همش را صرف در این می کند که اولاً بماند و فانی نشود، و در ثانی سعادت این زندگی اش را تأمین نماید. خوب، اگر این انسان، ایمانی به حیات دائمی داشته باشد؛ حیاتی که به پهنای دنیا و آخرت است که هیچ، و اما اگر به چنین حیاتی ایمان نداشته باشد، قهراً فطرتش در تلاش برای بقاء، صرف همین زندگی دنیا می شود، و به داشتن آن راضی گشته، دلش به آرامشی کاذب، آرامش می یابد، و دیگر به طلب آخرت بر نمی خیزد. پس، انکار لقاء الله و فراموشی روز حساب موجب این است که انسان به زندگی دنیا راضی شود و به جای آخرت بدان اطمینان و دل گرمی یافته، علم و معرفتش و خواست و اراده اش منحصر در همین چهارچوب تنگ دنیا شود، و چون مدار و معیار بر حقیقت ذکر است و این که آدمی جدا و واقعاً در طلب آخرت و رضای خدا باشد، لاجرم هیچ فرقی نیست بین آن کسی که به کلی منکر معاد و لقاء خداست و بین آن کسی که هم قولاً و هم فعلاً به زندگی دنیا راضی است و یا این که فعلاً به زندگی دنیا راضی است، اما لفظاً قائل به معاد است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، صص ۱۶-۱۷).

بنابراین خداوند به انسان های دنیا طلب وعده عذاب می دهد و راه و روش و سبک زندگی آنان را رد می کند؛ و در این بین نیز تفاوتی بین غافلان از آخرت و منکران آن قائل نمی شود.

از دیدگاه دین اسلام علاوه بر سبک زندگی دنیا طلبانه، سبک زندگی راهبانه و دنیا گریزانه نیز رد شده به گونه ای که قرآن کریم در رابطه با تارکان دنیا می فرماید: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾ (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴)؛ بگو آیا به شما خبر دهم که زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟! آنان همان کسانی اند که تلاش شان در زندگی دنیا (و برای دنیا) کم شده است، ولی گمان می کنند که کار نیک انجام می دهند.

حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه یاد شده می فرماید: «هم الرهبان الذين حبسوا أنفسهم في السواری» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳)؛ مصداق بارز آن تارکان دنیا هستند که خود را در ارتفاعات کوه ها و در بیابان ها محبوس کردند و گمان

دارند که کار خوبی انجام می‌دهند.

همچنین در آیه ۸۷ سوره مائده به شکل خطاب رو به مؤمنانی که گرایش به دنیاگریزی و در پیش گرفتن طریقه رهبانیت دارند، می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید، و از حد، تجاوز ننمایید، زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

نهی اسلام و قرآن نسبت به طریقه راهبان و دنیاگريزان در حالی است که در آئین اسلام، زهد دارای جایگاه، و مورد توصیه است؛ چنان که حضرت علی (ع) همگان را به آن سفارش کرده، می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ انْظُرُوا إِلَى الدُّنْيَا نَظَرَ الزَّاهِدِينَ فِيهَا الصَّادِقِينَ عَنْهَا فَإِنَّهَا وَ اللَّهِ عَمَّا قَلِيلٍ تَزِيلُ الشَّوْاى السَّاكِنَ وَ تَفْجَعُ الْمُتَرَفِّعِينَ الْأَمْنِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳)؛ یعنی ای مردم! به دنیا همچون زاهدان و اعراض کنندگان از آن بنگرید. به خدا سوگند، دنیا به زودی ساکنان خود را از میان می‌برد و هوس‌بازانی که به آن اطمینان دارند به مصیبت می‌کشاند.

بر این اساس در دیدگاه اسلام بین زاهد و راهب و زهد و رهبانیت تفاوت است که این تفاوت را شهید مطهری (رحمه الله) این گونه شرح می‌دهد:

زاهد و راهب هر دو از تنعم و لذت‌گرایی دوری می‌جویند، ولی راهب از جامعه و تعهدات و مسؤولیت‌های اجتماعی می‌گریزد و آنها را جزء امور پست و مادی دنیایی می‌شمارد و به صومعه و دیر و دامن کوه پناه می‌برد، اما زاهد به جامعه و ملاک‌های آن و ایده‌های آن و مسؤولیت‌ها و تعهدهای آن رو می‌آورد. زاهد و راهب هر دو آخرت‌گرا هستند، اما زاهد آخرت‌گرای جامعه‌گراست و راهب آخرت‌گرای جامعه‌گریز. در لذت‌گریزی نیز این دو در یک حد نمی‌باشند، راهب سلامت و نظافت و قوت و انتخاب همسر و تولید فرزند را تحقیر می‌کند، اما زاهد حفظ سلامت و رعایت نظافت و برخورداری از همسر و فرزند را جزء وظیفه می‌شمارد. زاهد و راهب هر دو تارک دنیایند، اما دنیایی که زاهد آن را رها می‌کند، سرگرم شدن به تنعم و تجمل و تمتعات و این امور را کمال مطلوب و نهایت آرزو دانستن است، ولی

دنیایی که راهب آن را ترک می‌کند کار، فعالیت و تعهد و مسئولیت اجتماعی است. این است که زهد زاهد به خلاف رهبانیت راهب در متن زندگی و در بطن روابط اجتماعی است و نه تنها با تعهد و مسئولیت اجتماعی و جامعه‌گرایی منافات ندارد، بلکه وسیله بسیار مناسبی است برای خوب از عهده مسئولیت‌ها برآمدن (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۲۱).

با روشن شدن موضع اسلام در رابطه با دو سبک زندگی فوق، می‌توان سبک زندگی ارائه شده از سوی دین مبین اسلام را به طور خلاصه در چهارچوبی دید که در آیه ۱۴۳ سورة مبارکه بقره ترسیم شده است: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾؛ شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است.
در تفسیر این آیه آمده است:

کلمه (وسط) به معنای چیزی است که میانه دو طرف قرار گرفته باشد، نه جزء آن طرف باشد، نه جزء این طرف، و امت اسلام نسبت به مردم همین وضع را دارند؛ برای این که یک دسته از مردم تنها و تنها جانب مادیت را گرفته، جز زندگی دنیا و استکمال جنبه مادیت خود، و به کمال رساندن لذت‌ها، و زخارف و زینت دنیا چیز دیگری نمی‌خواهند. بعضی دیگر از مردم نیز، تنها جانب روح را تقویت نموده، جز به ترک دنیا و رهبانیت دعوت نمی‌کنند. اما امت اسلام، خدا آن را امتی وسط قرار داد، یعنی برای آنان دینی قرار داد، که متدینین به آن دین را به سوی راه وسط و میانه هدایت می‌کند؛ راهی که نه افراط آن طرف را دارد، و نه تفریط این طرف را، بلکه راهی است که هر دو طرف را تقویت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۲).

براساس این دین الهی باید هم دنیا و لوازمش مورد اعتنا و توجه باشند، و هم آخرت و بایسته‌هایش.

حال با در نظر داشتن تأکید دیدگاه اسلامی بر سبک زندگی اعتدالی و در پیش گرفتن راه میانه، بحث فرزندآوری نیز با نظر به آیات و روایت وارد شده قابل بحث و تبیین می‌باشد.

آیه ۲۲۳ سوره بقره از آیاتی است که فرزندآوری را با نگاه به جنبه اخروی و سود معنوی آن مورد توصیه قرار داده، می‌فرماید: ﴿نَسَآؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَآتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛ زنان شما کشت شمایند، به کشت خویش در آید و (با نیت طلب فرزندی صالح ثوابی) برای خویش پیش فرستید و از خدا بترسید و بدانید که نزد خدا خواهید رفت و (ای رسول) مؤمنان را بشارت ده.

در تفسیر نمونه ذیل این آیه آمده است:

﴿وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ﴾ در این آیه اشاره به این مسأله دارد که هدف از آمیزش، باید ایجاد و پرورش فرزندان شایسته باشد، که آن را به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش فرستاد (مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۱۴۱).

با این نگاه است که پیامبران الهی ﷺ در تمام دعاها و خواسته‌های خود خواهان فرزندانی صالح هستند. حضرت ابراهیم ﷺ از خدای سبحان ذریه صالح طلبید: ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ﴾ (بقره/۱۲۸)؛ ﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (صافات/۱۰۰) و خدای متعالی این درخواست را اجابت کرد: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ﴾ (عنکبوت/۲۷). حضرت زکریا ﷺ هم از خدای سبحان فرزند صالح خواست: ﴿قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً﴾ (آل عمران/۳۸)، حق تعالی نیز اجابت کرد: ﴿فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى﴾ (انبیاء/۹۰). بندگان صالح خدای سبحان نیز به پیروی از پیامبران ﷺ، برای آن که از خیر و صلاح فرزندان شایسته خود بهره‌مند شوند، از خداوند فرزند صالح می‌طلبند: ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾ (فرقان/۷۴)؛ چرا که تأثیر عمل صالح فرزند در نیاهای گذشته‌اش، به رفع عذاب، تخفیف آن، یا به افاضه نعمت یا تکمیل آن خواهد بود. البته بهره‌مندی از این گونه رحمت‌های الهی،

نتیجه اعمال خود انسان است. یعنی انسان مؤمن با تربیت فرزند صالح یا برجا گذاشتن صدقه جاری از خود، مغفرت و آمرزش برای خویش فراهم می آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۷، ص ۴۶۱).

بر این اساس است که امام رضا علیه السلام نیز می فرماید:

هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد، او را نمی میراند تا جانشینش (فرزند صالح) را به او نشان دهد (ری شهری، ۱۳۹۱، ص ۲۲).

افزون بر این موارد، می توان به دو روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رابطه با فرزندخواهی اشاره کرد که می فرمایند:

نباید چیزی شخص با ایمان را از تشکیل خانواده بازدارد؛ (زیرا با ازدواج) امید می رود خداوند، فرزندی روزی او گرداند که زمین را با گفتن «لا إله إلا الله»، گرانها سازد (همان، ص ۱۸).

و نیز:

ازدواج کنید، زیرا من حتی به جنین های سقط شده شما بر امت های دیگر در روز قیامت مباحثات می کنم (ری شهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۲۵).

مجموع این آیات و روایات بیان گر سود و منفعت معنوی و اخروی فرزند صالح برای والدین است که به شکل آثار ما تأخر برای والدین به جای مانده و افاضه نعمت یا بخشش و تخفیف در گناهان را برای والدین به همراه دارد، و این در کنار اثری است که هر فرزند به سبب پاک و بی آلاش و باایمان بودنش بر جامعه و دیگران گذاشته، به همین سبب مباحثات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را برمی انگیزاند و خداوند حکیم را از خلقتش خشنود می سازد.

اما فرزندخواهی فقط با انگیزه اخروی و معنوی دنبال نمی شود. بسیاری از روایات نیز سود و لذت مادی از وجود فرزندان را مورد تأکید و تأیید قرار می دهند. بخشی از این روایات در ادامه مورد اشاره قرار می گیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چرا که مایهٔ روشنی چشم و شادی قلب است (ری شهری، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

در جایی دیگر حضرت ﷺ به گونه‌ای دیگر فرزندآوری را مورد تشویق قرار داده و می‌فرماید:

هیچ یک از شما نباید فرزندخواهی را واگذارد؛ چرا که وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، از نام و آوازه می‌افتد (همان).

امام زین العابدین (علیه السلام) نیز می‌فرمایند:

از سعادت مرد، داشتن فرزندی است که از آنها کمک می‌گیرد» (همان، ص ۲۲).

در کنار آیات و روایات مورد اشاره، که سود و منفعت مادی و معنوی فرزند را مورد تأکید قرار می‌دهند، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ وارد شده که بشارتی است بر مادران که مشقت فرزندخواهی و فرزندداری را به جان می‌خرند:

هرگاه زن باردار شود، به منزلهٔ روزه‌دار شب زنده‌داری است که با جان و مال خود در راه خدا جهاد می‌کند، پس چون وضع حمل کند، برایش چنان مزدی هست که عظمتش در تصور نمی‌گنجد و هرگاه کودکش را شیر می‌دهد، در برابر هر مکیدنی، ثوابی معادل آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل برایش وجود دارد و چون از شیر دادن فراغت یابد، فرشته‌ای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید زندگی را از نو آغاز کن، که آمرزیده شدی (ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۲۲۴).

به طور خلاصه باید گفت که نگاه اسلام به فرزندآوری، بدین گونه است که هم لذت، سود و منفعت دنیایی آن را برای والدین مورد تأکید قرار داده و می‌پذیرد؛ و هم اگر فرزندآوری و تربیت فرزند براساس معیارهای اسلامی صورت گیرد، تأیید حق تعالی و به دنبال آن پاداش اخروی و معنوی را به مؤمنان نوید می‌دهد. بر این اساس در دیدگاه اسلام در طلب فرزند، نه صرف سود و زیان مادی گرایانه مطرح است؛ نه از محاسبات غیرعقلانی راهبان و دنیاگريزان

خبری هست که در آن حلال خدا را بر خویش حرام نموده، بدون توجه به این نکته که فرزند صالح، خود موجب تعالی آنهاست، بر مجرد و دوری از زن و فرزند، و یا بی توجهی بدان‌ها اصرار می‌ورزند و از زیر بار مسؤولیت شانه خالی می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به سه گونه سبک زندگی پرداخته شد. سبک زندگی دنیاگرایانه، راهبانه و اسلامی. در این پرداخت‌ها دو گونه اول، یعنی دیدگاه دنیاگرایانه و راهبانه با استنادات قرآنی همراه گشت و در نهایت در بخش دیدگاه اسلامی مورد نقد و رد قرار گرفت، و در نهایت سبک زندگی اسلامی مورد تبیین واقع شد. از آنجا که در پرداخت هر یک از این سبک‌های زندگی، دیدگاه‌شان به فرزند و فرزندآوری نیز مطرح و مد نظر بود، مشخص شد، در سبک زندگی دنیاگرایانه به سبب اولویت‌دار بودن دنیا و تمایلات نفسانی، فرزندخواهی و فرزندآوری زمانی مورد توجه است که مانع بهره‌وری افراد نگردد و یا تمتع آنها از زندگی دنیایی را افزون‌تر سازد. در سبک زندگی راهبانه نیز، به سبب برتری داشتن آخرت و تعالی روح برای افراد، فرزند و فرزندآوری دارای ارزش و مقبولیت نیست یا در حدی پذیرفته شده است که مانعی بر سر راه خودسازی و آخرت‌گرایی آنها نگردد. اما عیان گردید که نگاه اسلامی به فرزند و فرزندآوری نه با نگاه دنیاگرایان یکی است، نه با نگاه راهبانه و دنیاگريزانه؛ بلکه به نوعی تجميع این دو دیدگاه است. فرزند و فرزندآوری در سبک زندگی و دیدگاه اسلامی هم با نگاه به سود دنیوی و هم با نگاه به سود معنوی و اخروی آن مد نظر و مورد تأکید است.

بر این اساس و با نگاه به سبک زندگی برآمده از منابع معتبر اسلامی، می‌توان گفت دیدگاه اسلام متمایز از دیدگاه دنیاگرایانه و دنیاگريزانه است؛ پس بر مسلمانان فرض است که بدون تأثیرپذیری از جریاناتی که دو گروه فوق به راه

انداخته و عده‌ای بر سود و لذت دنیایی و عده‌ای بر ترک دنیا اصرار و تأکید می‌ورزند، طریقه تعادلی را در پیش گیرند، و با شناخت درست از اسلام و سبک زندگی اسلامی، و تطابق شناخت‌ها و باورها و گرایش‌ها خود با آنچه دین از آنان می‌خواهد، موضع‌گیری درست و به جایی در خصوص مسأله فرزند و فرزندخواهی داشته باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ» (نحل/۵۸-۵۹).
۲. اومانيسم جنبشی فلسفی و ادبی است که در نیمه دوم قرن چهاردهم، از ایتالیا آغاز گردید و به کشورهای دیگر اروپایی کشانیده شد. اومانيسم فلسفه‌ای است که ارزش یا مقام انسان را ارج می‌نهد و او را میزان همه چیز قرار می‌دهد. به بیانی دیگر، سرشت انسانی و حدود و علائق بیعت آدمی را به عنوان موضوع می‌گیرد.

Edwards Paul, *The Encyclopedia of philosophy*, New York, Macmillan, 1967, IV

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱. احمدزاده، مصطفی (۱۳۸۷)، «دنیاگرایی، آسیبی فرهنگی؛ از منظر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۴ و ۵۵.
۲. اسفندیار، سرور (۱۳۸۷)، «روند ظهور فمینیسم در چهار قرن اخیر»، مجله پیام زن، شماره ۱۹۳.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، ج ۱۷، قم، مؤسسه اسراء.
۴. ----- (۱۳۸۹)، دنیاشناسی و دنیاگرایی در نهج البلاغه، قم، مؤسسه اسراء.
۵. حسنی‌فر، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، فمینیسم اسلام و ایران، مجموعه مقالات اسلام و فمینیسم، ج ۱، قم، معارف.
۶. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱)، «سبک زندگی به عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان»، مجله معرفت، سال سوم، شماره ۱۱.
۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ج ۱ و ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۸. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصروف و سبک زندگی، قم، صبح صادق.
۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹)، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم، مؤسسه

علمی فرهنگی دارالحدیث.

۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰)، *دانشنامه قرآن و حدیث*، ج ۳، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، *حکمت نامه کودک*، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران، صدرا.

۱۳. ----- (۱۳۷۸)، *مجموعه آثار*، ج ۱۹، تهران، صدرا.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، ج ۲ و ۲۳، تهران، دارالکتب الاسلامی.

۱۵. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، *دین و سبک زندگی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان*

□ جواد آقا محمده^۱

□ سید احسن اسدی^۲

چکیده

در فرایند تربیت، مربیان که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته‌ای از حیات طیبه مسئولیت کمک به هدایت متربیان را به عهده گرفته‌اند، نقش اصلی را در طراحی و انجام تدابیر و اقدامات زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به عهده دارند و گام نخست و محوری در این فرایند را با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متربیان و رفع و دفع موانع آن برمی‌دارند. این مقاله با هدف بررسی شایستگی‌ها و صلاحیت‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی تدوین شده است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی است. از منابع و متون کتابخانه‌ای جهت گردآوری و بررسی اطلاعات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، آموزش و پرورش کردستان

Javadam59@gmail.com

۲. کارشناس ارشد آموزش بزرگسالان دانشگاه تهران - مدرس دانشگاه فرهنگیان سندج

Ahsan-asadi58@yahoo.com

استفاده شده است. مبنای نظری تحقیق حاضر، آموزه‌های اسلامی و متون و منابع معتبر بوده است. یافته‌های تحقیق حاضر در زمینه کسب شایستگی‌ها مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی که مستخرج از متون معتبر و اسناد ارزش‌مندی همچون قرآن کریم و نهج‌البلاغه بوده است، عبارتند از: داشتن تربیت اخلاقی و ایمانی، مسئولیت‌پذیری، عدالت تربیتی، داشتن بصیرت و آینده‌نگری، ظلم‌ستیزی و نفی استکبار، آراستگی باطنی و ظاهری، اعتدال و میانه‌روی و قانون‌مندی و پرهیز از خودمحوری و قانون‌گریزی. **واژگان کلیدی:** شایستگی، تربیت اسلامی، تربیت سیاسی و اجتماعی، معلمان، دانش‌آموزان، آموزه‌های اسلامی.

۱. مقدمه و طرح مسأله

آموزش و پرورش هر کشور، آینه تمام‌نمای فرهنگ، ارزش‌ها و میراث تربیتی آن کشور تلقی می‌گردد و شاخص عمده و برجسته یک نظام تعلیم و تربیت، میزان دستیابی به آرمان‌های بلند و اهداف متعالی فرهنگ خود می‌باشد. بنابر این هدف عالی و غایی نظام تعلیم و تربیت یک کشور قبل از هر چیز بر تربیت انسان‌هایی است که در شکل‌دهی و تحقق بخشی این اهداف، مشارکتی فعال و خلاق داشته باشند (شریفی، ۱۳۹۴). هدف عالی نظام آموزش و پرورش ایران نیز با تکیه عمده بر مکتب اسلام و معارف غنی فرهنگ آن ناظر بر رشد همه‌جانبه ابعاد شخصیت انسان است و نظام برنامه‌ریزی و اجرایی آموزش و پرورش کشور باید به گونه‌ای باشد که با توجه به منابع مهم مادی و معنوی جامعه و با بهره‌گیری از شیوه‌ها و راهبردهای مؤثر و کارآمد، در تربیت نسلی بکوشد که اعتقاد به مبانی دین اسلام، عمل نمودن به احکام و آداب الهی و برخورداری از سجایا و فضایل اخلاقی، سرلوحه همه فعالیت‌ها و سرفصل تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی آن نسل قرار گیرد.

بدون تردید، تحقق چنین آرمان بلندی، متضمن بسیج امکانات مناسب، عوامل مستعد و شرایط مناسبی می‌باشد که بتوان بین شعارها و آرمان‌ها از یک سو و اجرای آنها از سوی دیگر قرابت و نزدیکی فراهم آورد (کریمی، ۱۳۸۸). کسب

صلاحیت اجتماعی و سیاسی لازمه زندگی در جامعه امروز است و تربیت انسان‌های شایسته در این زمینه یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش هر کشوری است. توانایی‌هایی مانند درک دیگران، رعایت مقررات، عدم تعارض به حقوق دیگران، برقراری حق و عدالت، حفظ نظم در جامعه، آشنایی با حقوق و هنجارهای اجتماعی، بررسی نظام‌های مختلف حکومتی و در نهایت درک فلسفه اجتماعی و سیاسی جامعه، از شرایط لازم برای کسب صلاحیت زیستن موفقیت‌آمیز در جامعه است (نادری و ابراهیمی، ۱۳۹۱). در فرایند تربیت، مربیان که به لحاظ کسب شایستگی‌های فردی و جمعی و وصول به مرتبه شایسته‌ای از حیات طیبه مسئولیت کمک به هدایت متربیان را به عهده گرفته‌اند، نقش اصلی را در طراحی و انجام تدابیر و اقدامات زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان به عهده دارند و گام نخست و محوری در این فرایند را با فراهم آوردن شایسته مقتضیات رشد متربیان و رفع و دفع موانع آن برمی‌دارند (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰).

معلم‌ان از نظر اجتماعی، در تمامی کشورها، به دلیل نوع شغل، از موقعیت و جایگاه خوبی برخوردارند و معمولاً تمامی اقشار جامعه برای معلم‌ان ارزش و احترام خاصی قائل می‌باشند. معلم‌ان از لحاظ فردی مورد احترام عموم و خصوصاً شاگردان خود می‌باشند و نقش آنها به عنوان انتقال فرهنگ، تبیین کننده ارزش‌ها و تثبیت کننده عقاید امری پذیرفتنی و غیرقابل اغماض است (منصوری، ۱۳۷۷). با این تفاسیر، در این بین نقش و جایگاه معلم‌ان از همه عوامل موجود در محیط آموزشی و پرورشی مهم‌تر و حساس‌تر است و با جرأت می‌توان گفت که معلم‌ان مسئولیت بخش عظیمی از مقدرات و عواملی هستند که در آینده در کشور اتفاق خواهد افتاد. بنابر این، مقاله حاضر با اهمیت و ضرورت بر این مسأله مهم و حیاتی نگاشته شده است و تعیین شایستگی‌های مورد نیاز معلم‌ان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های

اسلامی را مهم‌ترین هدف خود قرار داده است.

۲. روش‌شناسی تحقیق

هدف مقاله حاضر، بررسی شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است. از این رو روش تحقیق مقاله حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و از منابع و متون کتابخانه‌ای جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است. مبنای نظری مقاله حاضر، آموزه‌های اسلامی می‌باشد. با توجه به هدف و ماهیت موضوع، سؤال ذیل مطرح می‌شود و با استفاده از منابع و متون در دسترس در صدد پاسخ‌گویی به آن برخوایم آمد.

شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان براساس آموزه‌های اسلامی کدامند؟

۳. مبانی نظری: مفاهیم و کلیات

۳-۱. شایستگی و صلاحیت

کلمه شایستگی و صلاحیت^۱ به طور معمول در منابع روان‌شناسی به توانایی افراد جهت پاسخ‌گویی به مطالبات عمده و مهم محیطی تعریف شده است. صلاحیت در لغت به عنوان درخور، سزاوار، کفایت کننده، قابل پذیرش، توانا و دارنده آمادگی کافی برای وارد شدن به حرفه خاص مطرح شده است و ارتباط مستقیمی با داشتن گواهی در آن حرفه دارد (معین، ۱۳۶۴). فرهنگ آکسفورد، صلاحیت را به عنوان «قدرت، توانایی و ظرفیت انجام دادن یک وظیفه» تعریف کرده است (آکسفورد دیکشنری، ۲۰۰۵). بویاتزیس اصطلاح صلاحیت را در معنای جمع آن یعنی صلاحیت‌ها به کار گرفت و آن را به عنوان ویژگی‌های اساسی یک فرد که با عملکرد عالی یا اثربخشی در یک شغل مربوط بوده، توصیف می‌کند. در طول زمان، رویکردهای مبتنی بر صلاحیت به ابزاری اساسی و حیاتی در کارکردهای سازمانی، همچون برنامه‌ریزی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی

جانشینی و ارزیابی عملکرد تبدیل شدند. پس از طرح صلاحیت مک کلند^۲، بویاتزیس^۳ این اصطلاح را متداول و مشهور کرد و سپس وودروف^۴ در سال ۱۹۹۱، صلاحیت را ترکیبی از انگیزه، خصیصه، مهارت، خودپنداری، نقش اجتماعی و دانش مطرح کرد که این خود، مجالی را برای بحث و مناظره درباره صلاحیت‌ها به وجود آورد (بویاتزیس، ۲۰۰۹). به طور کلی، در هر زمینه، مجموعه صلاحیت‌ها و شایستگی‌های اصلی پذیرفته شده‌ای وجود دارد که می‌تواند مبین موفقیت در یک حرفه یا شغل باشند. صلاحیت‌ها اغلب به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - صلاحیت‌های حوزه عمومی؛

ب - صلاحیت‌های حوزه تخصصی.

شایستگی‌های حوزه عمومی؛ عبارت از شایستگی‌هایی که صرف نظر از کارکرد یا سطح برای همه کارکنان ضروری و حیاتی است.

شایستگی‌های حوزه تخصصی؛ شایستگی‌های خاصی است که برای انجام هر شغلی در سازمان، در فضای کاری معین فنی یا عملکردی ضروری می‌باشد. در عبارتی می‌توان بیان کرد که صلاحیت‌های تخصصی می‌توانند فقط برای بعضی از مشاغل به کار روند. در بعضی مواقع می‌توان صلاحیت‌های پایه را هم به این تقسیم‌بندی اضافه نمود که شامل گسترش ظرفیت‌هایی است که یادگیری و کسب دانش در حوزه کاری را سرعت می‌بخشد و امور مربوطه را تسهیل می‌نماید.

۲-۳. تربیت اسلامی

برخی از دانشمندان تربیت را تبدیل قوه‌ها به فضیلت دانسته‌اند و عده‌ای دیگر تربیت را عبارت از استخراج نیروها و استعدادهای درونی انسان می‌دانند (رشیدپور، ۱۳۷۰، ص ۱۲). حجتی در کتاب *اسلام و تعلیم و تربیت*، تربیت را

تنظیم قوای بشری می‌داند که حسن رفتار او را در جنبه‌های مادی و معنوی زندگی ضمانت می‌کند (حجتی، ۱۳۶۸). در هر صورت تربیت در جریان زندگی انسان نقش مهم و اساسی دارد؛ هر کسی به نحوی از آن برخوردار است و کم و بیش از ویژگی‌های آن آگاهی دارد. از این رو، این مفهوم همیشه مورد توجه اکثر دانشمندان، فیلسوفان، روشنفکران، مصلحان اجتماعی و حتی شعرا و نویسندگان بوده است و هر گروه از آنها از روی تجربیات خود درباره ماهیت، نقش و اهمیت آن به بحث پرداخته‌اند. در واقع هر یک از آنها به جنبه خاصی از تربیت توجه کرده‌اند؛ و در تبیین همان جنبه خاص نتیجه گرفته‌اند که تربیت همان است که آنها می‌گویند، اما باید توجه کرد که تعریف جامع و مانع از تربیت به دلیل گسترده بودن آن کاری بسیار مشکل است. تربیت اسلامی، هم در معنای عام و هم در معنای خاص آن جهت الهی دارد و به تمام عوامل مؤثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام، عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه‌ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش معین شده (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶). تربیت اسلامی یعنی رفتار مطلوب اسلامی را جانشین رفتار موجود کردن (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۶). تربیت دینی به تعبیری فراهم کردن فرصت‌های طبیعی و درونیاب است تا افراد خود با تجربه شخصی و الهام از فطرت خویش، بارقه تعالی‌بخش دین را کشف نمایند. ایمان دینی به منزله تعلق خاطر مطلق، فعلی است که برخاسته از شخصیت آدمی و در کانون معرفت قلبی و شهودی روی می‌دهد و تمامی اجزاء آن را دربر می‌گیرد (فقیرپور، ۱۳۸۹). با این اوصاف تربیت دینی آن هم در دین اسلام عبارت است از ایجاد رفتار مطلوب در فرد که منبعث از قرآن کریم، احادیث و روایات که در آن ضمن خودشناسی به خداشناسی رسیده باشد و در جهت تحصیل علم و معرفت و فضایل اخلاقی و دستورات دین کوشش نماید.

۳-۳. تربیت سیاسی

واژه سیاست از ریشه ساس - یسوس به معنای حکم راندن بر رعیت، اداره کردن حکومت و پرداختن به امور مردم معنا شده است. سیاست به منزله کوششی برای کسب قدرت، مطالعه دولت، مدیریت و تصمیم گیری، رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروه ها و احزاب و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت های دیگر در عرصه جهانی، مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان ها در مسیر حیات معقول تعریف شده است (سلحشوری و همکاران، ۱۳۹۱). تربیت سیاسی به معنای فرایند مستمر یادگیری که به وسیله آن افراد با نظام سیاسی، و نقش های سیاسی خود در جامعه آشنا می شوند و با هدف شکل دادن به افکار، نگرش ها و رفتارهای افراد در قالب های سیاسی مورد نظر تا بتوانند ارزش های نظام سیاسی را جذب و خود را با آنها منطبق سازند (رهنما و همکاران، ۱۳۸۷). تربیت سیاسی فرایند مداخله گری و خلاق افراد در اموری است که موجب شکوفایی اندیشه و تقویت مهارت های تصمیم گیری و اراده اجتماعی آنان گردد؛ به نحوی که هر یک بتوانند آزادانه اما متعهدانه سرنوشت خود را رقم بزنند (کریمی، ۱۳۸۸). از نظر سول^۵ تربیت سیاسی فرایندی است که ناظر بر تغییر نگرش های سیاسی دانش آموزان و افزایش مهارت های مشارکتی و قابلیت های اجتماعی و ارزش گذاری آنها نسبت به حقوق سایر شهروندان می باشد (امینی و همکاران، ۱۳۸۸). همان گونه که مشاهده می شود، حفظ اتحاد و همبستگی و با هم بودن و در کنار هم بودن مهم ترین اهداف تربیت سیاسی به شمار می آید. اینک به بررسی رویکردهای مختلف در رابطه با تربیت سیاسی به طور اجمالی خواهیم پرداخت:

رویکرد محافظه کاری:^۶ نظریه محافظه کاری، در تربیت سیاسی مدافع وضع موجود است و سعی می کند با رام کردن زمان حال، آینده رام شده را نیز پدید آورد (فریره، ۱۳۸۵). از این منظر تعلیم و تربیت در فرایند جامعه پذیری سیاسی

نقش عمده‌ای در کنترل اجتماعی و حفظ وضع موجود ایفا می‌کند. سیلبرمن^۷، از طرفداران این رویکرد، بیان می‌دارد که مهم‌ترین دغدغه آموزش و پرورش باید ایجاد نظم و کنترل اجتماعی باشد (سیلبرمن، ۱۹۷۱).

رویکرد انتقادی^۸: طرفداران دیدگاه انتقادی تعلیم و تربیت را وسیله‌ای برای مهار فرهنگی و سیاسی نسل نو می‌دانند و معتقدند باید از قفس آهنین آن فراتر رفت (اسکارتی^۹، ۱۹۹۸). این جهت‌گیری که مدافع نوعی تربیت آگاهانه و انقلابی است، ریشه در اندیشه‌های مارکسیسم دارد.

رویکرد دموکراتیک^{۱۰}: در نظریه دموکراتیک در تربیت سیاسی آموزش و پرورش علاوه بر این که جهت‌گیری محافظه کارانه دارد، در عین حال به دنبال تربیت شهروندانی مستقل و انتقادی نیز هست. دیوئی^{۱۱} از حامیان اصلی این نظریه است (دیوئی، ۱۹۶۰). براساس این دیدگاه، شهروند در نظام دموکراسی باید از آگاهی سیاسی بالایی برخوردار باشد و به نقد واقعیت‌های سیاسی بپردازد.

رویکرد پست مدرن^{۱۲}: تعلیم و تربیت از دیدگاه پست مدرن علاوه بر آن که بر افق‌های وسیع‌تر معرفتی و انسان‌شناختی، جهان‌شناختی و جامعه‌شناختی تأکید می‌کند، مایه‌های انتقادی و دموکراتیک نیز دارد (سلاتری^{۱۳}، ۱۹۹۵). انتقاد همه جانبه پست مدرن از دوران مدرنیه و همه عناصر فرهنگی، اجتماعی و آموزشی آن بیان‌گر مایه‌های انتقادی این نظریه است. تأکید بر عدالت، آزاد سازی و احساس هم‌دردی نیز مایه‌های انتقادی دارد و تکیه بر تکثرگرایی فرهنگی، برابری، رشد و تحول و اجتناب از استیلای فرهنگی خاص نیز از مایه‌های دموکراتیک آن است (باقری، ۱۳۷۵). گرچه هر کدام از رویکردهای فوق از زوایای خاصی به موضوع نگریسته‌اند، اما هیچ کدام از آنها به تنهایی نمی‌توانند نسخه کاملی برای تعلیم و تربیت بپیچند.

۴-۳. تربیت اجتماعی

باید توجه داشت که تربیت دارای ابعاد و جلوه‌های مختلفی است که یکی از مهم‌ترین آن تربیت اجتماعی است، زیرا طبیعت خلقت انسان به گونه‌ای است که به زندگی با دیگران گرایش و نیاز دارد و تکامل شخصیت وی بسته به حضور و نقش‌آفرینی او در اجتماع است. درک این ضرورت و نیاز به تربیت فرد برای زندگی و حضور اجتماعی امری بدیهی است، زیرا اگر برای امر مذکور تربیت محقق نگردد، بروز مشکلات فراوان برای خود فرد و حتی جامعه دور از انتظار نخواهد بود. پس هدف در تربیت اجتماعی این است که کودک برای زندگی با دیگران و در اجتماع آماده شود، اما این آمادگی برای زندگی جمعی، گستره وسیعی از تلاش مربیان را می‌طلبد (رمضانی و حیدری، ۱۳۹۱). مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه‌هایی از رفتار آدمی است که به زندگی او در میان جامعه مربوط است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها اقدام کند (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷). تربیت اجتماعی، جریانی است که طی آن نظام تربیتی حاکم بر جامعه هنجارها، مهارت‌ها، الگوها، انگیزه‌ها، طرز رفتارها، قواعد مورد نیاز افراد جامعه و روابط هر فرد را شکل می‌دهد، تا افراد بتوانند براساس آموخته‌های خود، ایفای نقش نمایند (کارتلیج و میلبرن، ۱۳۶۹). به عقیده افلاطون تربیت جریانی اجتماعی بوده و هدف آن تغییر و اصلاح ساختار جامعه و شکوفایی استعدادهای درونی فرد می‌باشد که این امر نیازمند رشد عقلانی و اخلاقی و ایجاد تعادل در نفس است، لذا افلاطون تربیت را شکوفا شدن استعدادها و ایجاد عادات مطلوب در فرد می‌داند (روحانی، ۱۳۶۰). برای علمای تربیت روشن است که مدرسه یک نهاد اجتماعی است که در تکوین شخصیت اجتماعی فرد بسیار مؤثر است، زیرا به وسیله آن است که کودک و نوجوان راه و رسم زندگی و طرز معاشرت با

دیگران را یاد می‌گیرد و نیز مدرسه است که چگونگی انجام دادن یک عده کارهای معین و کیفیت همکاری یا رقابت با دیگران را به فرد می‌آموزد. کولی معتقد است که مدرسه عامل اجتماعی کردن فرد و آموختن محبت، همدلی، وفاداری و همکاری با دیگران است. اگر تربیت اجتماعی را یکی از لوازم ضروری زندگی اجتماعی و جریان جامعه‌پذیری فرد بدانیم، در این خصوص نظام‌های آموزشی باید راه کارهای اجرایی را پی‌گیری نمایند که موجبات تغییر رفتار مطلوب فرد را در پی داشته باشد (نادری و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

اینک به بررسی اجمالی سه دیدگاه فردگرایان، جامعه‌گرایان و دیدگاه اسلام در مورد تربیت اجتماعی خواهیم پرداخت.

دیدگاه فردگرا: معتقد است که اجتماعی بودن انسان امری ثانوی و عارضی بر انسان است و انسان در بستر جامعه به ارضای نیازهای خود می‌پردازد، اما آنچه اولویت دارد فرد می‌باشد، لذا تربیت اجتماعی نیز به مفهوم مهیا نمودن افراد جامعه است تا بتوانند دیگران را به صورت مفید و سنجیده کنترل کنند. از دیدگاه فردگرایان، اجتماعی شدن فراگردی است که فرد به هویت نائل و با پذیرفتن هنجارها، ارزش‌ها، آرمان‌ها و شیوه‌های زندگی قادر به تحقق استعدادهای بالقوه خود می‌شود (همان، ۱۳۸۲).

دیدگاه جامعه‌گرا: معتقد است که اجتماعی شدن به معنی هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها، برای هماهنگی و سازگاری با افراد دیگر جامعه است، پس هویت افراد در جامعه شکل می‌گیرد و بر همین اساس تربیت اجتماعی این گروه به معنای سازگار شدن افراد جامعه با معیارهای مورد نظر جامعه است، تا بتواند در فعالیت‌های جامعه شرکت کنند. جامعه‌پذیری به معنی هم‌سازی و هم‌نوایی فرد با ارزش‌ها و هنجارها و نگرش‌های گروهی و اجتماعی است (علاقه‌بند، ۱۳۸۲).

دانشمندان اسلامی معتقدند که انسان در ذات خود گرایش به زیستن با جمع را دارد. هر فرد انسانی به طور فطری اجتماعی است و این ویژگی اجتماعی به

کمک دو نیروی علم و اراده به تدریج به حد کمال می‌رسد (طباطبایی، ۱۳۶۰). لازم به ذکر است که نظر اسلام به نظر فردگرایان و جمع‌گرایان شبیه نیست، بلکه اسلام معتقد است انسان و زندگی اجتماعی وی هر دو مهم‌اند. به عنوان نمونه از میان متفکران اسلامی، استاد مطهری رحمته الله علیه به نظر سومی راجع به اصالت فرد و جامعه اشاره نموده و می‌نویسد: «اسلام هم فرد و هم جامعه را مهم می‌داند. چون وجود افراد را در جامعه حل شده نمی‌داند، اصالة الفردی است و از آن جهت که نوع ترکیب افراد از نظر مسائل روحی و فکری و عاطفی را از نوع ترکیب شیمیایی می‌داند که به واسطه آن افراد هویت جدید می‌یابند اصالة الجمعی است» (مطهری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۳۳۹). اسلام دین عزلت‌گزینی و فردگرایی نیست، بلکه علاوه بر توجه به امور فردی، به مسائل اجتماعی نیز توجه دارد و این یکی از امتیازهای بزرگ دین خاتم است (مرزوقی و اناری نژاد، ۱۳۸۶). خداوند متعال در آیه‌های متعددی از جمله آل عمران، آیه شریفه ۱۰۳، حجرات، آیه شریفه ۱۰ و علی علیه السلام در خطبه ۵ و ۱۵۱ به مسئله اتحاد و هم‌بستگی و با هم بودن تأکید فرموده‌اند. حضرت علی علیه السلام به تربیت اجتماعی که انسان را به اصلاح رابطه‌اش با خداوند متعال و دیگران بکشانند، معتقد است (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). بنابراین می‌توان این گونه نتیجه گرفت که تربیت اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی همان مبانی نظری و آموزه‌های دینی و الهی است که در نهایت انسان را به سمت قرب الی الله هدایت می‌کند.

۴. اهداف تربیت اجتماعی و سیاسی در سند تحول بنیادین

در مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران توجه خاص و ویژه‌ای به تربیت اجتماعی و سیاسی در کنار سایر ابعاد تربیت شده است که به اهم آنها اشاره می‌گردد.

- بازشناسی، حفظ و اصلاح آداب، رسوم، هنجارها و ارزش‌های جامعه در

پرتو نظام معیار اسلامی؛

— درک مناسب موقعیت اجتماعی و سیاسی خود و جامعه و مواجهه خردمندانه با تحولات اجتماعی و سیاسی براساس نظام معیار اسلامی، به منظور ساختن آینده‌ای روشن و تأثیرگذاری بر آینده خود و جامعه در سطح ملی و جهانی؛

— توسعه آزادی و مرتبه وجودی خویش و دیگران در پرتو درک و اصلاح موقعیت اجتماعی خود و دیگران و کسب صفاتی جمعی نظیر احسان، مهرورزی، انصاف، خیرخواهی، بردباری، وفاق، همدلی و مسالمت‌جویی؛

— تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی و کسب شایستگی‌هایی نظیر رعایت قانون، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و سیاسی و پاس‌داشت ارزش‌های اجتماعی در جهت شکل‌گیری جامعه صالح و پیشرفت مداوم آن براساس نظام معیار اسلامی؛

— بازشناسی فرهنگ و تمدن اسلامی، همراه با توجه به نیازهای حال و آینده جامعه و تلاش جهت تحقق امت واحده اسلامی براساس نظام معیار اسلامی؛

— تلاش برای ارتقای ابعاد مشترک (انسانی، اسلامی و ایرانی) هویت خویش به طور یک‌پارچه و براساس نظام معیار اسلامی؛

— مشارکت جمعی مؤثر در حیات اجتماعی و سیاسی با رعایت اصول حق‌طلبی، حفظ کرامت و عزت، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، کسب و حفظ استقلال همه جانبه، مراعات حقوق و آزادی‌های مشروع دیگران، پیشرفت مردم سالاری دینی، بسط عدالت اجتماعی، حفظ وحدت و تفاهم ملی، تعامل میان فرهنگی و تفاهم بین‌المللی براساس نظام معیار اسلامی (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). مفاهیم و اشارات به کار رفته در مبانی نظری سند تحول بنیادین برگرفته از آموزه‌های اسلامی و قرآنی می‌باشد که رعایت تک تک آنها ضامن بقای جامعه خواهد بود.

۵. مروری بر مطالعات تجربی صورت گرفته

در زمینه دامنۀ تأثیرگذاری نظام آموزشی بر نگرش سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان مباحث و مجادلات فراوانی شده است. تحقیقاتی هم در این زمینه به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت گرفته است، اما به نظر می‌رسد در مقابل اهمیت و ضرورت موضوع بسیار اندک و ناچیز است.

دهقانی و امین خندقی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی، تعقل و تفکر در چهارچوب انتقال باورهای دینی را در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی یادآور می‌شوند.

نادری و ابراهیمی (۱۳۹۱) در تحقیقی که به بررسی رابطه برنامه درسی مطالعات اجتماعی با تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول متوسطه پرداخته‌اند، نشان دادند که اهداف تربیت اجتماعی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی در حد قابل قبولی تحقق یافته است، اما در بعد سیاسی این گونه نبوده است.

حسینی (۱۳۸۲)، در مقاله‌ای با عنوان راهبردهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان، عملکرد فعلی دستگاه تعلیم و تربیت را مناسب و موفق در امر تربیت دینی نمی‌داند و پیشنهاد اصلاح و بازنگری در روش‌ها و راهبردهای اساسی برای نیل به تربیت دینی اسلامی را ارائه و خود به چندین راه کار اشاره می‌کند.

محمدی و همکاران (۱۳۹۳) اصول تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس را در چند حوزه به این شرح استخراج کرده‌اند: اصل مشارکت متقابل و مؤثر در تشکیل جامعه مبتنی بر معرفت‌شناسی بین‌الذهانی، اصل آموزش براساس استدلال طرفینی، اصل تساهل و پرهیز از تحمل عقاید، اصل عقلانی شدن مناسبات آموزشی، اصل مسؤولیت‌پذیری، اصل آموزش تفاهم و توافق عملی، اصل آزادی در ابراز عقاید و نظریات، اصل رشد و پرورش تفکر

نقاد، اصل تقویت نگاه بین فرهنگی داشتن، اصل جهت‌دهی به وحدت اجتماعی و اصل عدالت و برابری اجتماعی.

آتشک و دیگران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران و پس از بررسی کتب درسی سه دوره تحصیلی (ابتدایی، راهنمایی و متوسطه)، به چند گزاره مهم اشاره کرده‌اند؛ به مفهوم اخلاقی صلح بی‌توجهی کامل و به مفاهیم اخلاقی شأن و منزلت، گشاده‌رویی، بردباری، اعتماد، دوستی و رفاقت کم‌توجهی شده است و مفاهیم وفاداری، مسئولیت‌پذیری، تعهد و وظیفه‌شناسی، احترام و ادب بیشترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند.

کربلایی پازوکی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی، روش‌های تربیت اجتماعی را در نه بند با عناوین روش مهرورزی، احترام به دیگران، امر به معروف و نهی از منکر، موعظه، تغافل، اعتدال، آراستن ظاهر، تزئین کلام و روش مدارا نام می‌برد.

ملا سلمانی و همکاران (۱۳۸۹)، در تحقیقی که به بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه پرداخته است، به شکلی بسیار ظریف ویژگی‌های ذاتی انسان را در حیطه تربیت اجتماعی این گونه بر می‌شمارد: احسان، شرافت، غفلت‌پذیری، ضعف، تأثیرپذیری، کمال‌جویی و اندیشه‌ورزی.

سبحانی‌نژاد و رضایی فریمانی (۱۳۹۰) ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام را در برگیرنده وجوهی همچون طبیعی و فطری، انسانی، درونی و خودانگیخته، آمیزه فرد و اجتماع، عمومی، فراگیر، دینی و توحیدی نشان داده است.

کلبعلی (۱۳۸۴)، در تحقیقی با عنوان «بررسی محتوای کتاب‌های دینی» تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی، درباره آشناسازی

دانش‌آموزان با ارزش‌های اسلامی ایرانی، به این نکته اشاره می‌کند که در محتوای کتب تعلیمات اجتماعی به مسائل و ارزش‌های اجتماعی و موضوعاتی همچون واقعیت جامعه، فرهنگ و مسائل روز توجه شده است؛ اما به ارزش‌های بنیادین اسلامی و احکام آن به طور جدی نپرداخته است.

میرلوحی (۱۳۷۸) آموزش و پرورش ایران را در تحقق تربیت اجتماعی موفق نمی‌داند. وی در تطبیق آموزش و پرورش ایران با دیدگاه ژاک مارتین عنوان می‌کند که در مدارس و مراکز آموزشی ما به کار جمعی هدف‌دار در فعالیت آموزشی و پرورشی، به ندرت پرداخته می‌شود. سازمان‌دهی تدریس و نحوه ارزش‌یابی اغلب بر فعالیت‌های فردی دانش‌آموز استوار است.

از نتایج تحقیقات چنین برمی‌آید که توجه جدی به مقولۀ تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان در کنار سایر ابعاد تربیت، از جمله زیبایی‌شناختی، اخلاقی، عبادی، حرفه‌ای و اقتصادی از اهم وظایف دستگاه تعلیم و تربیت به شمار می‌آید. کوتاهی در این زمینه چه بسا صدمات و زیان‌هایی را به بار آورد که در کوتاه مدت و حتی میان مدت قابل جبران نباشد.

۶. شایستگی‌های مورد نیاز معلمان در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان

همان‌گونه که بیان شد تربیت اجتماعی و سیاسی در آموزه‌های اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین اصول و شاخص‌های مورد نیاز معلمان که در تربیت اجتماعی و سیاسی دانش‌آموزان مهم شمرده خواهند شد، اشاره می‌گردد:

۱-۶. تربیت اخلاقی و ایمانی

قرآن کریم محور دعوت پیامبران علیهم‌السلام، به ویژه حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، را تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی و ایمانی قرار داده است. آنچه به انسان ارزش والا می‌دهد

و هدف‌های عالی می‌بخشد و او را انسان به معنی حقیقی می‌سازد، تربیت ایمانی و اخلاقی است، نه علم و ابزار زندگی. تمامی مکاتب الهی و بشری این اصل را پذیرفته‌اند که در صورتی می‌توان به جامعه، نظم و ثبات بخشید که حقوق و تکالیفی که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است، به خوبی مورد عمل قرار گیرد که این تنها در سایه تربیت صحیح محقق خواهد شد (سبحانی‌نژاد و رضایی فریمانی، ۱۳۹۰). تربیت اخلاقی در دین اسلام جایگاه ویژه و والایی دارد، به گونه‌ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاقی بر شمرده‌اند، یا امام صادق علیه السلام ملاک کمال ایمان را پای‌بندی به ارزش‌های اخلاقی دانسته‌اند. قرآن کریم، تزکیه نفوس را در جایگاه یکی از اهداف رسالت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله ذکر فرموده است (معصومی‌نیا، ۱۳۸۶). از منظر حضرت علی علیه السلام، آنچه مایه برتری آدمیان و سبب والایی شأن است، کرامت اخلاقی است و این کرامت‌ها در اداره امور نقشی اساسی دارد. روایت شده که آن حضرت علیه السلام فرمود: «بر شما باد به مکارم اخلاق که آن سبب والایی است»، والایی مردمان و اعتبار آنان به مکارم اخلاق در آنان است و کسانی که در جایگاه اداره امور قرار می‌گیرند، بیش از هر چیز به مکارم اخلاق و بزرگواری‌های انسانی نیازمندند که روابط انسان‌ها بدون کرامت‌های اخلاقی، روابط خشک و نادرست خواهد شد (به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). با این تفاسیر مشخص می‌شود که مهم‌ترین اصل در تربیت اجتماعی و سیاسی، که افراد باید دارای آن باشند تا بتوانند تأثیرگذار باشند و خود، این اصل را اشاعه دهند، همان ایمان و اخلاق حسنه خواهد بود که مکرر در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است.

۲-۶. مسؤولیت‌پذیری

خداوند متعال در سوره مبارکه توبه می‌فرماید: مردان و زنان مؤمن از یکدیگرند، دیگران را به عمل پسندیده و سودمند وامی‌دارند و از اعمال ناپسند باز می‌دارند

(توبه/۷۱). نقش هر فردی در تعیین سرنوشت جامعه‌اش و بازتابی که اعمال دیگران در سرنوشت او دارد و تعهدی که باید در پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی داشته باشد، ایجاب می‌کند که وی ناظر و مراقب همهٔ اموری باشد که در اطراف او و در جامعه‌اش اتفاق می‌افتد. زیربنای ساختن اجتماعی که از شهروندانی مطابق با آنچه در تعریف از تربیت سیاسی آمد بهره‌مند باشد، چیزی جز افرادی با دانش و متفکر نیست (جراحی دربان و همکاران، ۱۳۹۳). بنابراین یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معلمان در عصر حاضر جهت تأثیرگذاری بر بینش سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان همان مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی است.

۳-۶. عدالت تربیتی

﴿إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى﴾ (مائده/۸)؛ عدالت را پیشه خود سازید، زیرا که عدالت به تقوا و پاکی انسان نزدیک‌تر است. قرآن کریم با بیانی رسا استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران ﷺ بیان نموده و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصهٔ آفرینش و نیکوترین خصلت انسانی معرفی نموده است (جراحی دربان، ۱۳۹۳). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزهٔ عدالت تربیتی به شاخص‌های مهمی اشاره شده است که در نظام تعلیم و تربیت باید سرلوحهٔ کار و فعالیت قرار گیرد:

- تنوع بخشی به فرصت‌های تربیتی، متناسب با استعدادهای مختلف متربیان؛
- توجه به نیازهای ویژهٔ تربیتی گروه‌های مختلف، با توجه به تفاوت‌های فردی؛

- برقراری روابط عادلانه در محیط مدرسه و آموزشگاه (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). شیوه و نوع برخورد و تعامل معلم با دانش‌آموزان بر ایجاد و رشد نگرش‌های سیاسی آنان تأثیر می‌گذارد. هنگامی که معلم با دانش‌آموزان به گونه‌ای منصفانه برخورد کرده و نسبت به دیدگاه‌ها و مشکلات آنها توجه و علاقمندی نشان می‌دهد، دانش‌آموزان نیز به لحاظ سیاسی کم‌تر دچار بی‌تفاوتی

و بدینی می‌گردند (راسل و هاوولی^{۱۴}، ۱۹۸۱) عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام اسلامی و به نوعی عامل بقای جامعه است. با توجه به این اصل مهم در حوزه تربیت اجتماعی و سیاسی و تأکید ویژه آموزه‌های اسلامی بر این مقوله مهم و اثرگذار و این که قرآن کریم با صراحت تمام یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران علیهم‌السلام را استقرار عدالت و گسترش آن اعلام فرموده است؛ می‌توانیم بر این نکته تأکید کنیم که از اصول اساسی صلاحیت و شایستگی معلمان جهت تأثیرگذاری بر دانش‌آموزان همین عدالت‌محوری خواهد بود.

۴-۶. داشتن بصیرت و دوراندیشی

نبود بینش و آگاهی در مورد کارهایی که انسان انجام می‌دهد، به خصوص اعمال فردی و اجتماعی، حائز اهمیت فوق‌العاده بوده و در صورت نبود بینش کافی به ویژه در برهه‌های حساس زندگی، آدمی را تا مرحله افتادن در پرتگاه‌ها و خروج از صراط مستقیم الهی پیش می‌برد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: کور آن نیست که چشمش نابینا باشد، بلکه کور واقعی آن کسی است که دیده بصیرتش کور باشد (گودرزی و طهماسبی، ۱۳۹۱). حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: به راه‌های چپ و راست رفتند، و راه ضلالت و گمراهی را پیمودند، و راه روشن هدایت را گذاشتند (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، خطبه ۱۵۰). انسان بینا کسی است که به درستی شنید و اندیشه کرد، پس به درستی نگریست و آگاه شد، و از عبرت‌ها پند گرفت، سپس راه روشنی را پیمود، و از افتادن در پرتگاه‌ها، و گم شدن در کوره راه‌ها دوری کرد (همان، خطبه ۱۵۲). پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که الگو و مقتدای جهانیان است، مأمور بود هدایت و رهبری‌اش براساس بصیرت باشد: ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف/۱۰۸)؛ ای پیامبر بگو راه و روش من و هر آن که از من پیروی می‌کند، این است که براساس آگاهی و بصیرتی ویژه به سوی خدا دعوت

می‌نمایم و خداوند پاک و منزّه است و من از مشرکان نیستم.

این آیه و ده‌ها آیه دیگر در قرآن، نشان از اهمیت بصیرت و روشن‌بینی دارد. بصیرت در آموزه‌ها و فرهنگ قرآنی حالتی است که به انسان توانایی تشخیص درست حقایق و تحلیل واقعیت‌ها را می‌دهد. از این رو در قرآن کریم به مسئله بصیرت در ابعاد مختلف آن توجه شده است، زیرا با بصیرت است که انسان موقعیت خود را می‌سنجد و نسبت به آن واکنش مناسب نشان می‌دهد؛ ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ﴾ (یوسف/۱۰۹). در جای دیگری می‌فرماید: ﴿انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾ (انعام/۲۴). بصیرت توانایی تیزبینی و کشف حقیقت در میان انبوه حق و باطل است. بصیرت هنر است، یک فن است که فرد در دوران غبارآلود شدن فضا، نه تنها بتواند حق را از باطل بشناسد، بلکه باطلی را که حق را با خود ممزوج کرده در فضایی غبارآلود درک کند (آقامحمدی و ملکی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر، داشتن بصیرت و دوراندیشی یکی از ویژگی‌های بنیادین معلمان در تربیت سیاسی دانش‌آموزان خواهد بود. به طور طبیعی اگر معلمی بصیر، آگاه و عالم به زمان و مکان نباشد نمی‌تواند دانش‌آموزانی دوراندیش و آگاه تربیت کند. جامعه آگاه نتیجه کار معلمان بصیر است.

۵-۶. ظلم‌ستیزی و نفی استکبار

انسان موجودی دو بعدی است که به طور فطری کمال خواه است. تبعیت نور و هدایت الهی، انسان را به کمال مطلوب می‌رساند و تبعیت شیطان و هوای نفس انحطاط انسان را به دنبال دارد (آقامهدوی و نادری باب اناری، ۱۳۹۰). قرآن کریم در آیات فراوانی به بیان مقابله دو جبهه کفر و ایمان می‌پردازد و به مسئله نفی استکبار و استکبارستیزی اشاره فرموده‌اند. نباید ظلم کنید و نباید به ظلم تن در دهید (بقره/۲۷۹). هرگز خداوند راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده

است (نساء/۱۴۱). کسانی که پس از ستم‌زدگی به پیروزی می‌رسند دیگر راه سلطه‌ای بر آنها نیست (شوری/۴۱). قرآن کریم با صراحت تمام اعلام فرموده است که نه ظلم کنید و نه اجازه دهید که به شما و دیگران ظلمی روا داشته شود. در دین مبین اسلام فراوان در مورد ظلم‌ستیزی و استکبارزدایی صحبت شده است. بنابراین اگر مبنا را آموزه‌های اسلامی در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان قرار دهیم، استکبارستیزی و ظلم‌زدایی و نفی ستم یکی از مهم‌ترین اصول و شاخص‌ترین سلاح در حوزه تربیت سیاسی است که معلمان ما باید از آن برخوردار باشند.

۶-۶. اعتدال و میانه‌روی

اعتدال در لغت به معنای میانه‌روی آمده است، یعنی حد وسط. در آیات و روایات نیز در مورد اعتدال سخن به میان آمده است. خداوند متعال در سوره بقره، آیه ۱۴۳، امت خود را میانه و معتدل معرفی می‌فرماید. هر حرکت و فعل تربیتی باید بر اعتدال استوار باشد و از حد وسط بیرون نرود و به افراط و تفریط کشیده نشود تا حرکت و فعلی مطلوب باشد. آئین تربیتی دین به اعتدال در هر امری فرامی‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به گونه‌ای است که انسان‌ها متعادل تربیت شوند. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و با هویت معرفی می‌کند و نمونه‌ای را که این امت باید خود را با او تطبیق دهد و در پی او رود، پیامبر اکرم ﷺ معرفی می‌نماید. ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ الشَّهِيدَ﴾ (بقره/۱۴۳). امت میانه یعنی امتی که در هیچ امری از امور، خواه نظری و خواه عملی، افراط و تفریط نمی‌کند و همه برنامه‌هایش در حد اعتدال است. بسیار واضح و روشن است که داشتن اعتدال و میانه‌روی باید از صلاحیت‌های معلمی به حساب آید و اگر این روی‌کرد در نظام تعلیم و تربیت کشور حاکم شود، آینده‌ای به دور از افراط و

تفریط انتظار ما را خواهد کشید.

۷-۶. آراستگی باطنی و ظاهری

آراستگی مبین این امر است که در جریان تربیت، باید صورت هر آنچه که عرضه می‌شود را نیک آراست، تا رغبت‌ها در مربی برانگیخته شود. البته در اصل آراستگی، می‌توان از دو نوع آراستگی از بعد روانی - درونی و از بعد واقعیت خارجی در موضوع تربیت بحث نمود. منظور از آراستگی باطنی همان آراستگی در نیت و باطن هر عمل است که شخص در درون خود، قصد انجام کاری می‌کند. طبق این اصل باید مربی به گونه‌ای تربیت شود که قصد و نیت باطنی‌اش را صاف، پاک و الهی گرداند. حضرت علی علیه السلام در بیان تأثیر زیبایی و آراستگی بیرون و درون چنین می‌فرماید: و بدان که هر ظاهری باطن مناسب با خود دارد، آنچه ظاهرش پاکیزه است، باطنش پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید، باطن آن هم پلید است (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴). امر آراستگی به امور باطنی و ظاهری به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۹۳ داشتن آن را از شروط و ویژگی‌های پرهیزگاران می‌داند. تربیت اجتماعی موفق و همه جانبه‌نگر، سعی می‌کند به گونه‌ای شرایط را مهیا سازد که مربیان و متربیان، هم در ظاهر و هم در باطن خویش به یک آراستگی شایسته و مناسب شخصیت کریمانه انسانی دست یابند و در سایه همین آراستگی، افراد به بهترین وجه ممکن سعی خواهند نمود آراستگی ظاهر و باطن خود را حفظ نمایند (بهشتی و افخمی اردکانی، ۱۳۸۶). بنابراین اگر خواهان تعلیم و تربیتی مترقی هستیم باید شرایط و محیطی فراهم گردد که معلمان ما بتوانند خود را به اصل آراستگی درونی و برونی مجهز سازند تا خود بتوانند بر متربیان منشأ اثر باشند.

۸-۶. قانون‌پذیری به جای قانون‌گریزی و خودمحوری

یکی از اهداف تربیت سیاسی و اجتماعی، تقویت روحیه قانون‌پذیری به جای

قانون‌گزینی و خودمحموری است. این که هر فرد بتواند به دور از از سلیقه و منافع شخصی، قانون را آن گونه که هست و نه آن گونه که می‌خواهد گردن نهد. بنابراین، تربیت سیاسی و اجتماعی در قلمرو قانون‌گرایی و قانون‌مداری نوعی آموزش پایدار و مؤثر است که در آن فراگیران، قانون را محور زندگی فردی و جمعی خود قرار می‌دهند. اگر جامعه‌ای به این حد از توسعه‌یافتگی و فرهیختگی برسد که قوانین و مقررات اخلاقی و اجتماعی را درونی کند، دیگر شاهد ظهور مشکلاتی همچون دور زدن قانون و خودخواهی و خودمحموری نخواهیم بود (کریمی، ۱۳۸۸). در قرآن کریم خداوند متعال در آیات متعددی (طه/۵۰؛ اعلیٰ/۳؛ بقره/۲۱۳؛ نساء/۱۶۵؛ اعراف/۲۹؛ نحل/۹۰؛ مدثر/۳۶ و اسراء/۹) به نظم و انضباط و قانون‌مندی و رعایت آن تأکید فراوان داشته‌اند. جامعه قانون‌مدار را انسان‌های قانون‌مند تشکیل می‌دهند و در این رابطه نقش مراکز آموزشی، به ویژه معلمان، بسیار برجسته است. معلمی که خود مصلحت جامعه را بر آرمان‌های فردی و شخصی و نظم اجتماعی و قانون‌مداری را بر بی‌نظمی و قانون‌گزینی ترجیح می‌دهد، خدمات شایان توجهی را در تربیت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان انجام داده است و به عقیده بندورا، روان‌شناس برجسته معاصر، اکثر یادگیری‌ها از طریق مشاهدات صورت خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در مقاله، نکات زیر قابل توجه و تأمل می‌باشند:

- تحقیقات مناسبی در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است که هر کدام از آنها از زوایای خاصی به مسأله نگریسته‌اند، اما تاکنون تحقیقی با این عنوان یا صورت نگرفته است و اگر هم صورت گرفته باشد، توسط نویسندگان متن حاضر یافت نشد، بنابراین، این مقاله با دیدی تحلیلی و نسبتاً جامع به مسأله نگاه کرده و از حداقل شایستگی‌های معلمان در حوزه تربیت سیاسی و اجتماعی نام برده است.

— در حوزه تربیت سیاسی از چهار روی کرد محافظه کاری، انتقادی، دموکراتیک و پست مدرن سخن به میان آمد و هر کدام از این روی کردها از زاویه دید خود به قضیه می‌نگرند و البته هر چهار دیدگاه تک‌بعدی به مسأله نگریده‌اند. از سوی دیگر دیدگاه اسلام، به زعم نویسندگان مقاله حاضر، با نگاهی کامل‌تر و جامع‌تر به موضوع تربیت سیاسی نگریده است و بهترین دلیل این مدعا اشاراتی است که در قرآن کریم و متون معتبر اسلامی به آنها رجوع شده است.

— در حوزه تربیت اجتماعی، سه روی کرد فردگرایی، جامعه‌گرایی و سپس دیدگاه اسلام نسبت به مسأله تربیت اجتماعی بیان گردید و روی کرد فردگرایی و جامعه‌گرایی نیز همانند رویکردهای تربیت سیاسی جامع و مانع به حوزه تربیت وارد نشده‌اند و در این بین دیدگاه اسلام هم فردیت را دیده است و هم جمع را نشانه رفته است و از این جهت می‌توان گفت جامع‌تر به مسأله تربیت نگاه کرده است.

— نویسندگان مقاله با کنکاش در متون معتبر، به ویژه با تکیه بر قرآن کریم و نهج‌البلاغه، به چند شاخص در زمینه تربیت سیاسی و اجتماعی اشاره و هر کدام از آنها را برای معلمان مهم و بلکه ضروری می‌دانند که عبارتند از تربیت اخلاقی و ایمانی، مسئولیت‌پذیری، عدالت تربیتی، داشتن بصیرت و دوراندیشی، ظلم‌ستیزی و نفی استکبار، آراستگی باطنی و ظاهری، قانون‌پذیری به جای قانون‌گریزی و خودمحوری و اعتدال و میانه‌روی، هم در گفتار و هم در رفتار.

پی‌نوشت‌ها

1. Competency
2. Mc Clelland
3. Boyatzis
4. Vodruf
5. Soule
6. Conservative apporoach
7. Silberman
8. Critical approach

9. Scurati
10. Democratic approach
11. Dewey
12. Postmodernism
13. Slattery
14. Rossel & Howley

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱. آتشک، محمد و دیگران (۱۳۹۱)، «بازتاب مفاهیم اخلاق جهانی در اهداف آموزش و پرورش ایران»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره ۲.
۲. آقا محمدی، جواد (۱۳۹۱)، «بررسی شاخصه اخلاق اسلامی و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی مدارس متوسطه (مطالعه موردی کتب علوم اجتماعی)»، فصلنامه علمی ترویجی اخلاق، سال دوم، شماره ۸.
۳. آقا محمدی، جواد و ملکی، حسن (۱۳۹۳)، «بررسی جایگاه عقلانیت و مؤلفه‌های آن در برنامه درسی دوره متوسطه دوم با تأکید بر آموزه‌های اسلامی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۲.
۴. آقا مهدوی، اصغر و نادری باب اناری، مهدی (۱۳۹۰)، «کاربرد قدرت نرم از ناحیه استکبار؛ روی کردی قرآنی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره ۲، پیاپی ۱۴.
۵. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۶)، فلسفه تربیت، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
۶. امینی، محمد و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی برنامه درسی تربیت سیاسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان شهر کاشان»، دانش و رفتار، سال شانزدهم، شماره ۳۶.
۷. باقری، خسرو (۱۳۷۵)، «تعلیم و تربیت از منظر پست مدرنیسم»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۴-۱.
۸. بهشتی، سعید و اردکانی محمد علی (۱۳۸۶)، «تربیت اسلامی»، سال دوم، شماره چهارم.
۹. جراحی دربان، مهدی؛ بابا زاده، مجید و رودمقدس، رمضانعلی (۱۳۹۳)، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی در اسلام از منظر قرآن»، فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۱.
۱۰. جی، کارتلج و جیاف، میلبرن (۱۳۶۹)، آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمد حسین نظری‌نژاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۱. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، تهران، دفتر تحقیقات و تدوین متون درسی.
۱۲. حجتی، سید محمد باقر (۱۳۸۵)، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۱۳. حسینی، افضل‌السادات (۱۳۸۲)، *راهنماهای اساسی و روش‌های کارآمد در برنامه‌های آموزش و پرورش برای نیل به تربیت دینی مناسب دانش‌آموزان*، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، جلد دوم، تهران، مؤسسه فرهنگی محراب قلم.
۱۴. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه حضرت علی (ع)*، قم، نشر مشرقین.
۱۵. دهقانی، مرضیه و امین خندقی، مقصود (۱۳۹۰)، «تحلیل بر وضعیت موجود طراحی برنامه درسی تربیت اجتماعی دوره راهنمایی بر مبنای تحلیل محتوای کتاب‌های درسی و اسناد مرتبط برنامه درسی»، *مجله پژوهش‌های برنامه درسی*، دوره اول، شماره دوم.
۱۶. رشیدپور، مجید (۱۳۷۰)، *مبانی اخلاق اسلامی*، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۷. رمضان، فاطمه و حیدری، مسعود (۱۳۹۱)، «روش‌های تربیت اجتماعی کودک براساس قرآن و نهج‌البلاغه»، *مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، سال نهم، دوره دوم.
۱۸. روحانی، فواد (۱۳۶۰)، *جمهور افلاطون*، تهران، نشر کتاب.
۱۹. رهنما، اکبر و همکاران (۱۳۸۷)، «بررسی تحلیلی مبانی، اصول و روش‌های تربیت سیاسی از منظر امام علی (ع) در نهج‌البلاغه»، *دانشور رفتار*، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره ۳۰.
۲۰. سبحانی‌نژاد، مهدی و رضایی فریمانی (۱۳۹۰)، «ماهیت تربیت اجتماعی از دیدگاه امام علی (ع)»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۱۳.
۲۱. سلحشوری، احمد و همکاران (۱۳۹۱)، «مبانی و مؤلفه‌های تربیت سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، *پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، سال دوم، شماره ۵.
۲۲. شریعتمداری، علی (۱۳۸۱)، *جامعه و تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۳. شریفی، عالیه (۱۳۹۴)، «نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان»، *ماهنامه تربیت*، سال بیست و نهم، شماره ۲۸۴.
۲۴. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶)، *فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۰)، *روابط اجتماعی در اسلام*، ترجمه حجتی کرمانی، تهران، انتشارات بعثت.
۲۶. علاقه‌بند، علی (۱۳۸۲)، *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش*، چاپ سی و دوم، تهران، نشر روان.
۲۷. فریره، پائولو (۱۳۸۵)، *آموزش ستم‌دیدگان*، ترجمه احمد بیرشک و سیف‌الله داد، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۲۸. فقیرپور، مقصود (۱۳۸۹)، *راهنمای ایفای نقش تربیتی*، رشت، انتشارات بلور.
۲۹. کربلایی پازوکی، علی (۱۳۸۷)، «روش‌های تربیت اجتماعی از منظر ملا محسن فیض کاشانی»، *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی*، سال چهارم، شماره ۱۳.

۳۰. کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۸)، *تعلیم و تربیت به کجا می‌رود؟ از ناکجا به هر کجا*، تهران، انتشارات عابد.

۳۱. کلبعلی، ایراندخت (۱۳۸۴)، «بررسی محتوای کتاب‌های دینی، تعلیمات اجتماعی و ادبیات فارسی مقاطع ابتدایی و راهنمایی در رابطه با ارزش‌های اسلامی ایرانی»، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، سال دوم، شماره ۳.

۳۲. گودرزی، عباس و طهماسبی، کتاب علی (۱۳۹۱)، «نقش بصیرت در پرورش نظامی»، نشریه امنیت پژوهی، دوره یازدهم، شماره ۳۷.

۳۳. محمدی، آزاد و همکاران (۱۳۹۳)، «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی مبتنی بر نظریه کنش ارتباطی هابرماس»، پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، سال چهارم، شماره ۲.

۳۴. مرزوقی، رحمت‌الله و اناری نژاد، عباس (۱۳۸۶)، «تربیت اجتماعی از منظر نهج‌البلاغه»، مجله تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۴.

۳۵. معصومی‌نیا، غلام‌علی (۱۳۸۶)، «اخلاق اقتصادی (مبانی بینشی، آموزه‌ها و آثار)»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۶.

۳۶. معین، محمد (۱۳۶۴)، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۳۷. ملاسلمانی، فرشته و همکاران (۱۳۸۹)، «بررسی مبانی تربیت اجتماعی از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه»، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال ششم، شماره ۱۷.

۳۸. ملکی، حسن و همکاران (۱۳۷۸)، *راهنمای برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران، نشر پیام اندیشه.

۳۹. منصوری، جواد (۱۳۷۷)، *آموزش و تربیت سیاسی*، تهران، دفتر انتشارات اسلامی.

۴۰. میرلوحی، سید حسین (۱۳۷۸)، «هفت انتقاد به تعلیم و تربیت جدید (تطبیق آموزش و پرورش ایران با دیدگاه ژاک مارتین)»، تهران، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۵۸.

۴۱. نادری، عزت‌الله و ابراهیمی، اکبر (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه برنامه‌ریزی درسی مطالعات اجتماعی با تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پایه اول دوره متوسطه در شهرستان‌های استان تهران»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.

۴۲. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، کتابخانه طهوری.

۴۳. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، *مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران، وزارت آموزش و پرورش.

1. Boyatzis, R. E. (2009), "Competencies as a Behavioral Approach to Emotional Intelligence", Emerald-Journal of Management Development, Vol. 28, No. 9.
2. Dewey. J. (1960), *Democracy & Education*, New York, Macmillan Comooany.
3. Oxford Dictionary (2005), London, Oxford University press.
4. Scurati. C. (1998), *Education to social Civic and political values in the*

Italian pedagogical thought, paper presented at the international conference on the development of civic responsibility among youth, Urbino, Italy.

5. Silberman. C. E. (1971), *Crisis in the classro: the remaking of Amrrican education*, Random house INC. USA.
6. Slattery, P. (1995), *Curriculum development in the postmodern Era*, Garland Publishing, INC, New York and London.
7. Rossel , Christine H. Hawley, willis D. (1981), *The relationship between teacher behavior toward students and student political attitudes: The development of political cynicism*, Available at: [http: // www.eric.ed. gov /](http://www.eric.ed.gov/) ERIC Web Portal.

جایگاه آزادی در منظومه فکری شهید بهشتی^{*}

- حمید نساج^۵
□ مهدیه پوررنجبر^۲
□ مینا نظری^۳

چکیده

در میان مؤلفه‌هایی که مقوم معنایی دنیای مدرن هستند، بی‌تردید مفهوم آزادی، اگر در رتبه نخست نباشد، در نخستین مرتبه‌ها جای دارد. نسبت اسلام و آزادی همواره محل بحث صاحب‌نظران بوده و نظریات متعدد و گاه متضادی طرح شده است. انقلاب اسلامی ایران از جدی‌ترین مجال‌هایی بود که نسبت اسلام و آزادی را در عمل به آزمون گذارد. این نوشتار متکفل بحث نسبت اسلام و آزادی از دیدگاه یکی از برجسته‌ترین اندیشمندان انقلاب اسلامی است که نقشی بی‌بدیل در تدوین قانون اساسی داشت. شهید بهشتی^{علیه‌السلام} به خلاف رویکردهای مطلق‌نگر و انکاری، نگاهی منصفانه و نقادانه به لیبرالیسم داشته و کوشیده است با تمیز سره از ناسره، ارزیابی علمی و دقیقی از این مکتب فکری ارائه دهد و در نهایت پس از تبیین نظری نسبت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۲. دانش‌آموخته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

۳. دانش‌آموخته علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

hamid.nassaj@gmail.com

m.purranjbar@gmail.com

mina_nazari90@yahoo.com

اسلام و آزادی با ارائه راه کارهای عملی نسبت آزادی در نظام نوپای اسلامی را بیان کند. روش تحقیق این نوشتار هرمنوتیک مضاعف می باشد و آثار و تألیفات شهید بهشتی رحمته الله علیه مورد خوانش مضاعف نویسندگان قرار گرفته است. واژگان کلیدی: سید محمد حسینی بهشتی رحمته الله علیه، آزادی، لیبرالیسم، اسلام، اندیشه اسلامی.

مقدمه

آزادی یکی از مفاهیم بنیادی در فلسفه سیاسی اسلام محسوب می شود. در اسلام انسان واجد استعدادهای فراوان و تمایلات عالی است و همین استعدادهای و تمایلات منشأ آزادی وی شمرده می شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۴۱۸). با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه آزادی به عنوان یکی از آرمانهای اساسی انقلاب مطرح گردید و از زمینه های اصلی تأسیس حکومتی با آموزه های شیعی در ایران شناخته شد. همزمان با تأسیس قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل آزادی به عنوان اصل اساسی در قوانین و آموزه های انقلاب اسلامی و یکی از پایه های مشروعیت حکومت اسلامی عنوان شد. امام خمینی رحمته الله علیه، از کسانی بودند که بیشترین تأکید را بر آزادی و تأسیس نظامی متکی بر آزادی داشتند. شاگردان ایشان، از جمله شهید بهشتی رحمته الله علیه، در طول حیات خود نیز بر آزادی به عنوان حق، در چهارچوب اسلام تأکید داشتند.

با این حال، امروزه با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، مفهوم آزادی در اسلام و حدود آن متأثر از شرایط موجود در جهان و گسترش اندیشه های غربی همچون لیبرالیسم و فردگرایی تا حدی مورد فراموشی و غفلت واقع گردیده و به دقت مورد بررسی نظری قرار نگرفته است. در این میان شهید بهشتی رحمته الله علیه به عنوان محقق و متفکر اسلامی که با درک دقیق شرایط و شناخت نیازهای زمان و اهمیت آزادی، به بررسی مفهوم آزادی مبادرت نمود و به عنوان یکی از شاگردان حضرت امام رحمته الله علیه جایگاه و اهمیت ویژه ای می یابد.

پیرو همین اهمیت و ارزش، در این پژوهش، به بررسی نگاه ایشان به مفهوم

آزادی پرداخته می‌شود و از این منظر تلاش می‌شود تا دیدگاه وی دربارهٔ لیبرالیسم مورد کنکاش قرار گیرد. به نظر می‌رسد شهید بهشتی رحمته الله علیه، به عنوان اندیشمند و متفکر اسلامی، در دیدگاه خود پیرامون مفهوم آزادی متأثر از مبانی معرفت‌شناسانه، هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه اسلامی است، لذا در برخورد با اندیشه و تفکر لیبرالیسم، ضمن نقد مکتب لیبرالیسم مبانی معرفت‌شناسانه، و به عبارتی روشن‌تر، آبخشورهای فکری این مکتب را نیز مورد انتقاد قرار می‌دهند و در نهایت تلاش می‌کنند تا با نگاهی چند محوری به جایگاه انسان در هستی، منبع معرفت در اسلام و هدف‌مند بودن آفرینش، مفهومی اسلامی از آزادی را ارائه نمایند.

در این مقاله، از حیث روش، براساس رویکرد گیدنز، مبنی بر این که علم تلاشی تفسیری است که در آن تئوری‌ها متضمن چهارچوب‌های معنایی هستند و علوم اجتماعی به خلاف علوم طبیعی شامل هرمنوتیک مضاعف است، هنگام مواجهه با متون و تألیفات شهید بهشتی رحمته الله علیه و خوانش آنها، از تفسیر مضاعف بهره گرفته شده است (Giddens, 1996, p 3).

با پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از مهم‌ترین کارهایی که توسط نیروهای پیرو خط امام رحمته الله علیه و اسلام فقه‌ای صورت گرفت، تأسیس و راه‌اندازی حزب جمهوری اسلامی بود (بهنود، ۱۳۷۷، ص ۴۲۹). حزب جمهوری یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیل گردید و هدف بنیان‌گذاران این حزب به دست گرفتن مستقیم قدرت سیاسی به خاطر اعتقاد به تجربه تلخ تاریخی گذشته ناشی از کنار ماندن مذهب‌یون از سیاست و افتادن آن به دست غیرمذهبی‌ها و ضد مذهبی‌ها بود. شهید بهشتی رحمته الله علیه از مهم‌ترین اعضای آن حزب بود که بر ضرورت تشکیل حزبی مکتبی براساس اسلام اصیل تأکید می‌کرد (جاسبی، ۱۳۷۹، صص ۳۶۷-۳۶۶).

حزب جمهوری، فعال‌ترین جریان فرهنگی انقلاب بود که چالش جدی با

جریان‌های انحرافی فکری و سیاسی داشت. از مسائل حساس و مورد تأکید امام علیه السلام و یارانشان که با دیگر جریان‌های فکری مورد اختلاف بود، بحث بر سر چگونگی تدوین قانون اساسی بود (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱). بازرگان، ملی‌گراها و گروه‌های چپ، خواستار تأسیس مجلس مؤسسان جهت بررسی پیش‌نویس قانون اساسی و الگوگیری از کشورهای غربی شدند (برزین، ۱۳۷۴، ص ۲۹۵). در مقابل، طرفداران امام علیه السلام و اسلام فقه‌ای بهره‌گیری از تعالیم اسلام و نظارت فقه‌های دین بر نگارش قانون اساسی را خواستار بودند. با دستور حضرت امام علیه السلام مقرر شد مجلس خبرگان این وظیفه را انجام دهد (اسماعیلی، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰). مجلس خبرگان با نائب رئیسی شهید بهشتی رحمته الله علیه تشکیل شد (بشیری، ۱۳۸۴، ص ۴۰)، که نقش مهمی را در تدوین قانون اساسی به عهده داشت (هدایت‌نیا گنجی، ۱۳۸۲، صص ۲۶-۲۷). یکی از اقدامات مهم شهید بهشتی رحمته الله علیه در جریان تأسیس قانون اساسی روشن کردن جایگاه ولایت فقیه در آن بود؛ گرچه بعضی از لیبرال‌ها و ملی‌گرایان همچون بنی‌صدر با آن مخالفت می‌کردند، ولی شهید بهشتی رحمته الله علیه با دلایل و براهین مستند به مخالفان جواب می‌داد و سرانجام اصل ولایت فقیه در مجلس تصویب شد (حسینی زاده، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹).

حضور و تلاش مستمر شهید بهشتی رحمته الله علیه برای پی‌ریزی شالوده‌های اسلامی در چهارچوب حکومت، موجی از خشم و نفرت را در دل بسیاری از منافقین شکل داد و همین اقدامات سازنده ایشان منجر گردید تا در هفتم تیر ماه به همراه هفتاد و دو تن از همکارانش در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست منافقین، به شهادت برسد (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۶۷۹).

از شهید بهشتی رحمته الله علیه تألیفاتی چند به یادگار مانده است که در این میان می‌توان از «خدا از دیدگاه قرآن»، «نماز چیست؟»، «بانکداری و قوانین مالی اسلام»، «یک قشر جدید در جامعه»، «روحانیت در اسلام و در میان مسلمین»، «مبارزه پیروز»، «شناخت دین»، «نقش ایمان در زندگی انسان»، «کدام

برای شناخت اندیشه و دیدگاه هر متفکر و نظریه پرداز، در گام نخست لازم است به مبانی و آبشخورهای فکری آنها آگاه بود. بنیادهای فکری هر نظریه پرداز را می توان در نگاه وی به انسان، جهان، منبع معرفت و جایگاه دولت دنبال نمود. درک و فهم دیدگاه نظریه پردازان نسبت به مباحث یاد شده در تعاریف آنها از مفاهیم و تحلیل شان از رویدادها مؤثر است. مبانی معرفتی متفاوت، تعاریف و تحلیل های متفاوتی را به دنبال خواهند داشت. در این میان شهید بهشتی رحمته الله به عنوان یک متفکر مسلمان مبانی اندیشه خود را براساس آموزه های اسلام پی ریزی نموده و در این گذر سخت به اندیشه های اسلامی پای بند است. از این رو برای فهم درست اندیشه های وی لازم است به مبانی فکری و معرفتی وی توجه شود؛ چرا که فهم تعریف و جایگاه مفهوم آزادی در اندیشه ایشان در گرو شناخت درست مبانی فکری این شهید عالی قدر نهفته است. از این رو در مباحث زیر تلاش می شود مبانی فکری ایشان درباره هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و کارکرد و جایگاه دولت ارزیابی شود و در نهایت مفهوم و جایگاه آزادی در اندیشه ایشان مشخص گردد.

الف - هدف داری نظام آفرینش

از دیدگاه فلسفه اسلامی، خلق و آفرینش و تدبیر تمام هستی و همه موجودات، از جانب خداوند متعال صورت گرفته است و غیر از او هیچ رب و پروردگاری در جهان هستی نیست. آنچه در فلسفه اسلامی حاکم است، اصل توحید است و همه مسائل با توجه به این اصل معنا پیدا می کند. شهید بهشتی رحمته الله نیز به عنوان یک متفکر مسلمان در کتاب حق و باطل در مورد هدف داری نظام آفرینش می نویسد: «قرآن در آیات بسیاری اعلام می کند که ما آسمان ها و زمین را به حق

آفریده‌ایم: ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (حجر/۸۵). وی با اشاره به این آیات متذکر می‌شود که «در این برداشت، حق بودن هستی در مقابل پوچ بودن آن است. این حق، یعنی این که جهان هستی هدف و جہتی دارد» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۵۴). وی متذکر می‌شود: «همه این مقطع آفرینش برای این است که میدانی رنگارنگ و متنوع برای عمل انسان به وجود بیاید و انسان در مسابقه به خیرات و نیکی‌ها در این میدان گسترده و وسیع قرار بگیرد و نهان انسان با انتخاب راه و شیوه عملی که دارد آشکار گردد» (بهشتی، ۱۳۸۵، صص ۵۴-۵۵). شهید بهشتی رحمۃ اللہ علیہ همچنین با بیان آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون می‌نویسند: ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾؛ اگر قرار بود عمل انسان و پاداش و کیفر عمل انسان در کار نباشد، آفرینش او عبث و بیهوده بود. آن چیزی که آفرینش آنان را از پوچ بودن بیرون می‌آورد این است که انسان سرانجام و فرجامی دارد» (بهشتی، ۱۳۸۵، صص ۵۵-۵۶). وی به این نتیجه می‌رسد: «باید قوانین، مقررات و نظام‌های اجتماعی، همگی طوری تنظیم شوند که این میدان را برای مسابقه آگاهانه و آزادانه برای انسان آماده نگه دارند و هر عاملی و هر مانعی به وجود بیاید و بخواهد مانع تحقق این هدف شود، باطل است» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۵۵).

ب - ماهیت انسان

شهید بهشتی رحمۃ اللہ علیہ در بحث انسان‌شناسی که منتج از هستی‌شناسی وی می‌باشد، نخستین ویژگی انسان را بافت رنگارنگ و متنوع وی عنوان می‌نماید. این موجود نه تنها از نظر بافت جسمی نسبت به جانداران دیگر امتیازهای خاصی دارد، بلکه از بافت روحی و استعدادهای برتری نیز برخوردار است. به همین دلیل در بوتۀ آزمایش قرار می‌گیرد (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۷). در این آزمایش، به انسان ابزارهایی از جمله وحی، آزادی و حق انتخاب داده شده است، تا به آگاهی و

شناخت برسد (اطهری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۹۶). به تعبیر شهید بهشتی رحمته الله، «برای همین، انسان از نطفه‌ای در هم آمیخته آفریده شد تا بشود در معرض انتخاب قرار گیرد» (ستوده و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۸۷). در نگاه وی «انسان با انتخاب، آینده و سرنوشت خود را می‌سازد» (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

شهید بهشتی رحمته الله در کتاب شناخت اسلام در مورد ماهیت انسان می‌نویسد: «انسان دارای ماهیت و طبیعتی عمومی است، اما ماهیت خاص خود را باید در سایه کوشش و اراده شخصی بسازد» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۹). همچنین ایشان معتقدند این موجود از خمیرمایه‌ای برخوردار است که به راحتی می‌تواند با حق سازگاری کند (طالبی، ۱۳۸۵، ص ۴). وی در این مورد می‌نویسد: «فطرت و خمیرمایه سرشت انسان نه تنها با حق سر جنگ ندارد، بلکه با حق پیوندی اصیل دارد، چون روح در او دمیده شده است» (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۵۹).

شهید بهشتی رحمته الله در کتاب خود حزب جمهوری می‌نویسد: «از نظر جهان‌بینی اسلامی، انسان ویژگی خاصی دارد که مربوط به روح الهی است. آیه‌های ششم تا نهم سوره «سجده»، بیست و نهم از سوره «حجر» و هفتاد و دوم از سوره «ص»، مربوط به این معناست: ﴿ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (سجده/۹۶)؛ آن است دانای نهان و آشکار، توانای بلند مرتبه پر مهر، که آفرینش هر چیز را به نیکویی پرداخت و در آفرینش انسان از سرشتن خاک او آغاز کرد، نخست خاک او را سرشت، و سپس انسان را آفرید، سپس دودمان او را از چکیده‌ای از آبی بی‌مقدار، سپس او را پرداخت و از روح خود در او دمید (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۸۶).

پیوند ذات و فطرت انسان با خدا از یک سو و به ودیعه نهادن حق آزادی و انتخاب به او منجر می‌گردد تا در اندیشه شهید بهشتی رحمته الله که متأثر از اندیشه

اسلامی است، انسان مطابق با عقل و وحی، مسؤول ساختن خود و ساختن محیط خود معرفی گردد، چنانچه قرآن در این مورد می‌فرماید: ﴿وَلْتَسْتَأْذِنَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (نحل/۹۳). مطابق آراء شهید بهشتی رحمته الله، تأثیر محیط اجتماعی در فرد، هیچ‌گاه به مرحله‌ای نمی‌رسد که نقش خودسازی آگاهانه و آزادانه را به صفر برساند (طالبی، ۱۳۸۵، ص ۴). در مجموع، انسان با روح الهی که در وجودش است مسؤول است از لابلای پیچ و خم‌هایی که در پیکرش و در رابطه پیکرش با محیط طبیعت و محیط اجتماعی وجود دارد، با اختیار خود و با کمک عقل و وحی که در کنار یکدیگر قرار دارند راه را به سوی آینده تاریک یا روشن بگشاید. بنابراین، اصل اختیار در فلسفه اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها و خصلت‌های وجود انسان در قالب «جبر و اختیار» مطرح شده است. بر این مبنا خداوند انسان را در برابر هدایت حکیمانه انبیا علیهم السلام آزاد قرار داده است؛ که در عین موظف بودن در برابر آینده، در انتخاب آزاد است.

ج - حجیت معرفت‌شناختی وحی و عقل

معرفت‌شناسی اسلامی نیز تحت تأثیر هستی‌شناسی در مرحله اول و انسان‌شناسی در مرحله دوم است. از جمله راه‌های کسب معرفت در اندیشه دینی وحی می‌باشد که وظیفه دارد در حدودی که عقل ناقص است جبران کند (مطهری، ۱۳۷۲ الف، ص ۳۶۷). شهید بهشتی رحمته الله هم در بحث معرفت‌شناسی، هم عقل و هم وحی را دارای اعتبار می‌داند و منافاتی بین این دو نمی‌بیند. وی رابطه بین علم و عقل و وحی را این گونه بیان می‌کند که: «وحی یک نورافکن است برای خودش، علم و عقل هم نورافکن‌هایی هستند برای خودشان. هم میدان مشترک دارند و هم هر کدام میدان اختصاصی» (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۰). وی به سه صورت بین عقل و وحی پیوند برقرار می‌کند؛ اول این که عقل را عطیة الهی به انسان می‌داند، دوم این که عقل را مانند وحی زبانی می‌داند و سوم این که مرجع

او برای نشان دادن اندیشه‌ورزی انسان خود وحی است، یعنی خود متن مقدس با قوه عقل و ادراک فهمیده می‌شود. به عبارت دیگر، خداوند دو هدیه زبانی به انسان داده است؛ یکی در خلقت انسان که عقل را با یاد دادن اسماء هدیه کرد، و یکی هم وحی را به صورت عالی‌ترین شکل و محتوای زبانی - که معجزه است - داده است.

نکته مورد توجه در منظومه فکری شهید بهشتی رحمته الله تقدم عقل بر وحی است. وی در این باره عنوان می‌کند که «اسلام می‌خواهد مردم بیندیشند، نه این که مسائلی بر آنان تحمیل کند. لذا به کار گرفتن عقل و اندیشه از اولین اصول جهان‌بینی اسلام است. دست یافتن به حقیقت و اصالت داشتن مبدأ و وحی و دیگر پایه‌های اعتقادی اسلام باید با دست‌یاری عقل و اندیشه باشد» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۴۳۰). شهید بهشتی رحمته الله در کتاب **حق و باطل** می‌نویسد: «ما اصرارمان همین است که اسلام از وحی پیغمبر شروع نمی‌شود. اسلام از روشن‌ترین شناخت‌های بشر شروع می‌شود و در مسیر خود به وحی و پیغمبر صلی الله علیه و آله برخورد می‌کند. ادامه راهش با عقل و وحی هر دو است» (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۹). بنابر این همین تفسیر از عقل راه را برای شناخت اسلام برای انسان هموار می‌کند. شهید بهشتی رحمته الله در این زمینه می‌گوید: «یکی از روشن‌ترین راه‌های شناخت اسلام، این است که جستجوگری‌ات را با معیارهای همه کس‌شناسی آغاز کنی که از زشت و زیبا و نیک و بد داری. آن وقت کدام آئین، آئین خداست؟ آئینی که در آن آئین از معروف (خوبی‌های شناخته شده نشان‌دار) حمایت می‌شود و از منکر (بدی‌های مردود و مطرود) نکوهش و با آنها مبارزه می‌شود» (بهشتی، ۱۳۷۹، ص ۹۴).

د - ماهیت دولت

شهید بهشتی رحمته الله به دلیل این که یک اندیشمند مکتبی است و مکتب را حاکم بر

روابط اجتماعی و فردی انسان‌ها می‌داند، ماهیت و طبیعت دولت را مناسبات ارزشی و عدالت الهی می‌داند (طالبی دارابی، ۱۳۸۵، ص ۴). وی در کتاب **شناخت اسلام** متذکر می‌شود که جهان واقعی است که براساس عدالت برپاست: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ؛ آسمان‌ها و زمین به عدالت برپاست» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹). وی، پاسداری از حق و عدل را زیربنای حکومت حق و عادل می‌داند و معتقد است که مسأله ایجاب می‌کند که همه مردم تلاش کنند تا سازمان اجتماعی آگاه و توانا، یعنی دولت، به وجود آورند. اصولاً، این نگرش ناشی از این تفکر است که اسلام دینی است که مشتمل بر سیاست و سیاست از دیانت و حتی از عبادت جدا نیست. از نظر شهید بهشتی رحمته الله، ضرورت وجود دولت در تأمین تکامل انسان و رسیدن به کمال الهی است. از این نظر، وی بر آن است که دولت بر کرامت انسان در درجه اول توجه کند. نظام سیاسی که شهید بهشتی رحمته الله از آن دفاع می‌کند، نظامی است مکتبی و متعهد. بنابراین، اگر بهزیستی معنوی و تعالی انسانی، ضرورت ایجاد دولت را اثبات می‌کند، آزادی و اختیار آدمی حکومتی بر مبنای سعادت و کرامت را جستجو می‌کند (طالبی دارابی، ۱۳۸۵، ص ۴).

بنابر این از نگاه شهید بهشتی رحمته الله نظام آفرینش، میدانی گسترده برای تلاش آگاهانه انسان است. انسان موجودی است دارای آگاهی و شناخت و قدرت انتخاب. وی دولت را برای ایجاد عدالت در جامعه و رسیدن انسان به هدف‌هایش و ساختن آینده‌اش مورد توجه قرار می‌دهد. ضرورت دولت تأمین شرایط برای انسان برای رسیدن به قرب الهی است. آنچه در این مقوله خود جای سؤال دارد این است که بهشتی رحمته الله به عنوان متفکری اسلامی و با درکی که از جهان، انسان و دولت ارائه می‌دهد چه جایگاهی را برای آزادی در نظر می‌گیرد.

معنا و چیستی آزادی

پس از آگاهی از مبانی معرفتی شهید بهشتی رحمته الله علیه، هنگام بررسی مفهوم آزادی در منظومه فکری ایشان فرامی‌رسد. آیت‌الله بهشتی رحمته الله علیه ضمن این که اعتقاد دارد متفکران در طول تاریخ، آزادی را به گونه‌های مختلفی تعریف کرده‌اند، درباره عامل این اختلاف بر این باور است که این مفهوم نیز همچون مفاهیم دیگر، متأثر از زمان و پیشرفت زمان است و در هر زمان متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی و نیازها و حساسیت‌های موجود در جامعه و فرهنگ حاکم بر زمان معنای خاصی دارد (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۶). با توجه به مبانی فکری متعدد و برداشت‌های گوناگون از آزادی، باید نخست به این بحث پرداخت که معنای آن از نگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه چیست؟

آزادی در اندیشه شهید بهشتی رحمته الله علیه اهمیت ویژه‌ای دارد که از نگرش ایشان به انسان سرچشمه می‌گیرد. در یک تقسیم‌بندی کلی دو نوع نگاه به انسان وجود دارد؛ نخست نگاه قیم مآبانه که معتقد است باید اندیشه‌ها و ارزش‌های دینی را به انسان‌ها تحمیل کرد، نگاه دیگر انسان را موجودی آزاد و انتخاب‌گر می‌بیند (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

شهید بهشتی رحمته الله علیه، نگاه اسلام به مقوله انسان را با استناد به آیات قرآن این گونه بیان کرده است: «در جهان‌بینی اسلام، انسان شدنی است مستمر و پویایی است خودآگاه، انتخاب‌گر و خودساز. در نهاد و نهانش، کشش‌ها، خواست‌ها و انگیزه‌هایی آفریده شده که او را به این حرکت و پویایی خودساز وامی‌دارد. او براساس آگاهی و با قدرت‌گزینی آزادی که به او داده شده جلو می‌رود و ساخته می‌شود. قرآن در سوره کهف، آیه ۲۸ می‌فرماید: ﴿وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾؛ بگو حق از جانب پروردگارتان است؛ هر کس می‌خواهد باور کند و هر کس می‌خواهد باور نکند، بنابراین اصل در زندگی این است که آزاد بماند و این آزادی او محدود نگردد، مگر

محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود، به آزادی واقعی خود او، به آزادی دیگران لطمه زند» (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۲۰). بنابراین، این که پیامبران علیهم‌السلام مردم را به ایمان و توحید فراخوانده‌اند، نشان‌دهنده این است که اولاً، معتقد بوده‌اند انسان فطرتاً آزاد است و ثانیاً، دعوت به توحید و ایمان را باید آزادانه و آگاهانه برگزینند و هیچ اجباری در آن نیست (لک زایی، ۱۳۸۲، ص ۵۲).

شهید بهشتی رحمته‌الله معتقد است، «بزرگ‌ترین شعار اسلام آزادی است. از دید اسلام انسان تا آزاد نباشد انسان نمی‌ماند (بهشتی، بی تا (ب)، صص ۱۱۴-۱۱۳). شهید بهشتی رحمته‌الله می‌گوید نخستین خاستگاه انسان طبیعت است و آدمی باید بتواند از آن برخاسته و فراتر رود: «اولین مسأله این است که انسان از بردگی و بندگی طبیعت آزاد است. انسان آن توان را دارد که طبیعت را رام و مهار کند. در حقیقت خداوند به انسان این آزادی را داده که در پرتو آگاهی و اعمال آزادی بتواند محیط زندگی مورد تمایل و خواست خودش را بسازد (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

به طور کلی علاوه بر جبر طبیعی، جبر اجتماعی و جبر تاریخی نیز نمی‌تواند آزادی انسان را سلب کند و آدمی با علم و آگاهی می‌تواند بر این جبر و محدودیت نیز فایق آید: «دیدگاه اسلام، این است که انسان محکوم جبر اجتماعی هم نیست» (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۵۰). شهید بهشتی رحمته‌الله متذکر می‌گردد: «از نظر اسلام همان طور که در طبیعت قوانینی وجود دارد، در جامعه هم قوانینی وجود دارد. بنابراین، انسان با شناخت و آگاهی و ایمان می‌تواند خودش را از حاکمیت و سلطه آنها آزاد کند» (بهشتی، ۱۳۸۱، صص ۵۲-۵۱).

تأکید شهید بهشتی رحمته‌الله بر گرایش ذاتی به آزادی و برخورداری انسان از قوه عقل در کنار اختیار و اراده منجر می‌گردد تا ایشان آزادی را تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش بیان کند و امتیاز انسان بر همه موجودات دیگر عالم طبیعت را در این بدانند که انسان می‌تواند بر طبیعت مسلط باشد و

شرایط را بر وفق خواسته و نیاز خود دگرگون کند» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۸۳).

﴿۱۱۵﴾

پیرو همین اندیشه است که به انسان گفتند: ای انسان! آینده و سرنوشت را خود بساز. هر خوشبختی و سعادت و هر رنج و تیره‌بختی انسان‌ها محصول کار خود آنهاست (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۸۷). در قرآن آمده است: ﴿لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَیْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾ (بقره/۲۸۶). از نگاه شهید بهشتی رحمته الله: «نفی آزادی مساوی با مسخ شخصیت و انسانیت انسان است، زیرا دیگر انسان نمی‌تواند خالق شخصیت و معمار سرنوشت خویش باشد» (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۷).

باید گفت این معنای آزادی، با خلاقیت رابطه دارد، زیرا از نگاه شهید بهشتی رحمته الله: «خلاقیت فنی و صنعتی و چاره‌اندیشی‌های پیشرفته انسان در رویارویی با شرایط طبیعی میدان گسترده‌ای برای آزادی به وجود آورده است. در پرتو خلاقیت، انسان درجه بالایی از آزادی خویش را تأمین کرده است» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۸۳). در پرتو چنین سلطه‌ای است که انسان می‌تواند حاکم بر خود، محیط طبیعی و جامعه، نظام، حاکمیت و قدرت سیاسی شود و بر همه تأثیر اساسی بگذارد (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

نکته‌ای که شهید بهشتی رحمته الله در این رابطه متذکر می‌گردد این است که در اسلام آزادی‌های فردی، محدودیت‌های اجتماعی دارند. انسان آزاد است، اما در چهارچوب حدود الله و در چهارچوب قوانین الهی (بهشتی، بی تا (الف)، ص ۱۰۵). با این حال ایشان با استناد به قرآن مجید می‌گویند: «هیچ انسانی محکوم هیچ جبر اجتماعی نیست، ولی کیفیت و روابط و مناسبات اجتماعی و اقتصادی، روی انتخاب آگاهانه انسان اثر می‌گذارد، اما نه در حد جبر. اما محیط‌هایی هستند که باروری و رشد نیک‌خواهی، خیرخواهی و خداخواهی انسان را آسان‌تر می‌کنند. میدان‌ها و محیط‌هایی هستند که بعد شیطان‌پرستی، هواپرستی، خودپرستی و تباهی‌گرایی انسان را آسان‌تر می‌کنند» (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۵۲).

شهید بهشتی رحمته الله ضمن تعریف آزادی، دو معنای متمایز آزادی را یادآور می‌شود که وابستگی تمامی با یکدیگر دارند. این دو معنای متمایز آزادی عبارتند از: «آزادی به معنای یک نیاز عمیق و درونی که هر فردی به طور طبیعی خواهان آن و دیگری، آزادی به معنای یک واقعیت اجتماعی» (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۸). معنای فردی آزادی، خواستی است ذاتی و درونی و به شخص انسان مربوط می‌شود و معنای اجتماعی آن واقعی است اجتماعی که به نوع روابط اجتماعی مربوط می‌شود. در نگاه شهید بهشتی رحمته الله آزادی فردی یعنی «آزادی از قید و بند» و «انسان هنگامی قید و بند را احساس می‌کند که بدان آگاهی و نیز حساسیت داشته باشد». بنابراین، نخستین و مهم‌ترین عامل برای رسیدن به آزادی، آگاهی و شناخت است (لک‌زایی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲). از نظر شهید بهشتی رحمته الله، آزادی به مفهوم فردی آن، تنها به معنای رهایی از بندهای برونی نیست، به معنای آزادی از بندهای درونی هم هست. قدرت مادی نمی‌تواند آزادی را به ارمغان آورد، زیرا آزادی تنها وقتی معنا پیدا می‌کند که تمامی بندها، که بخش مهمی از آنها بندهای درونی است از میان برداشته شود و این تنها وقتی صورت می‌پذیرد که انسان در کنار قدرت‌های مادی، قدرت معنوی لازم را در جهت آزاد ساختن خویش داشته باشد (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۷).

شهید بهشتی رحمته الله، آزادی بیرونی را بر آزادی درونی مقدم می‌داند. زیرا، این مسأله یک خواست و یک نیاز درونی و اصیل است و انسان تنها می‌تواند به این نیاز درونی‌اش پاسخ گوید که در جامعه، آزاد زندگی کند؛ یعنی آزادی به عنوان یک واقعیت اجتماعی وجود داشته باشد (لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۷). شهید بهشتی رحمته الله ضمن استناد به حدیث معروف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، «من أصبح ولا یتهم بأمور المسلمین، فلیس بمسلم»، به احساس مسئولیت یک مسلمان در رابطه با سایر مسلمانان و انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر یک انسان، یک حزب، یک تشکیلات، یک قشر، یک ملت و یک نژاد بخواهد به سعادت برسد،

یعنی مسؤولیت‌هایی را که به عهده دارد، انجام بدهد، طبق جهان‌بینی اسلام، باید به آزادی، به نجات و رستگاری و فلاح همهٔ انسان‌ها پردازد» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۶۷).

آیت‌الله بهشتی رحمته الله بزرگ‌ترین مؤلفهٔ انقلاب اسلامی ایران را دست‌یابی به آزادی‌های اجتماعی در جامعه می‌داند (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۴۹). ایشان ارج و تقدس از آزادی اجتماعی را نیز به این دلیل می‌داند که آزادی از یک خواسته و نیاز درونی ناشی می‌شود و به همین دلیل است که «کسی که از این نوع آزادی دفاع می‌کند، در حقیقت دفاع از کلیهٔ خواست‌ها و نیازهای اصیل انسانی است» (بهشتی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۵۷).

شهید بهشتی رحمته الله، معنای دیگری از آزادی را مطرح می‌کند که مورد نظر متفکران غربی است؛ وی می‌گوید: «بشر امروز آزادی را بیشتر به معنای رهایی از قید و بند و قدرت بر انجام آنچه می‌خواهد، می‌فهمد. از نظر او انسانی آزادتر است که بهتر و بیشتر بتواند به خواسته‌های خود پاسخ گوید» (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۸). وی با طرد این معنا معتقد است باید از بند آزادی نیز آزاد گشت. به عقیدهٔ وی هیچ اسارتی خطرناک‌تر از اسارت در بند آزاد بودن نیست (فارسی، ۱۳۶۱، ص ۵۸).

بنابراین، از دیدگاه اسلام یکی از بزرگ‌ترین امتیازات انسان همین است که آزاد آفریده شده است. در حقیقت خداوند به انسان این آزادی را داده که در پرتو آگاهی و در پرتو اعمال آزادی، بتواند خودش را و محیط زندگی‌اش را به قلمرو آن قانونی که دل‌خواه او است ببرد (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

به طور کلی باید به این امر توجه داشت که آزادی یک هدف انتزاعی نیست. تحقق آن با التزام دیگران و از جمله حاکمان لوازم آزادی مشروط است. ضمن این که باید به جریان‌هایی کمک شود که در جهت تحقق مطلوب آزادی تلاش می‌کنند (لک‌زایی، ۱۳۸۵، ص ۷).

بنابر این، شهید بهشتی رحمته الله علیه متذکر می‌شود که آزادی که این همه در ستایش آن سخن می‌رود همین است که گفتیم، نه بی‌بند و باری و ضابطه ناپذیری و خودکامگی مطلق و...؛ این نوع آزادی‌ها در مفهوم آزادی مورد قبول اسلام نمی‌گنجد (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰). این جاست که اسلام از لیبرالیسم جدا می‌شود، زیرا اسلام نسبت به صلاح و فساد محیط اجتماعی بی‌تفاوت نیست (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۵۲). شهید بهشتی رحمته الله علیه پیرو ارائه تعریف و جایگاه مفهوم آزادی و با طرد بسیاری از اصول و تعریف لیبرال‌ها از آزادی به نقاط مثبتی از آن اشاره می‌کند که در زیر به توضیح آن پرداخته می‌شود.

لیبرالیسم از دیدگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه

شهید بهشتی رحمته الله علیه، به خلاف برخی رویکردهای تمامیت‌گرا و مطلق‌باور رایج که بحث خود را با طرد و نفی و انکار شروع می‌کنند، بحث خود درباره لیبرالیسم را با تعریف آن آغاز می‌کند: «اساس این مکتب این است که فرد انسان، موجودی است آزاد و می‌تواند خواسته‌ها و تمنیاتش را بشناسد و می‌تواند در راه رسیدن به این خواسته‌ها و تمنیات تلاش کند و به آنها برسد. رشد انسان به این است که به او آزادی بدهیم» (بهشتی، بی تا (ب)، ص ۹۴). وی به مبنای عقلانی لیبرالیسم به عنوان نهالی رویده از راسیونالیسم اشاره می‌کند: «راسیونالیسم بر این باور است که انسان با خرد خویش می‌تواند آنچه لازم دارد بشناسد». یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز آن با تفکر دینی این است که «برای راهبری و هدایت انسان، همان پیامبر باطن یعنی عقل کافی است و دیگر نیازی به پیامبران و برخورداران از وحی الهی نیست» (بهشتی، بی تا (الف)، ص ۸۷). وی در کتاب حق و باطل در قرآن، بر نقش اندیشه تحلیل‌گر در تعیین مسیر انسان تأکید می‌ورزد و آن را مقدم بر وحی می‌داند و معتقد است که اسلام می‌خواهد بشر با شناخت روشن اندیشه تحلیل‌گر خود، از بدیهی‌ترین نقطه و با روشن‌ترین روندها آغاز کند و پیش رود. وقتی

بشر پیش رفت، به وحی و پیغمبر می‌رسد و اگر نرسد واقعاً به دین الهی نرسیده است (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

﴿۱۱۹﴾

گام بعدی در معرفی لیبرالیسم، فردگرایی است. اصالت فرد به این معنا که فرد انسان، اصالت کامل دارد و می‌تواند بشناسد، حرکت کند، بسازد و به سعادت هم برسد (بهشتی، بی تا (الف)، ص ۸۸). در مقابل لیبرالیسم فردگرا، لیبرالیسم جمع‌گرا قرار دارد. شهید بهشتی رحمه‌الله در مورد لیبرالیسم جمع‌گرا می‌نویسد: «لیبرالیسم جمع‌گرا، لیبرالیسمی است که با نوعی سوسیالیسم و حاکمیت جمع هماهنگ و همراه است» (بهشتی، بی تا (ب)، ص ۹۶).

شهید بهشتی رحمه‌الله در کتاب پنج گفتار ویژگی‌ها و خصلت‌های اساسی لیبرالیسم را مطرح می‌کند و آنها عبارتند از:

۱. پایه لیبرالیسم، راسیونالیسم و اصالت خرد و اندیشه است؛
۲. لیبرالیسم در نخستین جلوه‌هایش، براساس اصالت فرد به وجود آمده است؛
۳. در عین حال که لیبرالیسم براساس نفی حاکمیت هر نوع جبر و دترمنیسم اجتماعی به وجود آمده است، آرام آرام به سوی پذیرش نسبی جامعه و هویت اصیل جامعه حرکت کرده و سر از سوسیالیسم لیبرال در آورده است (بهشتی، بی تا (الف)، ص ۸۹).

جنبه‌های مثبت لیبرالیسم

شهید بهشتی رحمه‌الله در ادامه روی کرد دقیق و علمی خویش، که به جای انکار و طرد به نقد به معنای دقیق کلمه یعنی تمیز سره از ناسره عنایت دارد، به ارزیابی نکات مثبت و منفی لیبرالیسم می‌پردازد. وی، با ارائه فهرست اجمالی از جنبه‌های مثبت و منفی لیبرالیسم، ارزیابی خود از این مکتب را بیان می‌کند. جنبه‌های مثبت لیبرالیسم عبارت است از:

۱. مخالفت با حاکمیت و حکومت استبداد فردی؛

۲. مخالفت با استبداد جمعی؛

۳. «لیبرالیسم از این نظر که برای فرد انسان این منزلت را قائل است که تو ای انسان حرکت کن، پویش داشته باش، عقلت را به کار بینداز، بنابراین زمینه‌ای است برای شکستن نیروها و استبدادهای درونی انسان»؛

۴. تکیه لیبرالیسم اقتصادی بر مالکیت فردی، فعالیت‌های اقتصادی فردی و... که منشأ رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه می‌شود (بهشتی، بی تا (ب)، صص ۱۰۲-۱۰۱).

جنبه‌های منفی لیبرالیسم

اما لیبرالیسم، جنبه‌های منفی هم دارد که نمی‌توان از آنها به آسانی گذشت:

۱. لیبرالیسم در این که تنها منبع معرفت و آگاهی را عقل می‌داند و به وحی بها نمی‌دهد، در معرض انتقاد است؛

۲. بر لیبرالیسم از این نظر که آن قدر روی آزادی فردی تکیه می‌کند که تنگنای نامرئی و مرئی را که سرمایه‌داری جهانی بر عرصه میدان عمل افراد و گروه‌های کوچک تحمیل کند، نادیده می‌انگارد نیز انتقاد وارد است.

بنابراین، یکی از نقدهای جدی شهید بهشتی رحمته‌الله به لیبرالیسم، تفسیر مبتنی بر آزادی اقتصاد است. از دیدگاه شهید بهشتی رحمته‌الله، آزادی موهبت بزرگی است که باید برای توزیع عادلانه آن چاره اندیشید: «وقتی ما لیبرالیسم را نفی می‌کنیم، هرگز آن جنبه‌های مثبت آن را نمی‌خواهیم نفی کنیم. آزادی زمینه شکفتن استعدادهاست، ولی استعداد همه انسان‌ها به این زمینه نیاز دارد، نه فقط استعداد یک عده معدود» (بهشتی، بی تا (ب)، ص ۱۰۶).

شهید بهشتی رحمته‌الله معتقد است که در جامعه بشری یک مقدار قید و بندهای اجتماعی ضرورت دارد و این قید و بندها دارای دو پشتوانه است؛ پشتوانه نخست، پشتوانه ایمان انسان‌هاست که بهترین پشتوانه است. پشتوانه دوم، قانون و اعمال قانون به وسیله دولت و حکومت و نهادهای مسؤول اجتماعی همراه با

اعمال قدرت (بهشتی، بی تا (الف)، صص ۱۰۲-۱۰۱). بنابراین، وقتی ایشان معتقدند جامعه باید آزاد باشد و به سمت آزادی برود هم به اهمیت آزادی و هم به شکل گیری آن در جامعه توجه دارد. هنگامی که وی از حق مردم در زمینه آزادی اعتراض، آزادی بیان و آزادی احزاب سخن می گوید، حساسیت ایشان به نقش مردم آشکار می شود.

انواع آزادی از دیدگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه

شهید بهشتی رحمته الله علیه پس از تبیین نظری آزادی در اسلام و نقد لیبرالیسم به انواع آزادی توجه می کند. در این زمینه، وی بر این باور بود که آزادی سه نوع است.

آزادی عقیده و اندیشه

اولین آزادی از دیدگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه، آزادی در عقیده و اندیشه است. هر انسانی در داشتن و انتخاب عقیده آزاد است. اصلاً عقیده و باور قابل تحمیل نیست (سرابندی، ۱۳۵۹، صص ۵۸۴-۵۸۷). با زور و تهدید و اکراه یا تطمیع نمی توان عقیده ای را به دیگری منتقل ساخت یا از او سلب کرد. قرآن با صراحت می گوید: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا﴾ (بقره/۲۵۶)؛ در دین هیچ اکراه راه ندارد، راه از بی راهه مشخص شده، هر کس به طاغوت کفر و به خدا ایمان ورزد، محکم ترین دست آویز را به دست آورده است که گسستناپذیر است.

ایشان معتقدند که حتی خداوند متعال به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می گوید: «تو باید حقایق و پیام ها را به مردم برسانی و به آنها مجال بدهی بیندیشند و فکر کنند». دکتر بهشتی رحمته الله علیه در مورد آزادی عقیده و اندیشه در جمهوری اسلامی ایران گفت: در جمهوری اسلامی همه باید بیندیشند و آزاد جستجو کنند و نسبت به هر چیزی آزادانه آنچه را حق می یابند بپذیرند و دنبالش بروند (سرابندی، ۱۳۵۹،

شهید بهشتی رحمه الله آزادی را اصل اولیه دانسته و محدوده آزادی را مغایرت آن با آزادی واقعی انسان و یا در صورتی که مانع آزادی دیگران گردد، دانسته و می‌نویسد: «اصل در زندگی انسان این است که آزاد بماند و این آزادی او محدود نگردد، مگر محدودیت‌هایی که اگر رعایت نشود به آزادی واقعی خود او یا به آزادی دیگران لطمه می‌زند» (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

آزادی بیان، قلم و اجتماعات

یکی دیگر از انواع آزادی، آزادی بیان است. خداوند در قرآن، درباره «بیان» می‌فرماید: ﴿خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن/۳-۴)؛ خدا انسان را آفرید و به او بیان را تعلیم داد. همچنین خداوند درباره «قلم» می‌فرماید: ﴿الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ﴾ (علق/۴-۵)؛ خدایی که با قلم تعلیم داد به انسان چیزی را که از آن آگاهی نداشت. خداوند سوره قلم را با قسم به قلم و نوشته آغاز کرده است: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ (قلم/۱)؛ سوگند به قلم و آنچه می‌نویسد. از سوی دیگر قرآن، شنیدن نظرات دیگران را این گونه ستوده است: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۱۷-۱۸)؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان.

دکتر بهشتی رحمه الله پس از پذیرش آزادی عقیده، در مورد آزادی بیان، اولاً بر بحث دو طرفه تکیه می‌کند، به گونه‌ای که اگر مطلبی علیه اسلام مطرح شد، امکان پاسخ‌گویی افراد به صورت منطقی به آن وجود داشته باشد، ثانیاً بر برخورد منطقی و استدلالی تأکید می‌نماید (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹). ایشان ضمن تصریح و اعتقاد به آزادی بیان، به صراحت می‌گوید: «نشر یک طرفه عقاید و

افکار ضد اسلامی در جامعه اسلامی ممنوع است و از انتشار کتب ضلال و نشریات گمراه کننده جلوگیری می‌شود، مگر آن که با نشریاتی دیگر همراه باشد که به خواننده در تجزیه و تحلیل رسای این گونه عقاید و افکار ضد اسلامی کمک کند» (بهشتی، ۱۳۸۱، صص ۱۳۲-۱۳۱). شهید بهشتی رحمته الله معتقد است، در جامعه اسلامی یک انسان مسلمان اولاً، مسؤول و پاسخ‌گوی کارهایی است که انجام می‌دهد. ثانیاً، در برابر سایر انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، متعهد و پاسخ‌گو است (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۷۲). ایشان در کتاب *آزادی، هرج و مرج و زورمداری*، لطمه به آزادی دیگران را این گونه توضیح می‌دهد: «محدودیت‌های قانونی که در نظام اسلامی به وجود می‌آیند دو ریشه دارند؛ اول این که آزادی یک فرد تا آنجا اعمال شود که به آزادی دیگران ضربه نزند و دیگری، تأثیر آزادی‌هایی است که محیط را فاسد می‌کند و زمینه‌ها را برای رشد فساد در جامعه آماده می‌کند» (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۹۲).

شهید بهشتی رحمته الله معتقد است هر انسانی در اظهار نظر نسبت به مسؤولان، در هر موقعیت و مقام که باشند، آزاد است؛ البته با رعایت دو شرط:

۱. در اظهار نظر و مطالبی که بیان می‌کنند دروغ و تهمت و افترا نباشد و راست بگویند؛

۲. با زبان و بیان دلسوزانه و بی‌غرض بگویند، نه با زبان و بیان و عبارت‌های مغرضانه و کینه‌توزانه (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، صص ۲۶۱-۲۶۰). به عقیده شهید بهشتی رحمته الله «در جامعه اسلامی باید بحث و انتقاد و اظهار نظر باز باشد تا مسؤولان متوجه نقایص کار خود بشوند و به اصلاح امور پردازند» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۸۵۱).

آزادی احزاب و جمعیت‌ها

حزب «در مفهوم عام، گردهمایی مردمی است که درباره برخی مسائل نظرات مشترک دارند و می‌خواهند برای دست یافتن به هدف‌های مشترک با هم کار

کنند» (عالم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳). شهید بهشتی رحمته الله علیه دیدگاه خاصی نسبت به حزب داشته و انسانی تشکیلاتی بودند (اطهری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴). شهید بهشتی رحمته الله علیه معتقد است، یکی از حقوق طبیعی هر انسان آن است که بتواند با انسان‌های دیگر که با او هم‌فکر هستند، همکاری نزدیک داشته باشد تا به صورت یک گروه سازمان یافته در آیند و به تبلیغ نظرات خود یا فعالیت‌های اجتماعی دیگر بپردازد (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲).

شهید بهشتی رحمته الله علیه در تعریف حزب در نظام اسلامی می‌گوید: «حزب، یعنی گرد هم آمدن و سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن افرادی که همدیگر را می‌شناسند و به همدیگر اعتماد دارند. به اسلام معتقد هستند به عنوان یک دین و یک نظام اجتماعی و اقتصادی و معنوی، و می‌خواهند بر پایه حاکمیت اسلام، جامعه اسلامی را اداره کنند یا در اداره آن، سهیم گردند» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۶۵۰). از جمله ارکان حزب در نظر بهشتی رحمته الله علیه؛ گرد هم آمدن، سازمان یافتن و سازمان پذیرفتن و اعتماد داشتن افراد به یکدیگر است؛ البته سمت و سو و مبنای اعتقادی و دینی افرادی که در کنار هم گرد آمده‌اند و قصد اداره جامعه بر پایه حاکمیت اسلام را دارند نیز از عناصری است که وجه تمایز تعریف شهید بهشتی رحمته الله علیه با تعریف‌های مشابه است (لک‌زایی، ۱۳۸۲، صص ۷۸-۷۹). در اندیشه وی، از جمله ویژگی احزاب در جامعه اسلامی این است که انحصارطلب نباشند، زیرا انحصارطلبی در یک حزب به معنای کنار گذاشتن دیگر افرادی است که از صلاحیت‌های لازم برای اداره جامعه برخوردارند. وی می‌نویسد: «مهم این است که باید انحصارطلب نباشد، یعنی این عقیده را نداشته باشد که فقط ما خوبیم و آنها که خارج از تشکیلات هستند، خوب نیستند، به درد بخور نیستند» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۶۵۱). همچنین ایشان در مورد تعدد احزاب در نظام جمهوری اسلامی می‌نویسد: «تعدد احزاب ممنوع نخواهد بود، زیرا اصولاً در جامعه اسلامی تعدد

احزاب جایز است» (واحد بنیاد شهید انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۷۹). به نظر ایشان وجود احزاب و جمعیت‌ها در رشد فرهنگ سیاسی جامعه تأثیر دارد؛ چرا که گروه‌های سیاسی برای رسیدن به مقصود خویش با یکدیگر رقابت می‌کنند (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۲).

شهید بهشتی رحمته‌الله، همچنین به بیان رابطه نظام جمهوری اسلامی با احزاب و جمعیت‌های سیاسی - اجتماعی و گروه‌های سیاسی می‌پردازد. نسبت‌سنجی مطرح شده می‌تواند به مثابه راهنما و دستورالعملی مد نظر قرار گیرد. وی گروه‌ها و تشکل‌ها را به شش قسم تقسیم می‌کند.

گروه نخست: احزاب و جمعیت‌های سیاسی که مسلمان و معتقد به انقلاب اسلامی هستند. همچنین، معتقد به فقاقت و نقش ولایت فقیه و ولی امر در جمهوری اسلامی به عنوان یک اصل و معتقد به قانون اساسی جمهوری اسلامی هستند. این گونه احزاب و جمعیت‌ها در نظر شهید بهشتی رحمته‌الله کاملاً آزادند و هیچ‌گونه منعی برای فعالیت آنها در چهارچوب قانون وجود ندارد.

گروه دوم: احزاب و جمعیت‌هایی که اسلام را به عنوان مکتب و یک نظام باور دارند، ولی در برخی مسائل تفکرشان مورد پذیرش گروه اول نیست و با آنها تفاوت دارند، اما این گروه با جمهوری اسلامی سر جنگ و ستیز ندارند. این گروه نیز در جمهوری اسلامی، کاملاً آزادند.

گروه سوم: احزاب و جمعیت‌هایی که به اسلام به عنوان یک نظام معتقد نیستند و ملی‌گرا هستند و با اسلام هم سر جنگ ندارند (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۳).

شهید بهشتی رحمته‌الله معتقد است احزاب و سازمان‌های غیر اسلامی که زیربنای اسلامی ندارند، ولی در موضع خصومت و رویارویی و ضدیت با اسلام نیستند نیز، با رعایت شرایط اسلامی، آزادند و می‌توانند فعالیت کنند (بهشتی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳).

گروه چهارم: احزاب و جمعیت‌هایی که ایدئولوژی‌شان ضد اسلام است، اسلام را قبول ندارند و مشغول مبارزه فرهنگی با اسلام هستند، اما با جمهوری اسلامی مبارزه سیاسی و درگیری‌های توطئه‌آمیز ندارند، تنها در صدد مبارزه فرهنگی با اسلام و جمهوری اسلامی هستند، اعتقاداتشان الحادی و ضد اسلام است. این گروه نیز در چهارچوب قانون آزادند و می‌توانند فعالیت کنند و کسی مزاحم آنها نخواهد شد (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

گروه پنجم: احزاب و جمعیت‌هایی که بر ضد جمهوری اسلامی مشغول توطئه هستند، اما توطئه آنها به حد قیام مسلحانه نمی‌رسد (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۴).

گروه ششم: احزاب و جمعیت‌هایی که مشی مسلحانه را علیه جمهوری اسلامی در پیش گرفته‌اند (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۴). شهید بهشتی رحمته‌الله معتقد است این احزاب نمی‌توانند آزاد باشند، زیرا ضد رشد هستند. وی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برپایی حزب جمهوری اسلامی سهم بسزایی ایفا کرد (لک‌زایی، ۱۳۸۲، ص ۸۰). حزب جمهوری اسلامی با همه احزاب و جمعیت‌های اصیل اسلامی در ایران و کشورهای دیگر رابطه برادرانه دارد و براساس تعالیم قرآن که «وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» خود را با آنها در یک مسابقه مثبت و سازنده در جوی برادرانه می‌یابد و هرگونه رقابت منفی با آنها را گناه و انحرافی خطرناک از مکتب می‌داند (بهشتی، ۱۳۸۸، صص ۲۱۴-۲۱۳).

نتیجه‌گیری

تأکید اسلام بر آزاد و مختار بودن انسان در انتخاب راه سعادت و شقاوت و بهره‌گیری جمهوری اسلامی ایران از تفکر اسلامی از یک سو و تأکیدات رهبر کبیر انقلاب رحمته‌الله و شاگردان ایشان بر حفظ آزادی و گنجانده شدن آن به عنوان اصل مهمی در قانون اساسی از سوی دیگر منجر گردید. در این مقاله، مفهوم و

جایگاه آزادی از دیدگاه شهید بهشتی رحمته الله علیه، به عنوان یکی از شاگردان و ره‌پویان راه امام رحمته الله علیه مورد بررسی قرار گرفت. فرض اصلی مقاله بر این نهاده شده است که آیت‌الله بهشتی رحمته الله علیه متأثر از مبانی فکری، که ملهم از دین مبین اسلام است، دیدگاه خویش پیرامون آزادی را بیان می‌نماید. یافته‌های پژوهش ضمن تأکید بر فرض مطرح نشان می‌دهد مقوله آزادی در اندیشه شهید بهشتی رحمته الله علیه به عنوان رکنی اساسی مطرح است، به طوری که ایشان نقطه حرکت خود را همین مفهوم قرار می‌دهد. وی معتقد است برداشت واحدی از آزادی وجود ندارد و شرایط اجتماعی، ضرورت‌های زمانی و افکار و اعتقادات حاکم بر جامعه از جمله دلایل گوناگونی برداشت‌ها از آزادی است.

شهید بهشتی رحمته الله علیه، ضمن رد بسیاری از تعاریف لیبرالیست‌ها مبنی بر هدف بودن آزادی به نقد لیبرالیسم می‌پردازند. با این حال ایشان در برخورد با لیبرالیسم نگاهی حذفی و متعصبانه نداشته و به جنبه‌های مثبت و منفی مکتب لیبرالیسم توجه دارد. مخالف با حاکمیت و حکومت استبداد فردی، مخالف با استبداد جمعی، منزلت و ارزش لیبرالیسم برای انسان و تلاش برای شکوفایی استعدادهايش و در نهایت تکیه لیبرالیسم اقتصادی بر مالکیت فردی که منشأ رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه می‌شود، از جنبه‌های مثبت لیبرالیسم است، اما لیبرالیسم در این که تنها منبع معرفت و آگاهی را عقل می‌داند و به وحی بها نمی‌دهد، در معرض انتقاد است و نیز بر تأکید بیش از حدش بر آزادی فردی و نادیده گرفتن تنگناهای نامرئی و مرئی، که حاکمیت اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری جهانی بر عرصه میدان عمل افراد و گروه‌های کوچک تحمیل کند، انتقاد وارد است. از همین رو است که تلقی شهید بهشتی رحمته الله علیه از آزادی در برخی زمینه‌ها با آزادی غربی متفاوت می‌شود. تفکیک آزادی فردی از آزادی اجتماعی، تفکیک آزادی از بی‌بند و باری و محدود شدن آزادی در چهارچوب قانون، از مؤلفه‌های اندیشه شهید بهشتی رحمته الله علیه در باب آزادی است. شهید بهشتی رحمته الله علیه در نقد

آزادی لیبرالی به سمت آزادی مثبت آن هم از نوع حداکثری آن گرایش پیدا می‌کند. مراد از آزادی حداکثری آن نوع آزادی است که بر نوعی انسان‌شناسی خاص استوار است و همواره سعی بر آن دارد که تا اموری که به مثابه کمال نفس شمرده می‌شوند را شکوفا سازد. از نظر شهید بهشتی رحمته الله، محدودیت‌های اعمال شده توسط شریعت و قوانین اسلامی نه تنها مخل آزادی نیست، بلکه آزاد کردن بیشتر انسان است و این جز با پذیرش مفهوم آزادی حداکثری سازگار نمی‌باشد. ایشان در نهایت تحقق آزادی را بر مبنای مردم‌سالاری دینی امکان‌پذیر می‌داند.

منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

• قرآن کریم.

۱. اسماعیلی، خیرالله (۱۳۸۰)، دولت موقت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
۲. باهنر، محمد جواد و گلی‌زاده، علی (بی‌تا)، شناخت اسلام، چاپ و نشر دفتر فرهنگ اسلامی، بی‌جا، چاپ اول.
۳. براهویی، نرجس خاتون (۱۳۸۰)، احزاب مذهبی، در کتاب تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، به اهتمام دکتر مجتبی مقصودی، تهران، روزنه، چاپ اول.
۴. برزین، سعید (۱۳۷۴)، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان، تهران، مرکز، چاپ اول.
۵. بشیری، حسین (۱۳۸۴)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران (دوره جمهوری اسلامی ایران)، تهران، نگاه معاصر، چاپ سوم.
۶. بهنود، مسعود (۱۳۷۷)، ۲۷۵ روز بازرگان، تهران، علم، ج اول.
۷. جاسبی، عبدالله (۱۳۷۹)، تشکل فراگیر (مروری بر یک دهه فعالیت حزب جمهوری اسلامی)، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، جلد اول.
۸. حسینی بهشتی، محمد رضا (۱۳۵۸)، ترور فکری و ترویج شایعه، تهران، حزب جمهوری اسلامی ایران.
۹. حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱)، آزادی هرج و مرج، زورمداری، تهران، بقیه.
۱۰. ----- (۱۳۶۱)، اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ (راست قامتان جاودانه تاریخ اسلام)، دفتر سوم، تهران، واحد فرهنگ بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
۱۱. ----- (۱۳۶۱)، بررسی و تحلیلی از جهاد، عدالت، لیبرالیسم، امامت، تهران،

- ستاد برگزاری مراسم هفتم تیر.
۱۲. ----- (بی تا ب)، پنج گفتار، قم، انتشارات قیام.
۱۳. ----- (۱۳۹۰)، پیامبری نگاهی دیگر، تهران، روزنه.
۱۴. ----- (۱۳۸۸)، حزب جمهوری اسلامی مواضع تفضیلی، بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی، تهران، بقعه.
۱۵. ----- (۱۳۸۵)، حق و باطل از دیدگاه قرآن، تهران، بقعه.
۱۶. ----- (بی تا الف)، سخنرانی‌های شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله، تحت عنوان مکتب‌گرایی و ملی‌گرایی، آزادی در اجتماع مکتب و تخصص، لیبرالیسم، بی‌جا.
۱۷. ----- (۱۳۷۸)، مبانی نظری قانون اساسی، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های دکتر بهشتی رحمته‌الله، تهران، بقعه.
۱۸. ----- (۱۳۸۵)، نقش آزادی در تربیت کودکان، تهران، بقعه، چاپ سوم.
۱۹. حسینی‌زاده، سید محمد علی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، چاپ اول.
۲۰. رجایی، غلامعلی (۱۳۸۲)، سیره شهید دکتر بهشتی رحمته‌الله، تهران، شاهد، چاپ اول.
۲۱. رضوی، مسعود (۱۳۷۶)، هاشمی و انقلاب، تهران، همشهری، چاپ اول.
۲۲. زیباکلام، صادق (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، روزنه، چاپ سوم.
۲۳. ستوده، امیررضا و حمید رضا، سید ناصر (۱۳۷۸)، رابطه دین و آزادی، تهران، ذکر.
۲۴. سرابندی، محمد رضا (۱۳۸۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید بهشتی رحمته‌الله، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲۵. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵)، بنیادهای علم سیاست، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
۲۶. عمید زنجان، عباسعلی (۱۳۸۸)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ هفتم.
۲۷. فارسی، جلال‌الدین (۱۳۶۱)، فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا علیه‌السلام، چاپ اول.
۲۸. فوران، جان (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده (تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی)، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ پنجم.
۲۹. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۲)، آزادی سیاسی در اندیشه آیت‌الله مطهری رحمته‌الله و آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم).
۳۰. مهاجری، مسیح (۱۳۶۱)، بهشتی و انقلاب، تهران، اوج، چاپ اول.
۳۱. ----- (۱۳۸۰)، حیات علمی و ارزشی شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی رحمته‌الله، تهران، سازمان انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی، جلد هشتم، چاپ اول.
۳۲. هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله (۱۳۸۲)، اندیشه‌های حقوقی شهید بهشتی رحمته‌الله، تهران، مؤسسه

دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.

مقاله‌ها:

۱. اطهری، سید حسین و درودی، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی آزادی از نگاه امام خمینی علیه السلام و آیت الله شهید بهشتی علیه السلام»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره نهم، زمستان.
۲. طالبی دارابی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «انسان و جهان در نظام فکری شهید بهشتی علیه السلام»، پگاه حوزه، شماره صد و هشتاد و پنج، تیر.
۳. لک‌زایی، شریف (۱۳۸۵)، «تأملی در آرای دکتر بهشتی علیه السلام: جایگاه آزادی در نظام سیاسی و تربیتی»، پگاه حوزه، شماره ۱۸۵، تیر.
۴. ----- (۱۳۸۰)، «ساز و کارهای آزادی سیاسی در اندیشه آیت الله بهشتی علیه السلام»، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، شماره سیزدهم، بهار.

منابع لاتین:

Giddens, Anthony, In Defence of Sociology: Essays, Interpretations, and Rejoinders, Cambridge: Polity Press, 1996.

﴿ ۱۳۰ ﴾

موانع برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی در مؤسسات آموزش عالی*

- حبیب زمانی محبوب^۱
- سید نادر مددی^۲
- اعظم السادات گرامیان دهدشت^۳

چکیده

برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی یکی از جدی‌ترین خواسته‌های مقام معظم رهبری علیه السلام است که همواره در دیدارهایشان با دانشجویان و اساتید مطرح فرموده‌اند. با وجود این هنوز این مطالبه و دغدغه از سوی مؤسسات آموزش عالی کشور مورد توجه قرار نگرفته است و چنان که باید و شاید اجرایی نشده است.

مسئله این نوشتار این است که «چرا با وجود تأکید مقام معظم رهبری، کرسی‌های آزاداندیشی در مؤسسات آموزش عالی کشور برگزار نمی‌شود؟». در پژوهش حاضر که پژوهشی میان‌رشته‌ای است، اطلاعات مورد نیاز مرتبط با کرسی‌های آزاداندیشی، با روش کتابخانه‌ای و مصاحبه، گردآوری و سپس

پژوهش‌های اجتماعی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی پژوهشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسؤول) zamani1358@gmail.com

۲. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی دانشگاه آزاد آشتیان

a.s.g@gmail.com

۳. کارشناس علوم تربیتی

موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی و راه کارهای برون رفت از آن ارائه شده است.

واژگان کلیدی: کرسی‌های آزاداندیشی، مؤسسات آموزش عالی، دانشگاه، دانشجو، مقام معظم رهبری.

مقدمه

طرح بحث از ضرورت آزاداندیشی^۱ به بهمن ماه سال ۸۱ بازمی گردد. نقطه شروع، سخنان رهبر انقلاب در دیدار اعضای انجمن اهل قلم بود: «اگر بخواهیم در زمینه گسترش و توسعه واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به این که از مواهب خدادادی و در درجه اول آزاداندیشی استفاده کنیم» (۱۳۸۱/۱۱/۷). هر چند معظم له در این نشست اشاره‌ای به کرسی‌های آزاداندیشی نکرده است، ولی به تدریج، در سخنان بعدی کرسی‌های آزاداندیشی فضای خاص خود را یافتند؛ به طوری که ایشان بارها به صورت رسمی خواستار ایجاد و تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی شدند. ضرورت راه اندازی کرسی‌های آزاداندیشی در جلسه ۵۹۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز در تاریخ ۱۳۸۵/۱۰/۵ تصویب شد.

اما پس از گذشت چند سال از فراخوان رهبر انقلاب کرسی‌های آزاداندیشی، در فضای علمی و دانشگاهی به آن شکل که مد نظر ایشان بود، تشکیل نشدند و اهداف مد نظر رهبری در این خصوص محقق نگردیده است (فرامین محقق نشده رهبری در خصوص کرسی‌های آزاداندیشی، ۱۳۹۱/۴/۶)^۲.

با آن که مقام معظم رهبری بارها در سخنرانی‌های خود با بدنه فعال دانشگاهی (دانشجویان، نخبگان، تشکلات و اساتید برجسته) بر لزوم راه اندازی و استقرار کرسی‌های آزاداندیشی در مراکز علمی کشور، یعنی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، در کنار کرسی‌های تدریس، تأکید ورزیده‌اند، این راهبرد مهم در انبوه کار آموزشی و پژوهشی مرسوم اساتید و در گیرودار فعالیت‌های سیاسی بدنه دانشجویی دانشگاه‌های کشور و... مورد بی مهری قرار گرفته است،^۳ تا آنجا

که خود ایشان از عدم تحقق این مسأله در دانشگاه‌ها و حوزه‌ها اظهار گله‌مندی کرده است (بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه سمنان، ۱۳۸۵/۶/۱۸ و در جمع اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۸۶/۶/۸ و در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۷/۱۳).

البته این به آن معنا نیست که هیچ کاری صورت نگرفته است. در ۱۶ آبان سال ۸۸ آئین‌نامه تشکیل کرسی‌ها توسط کمیته‌ای، متشکل از نمایندگان وزارت علوم، وزارت بهداشت، دانشگاه آزاد اسلامی، بسیج دانشجویی و... تدوین و به دانشگاه‌ها ابلاغ شد. در سال ۱۳۹۰ هم آئین‌نامه اصلاحی ارسال شده است. برخی دانشگاه‌ها پیش‌قدم شده‌اند، ولی حرکت بسیار کند است.

آزاداندیشی، چه به لحاظ سلبی و چه به لحاظ اثباتی و با رعایت چهارچوب‌های قانونی محقق نمی‌شود، مگر آن که موانع و محدودیت‌های آن شناسایی و برطرف گردد. این که محدودیت‌ها و موانع آزاداندیشی چیست مسأله‌ای است که این مقاله در پی بررسی آن می‌باشد.

درباره این موضوع تا به حال بحث‌های فراوانی صورت گرفته و برخی کتاب‌ها و مقالات هم نوشته شده است که عمده آنها در سایت کرسی‌های آزاداندیشی (www.korsiha.ir) قابل مشاهده است. در ضمن مجموعه مقالات (۴ جلد)، گفتگوها (۴ جلد) و سخنرانی‌هایی (۲ جلد) با عنوان درآمدهی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به همت دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم مرکز مدیریت حوزه علمیه قم چاپ شده است که به طور عمده به مباحث نظری این موضوع پرداخته‌اند. محمد رضا بشارتی و غلامرضا گودرزی (۱۳۹۳)، در پژوهشی با عنوان آزاداندیشی در نگاه مقام معظم رهبری به بررسی موضوع آزاداندیشی از منظر رهبر انقلاب پرداخته و مطالب خوبی نیز درباره کرسی‌های آزاداندیشی بیان کرده‌اند. اما با این حال، تاکنون مقاله مستقلی، به صورت جامع و کامل، به بررسی موانع برگزاری

کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها نپرداخته است و خلأ بررسی این موضوع کاملاً روشن است.

مفهوم کرسی‌های آزاداندیشی

آزاداندیشی، به بیان ساده، یعنی فکر کردن بدون قید و بند و روشی منسجم و هماهنگ برای درست اندیشیدن، بدون ترس از ساختارهای رایج. کرسی‌های آزاداندیشی، چه در حوزه و چه در دانشگاه، جایگاهی است که افراد بتوانند در یک فضای معقول در ارتباط با حوزه‌ها و موضوعات مختلف، بدون ترس و واهمه، به بحث و بررسی بنشینند و به واسطه بیان آراء برای آنها مشکلی ایجاد نشود؛ حتی قرار شده فعالان کرسی‌های آزاداندیشی مصونیت قضایی پیدا کنند (کرسی‌های آزاداندیشی مصونیت قضایی پیدا می‌کند، ۹۴/۳/۱۱).^۴

کرسی‌های آزاداندیشی را دانشجویان برای اظهار نظرهای غیرمتعارف خودشان در حضور جمع نخبه تشکیل می‌دهند و به صورت آزاد، و در عین حال عقلانی و منطقی درباره موضوعات مشخص به اظهار نظر و تبادل آراء می‌پردازند. آنجا بنا نیست که داوری بشود و امتیاز داده شود و رتبه تعیین شود، بلکه مجالی است برای ارائه آراء مخالف و مغایر و متفاوت با نظریات شایع و رایج (رشاد، ۱۳۹۰، ص ۹۰). در کرسی‌های آزاداندیشی فرد نمی‌خواهد نظریه جدید بدهد. این کرسی‌ها بیشتر مباحثه و گفتگو هستند تا نظریه پردازی؛^۵ بنابراین کرسی‌های آزاداندیشی یعنی برگزاری نشست‌های گفتگو. در این گفتگو برخی مطالب نفی و رد یا اثبات گردد و در این میان حقیقت است که خود رخ می‌نمایند (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۸/۶/۸).

در مجموع، کرسی آزاداندیشی یعنی نشستی قانونی که در آن دانشجویان، از جریان‌های مختلف، به دور از ترس، حرف و نظر خود را با رعایت منطق و اخلاق بیان کنند و منتقدان و مخالفان به گفتگو و مباحثه با هم بپردازند (بشارتی و گودرزی، ۱۳۹۳، صص ۹۲ و ۲۳۱).

اهمیت و ضرورت تشکیل کرسی‌ها

آزادی موهبتی الهی است که باعث بروز استعدادها و تکامل انسان می‌شود. بر این اساس آزاداندیشی حق هر انسان و احترام به کرامت انسانی است (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۲۲۲).

آزاداندیشی و تفکر از مختصات اساسی دین اسلام است.^۶ دلیل این مدعا آیات فراوان قرآن مجید است که با عبارات گوناگون دستور به تفکر و تعقل می‌دهد. از دیدگاه قرآن بیان واقعیات و حقایق، چه در قلمرو مادی و چه قلمرو معنوی، نه تنها آزاد، بلکه واجب است (جعفری، ۱۳۶۹، ص ۲۳۳) و اگر کسی کوتاهی کند و حق را کتمان نماید، مورد سرزنش قرار می‌گیرد (آل عمران/۷۱؛ بقره/۱۵۹). اسلام پیروان خویش را به آزاداندیشی و نداشتن جمود فکری و تعصب فرامی‌خواند (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱، صص ۱۹۴-۱۹۵) و شرط ایمان و مسلمانی را آزادی عقیده و اندیشه انسان می‌داند (انسان/۳؛ آل عمران/۶۴؛ زمر/۱۷).

ساری و جاری شدن عقلانیت و خردورزی در جامعه منوط به یک عنصر اساسی است و آن تمهید فضاها و بسترهای مناسب برای مراودات فکری و نظری است، که یکی از این راهبردها «کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی» می‌باشد (جهانبین، ۱۳۹۱-۱۳۹۲، صص ۲۸۶-۲۸۷).

غنابخشیدن به فرهنگ و هویت ملی و اسلامی و رشد و تعالی آن نیازمند ایجاد فضای آزاداندیشی، به طور عام، و تکیه بر برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی با حضور فعال اساتید، دانشجویان و دیگر نخبگان جامعه علمی کشور، به طور خاص است. یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین ارکان نظام فکری انقلاب اسلامی، دانشگاه پیشرو و تمدن‌ساز است که وظیفه‌اش تولید، تبیین، تعمیق علم، معرفت و فرهنگ اسلامی، به عنوان پایگاه معرفتی تمدن‌سازی نوین اسلامی است (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸، صص ۱۶۱ و ۱۸۶). یکی از مهم‌ترین

ابزارهای شکل‌گیری و تعمیق فرهنگ و معرفت، آزاداندیشی است.

اگر ما در انقلاب اسلامی دنبال تشکیل دانشگاه تمدن‌ساز و اسلامی هستیم، موتور محرک آن «آزاداندیشی» است (دارا و کرمی، ۱۳۹۲، ص ۹۱)؛ چرا که اگر این خصلت از آن گرفته شود، دیگر در دانشگاه از خلاقیت و نوآوری، تضارب آراء و تولید علم خبری نخواهد بود. کرسی‌های آزاداندیشی به منزله ایجاد نهادی است که در کنار نظام آموزش و یا تکمیل کاستی‌های آن، آزادی علمی را در چهارچوب گفتمان دانشگاهی تحقق می‌بخشد و دانشجویان و اساتید آزادانه دیدگاه‌ها و آراء خود را در مورد مسائل گوناگون مطرح می‌کنند (دارا و کرمی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۰). کرسی‌های آزاداندیشی با هدف تضارب آراء و تقویت و نهادینه‌سازی آزادی، اندیشه و بیان، تشویق دانشجویان به مطالعه و تفکر و رفع ابهامات و شبهات آنها و جلوگیری از مبتلاشدن محیط‌های علمی به سطحی‌نگری پدید آمد. در چنین فضایی است که دانشجویان با گفتمان‌های گوناگون و دیدگاه‌های آنها آشنا شده و پاسخ‌های مربوطه را هم دریافت می‌کنند. به عقیده رهبر معظم انقلاب علیه السلام جوان‌ها سؤال دارند. این سؤال را باید در کجا مطرح کنند؟ دانشگاه بهترین بستر برای پاسخ‌گویی به سؤال آنهاست و بهترین جا برای طرح این پرسش‌ها «کرسی‌های آزاداندیشی» است.

ضرورت دیگر برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها این است که بحث‌های مهم تخصصی درباره مسائل سیاسی، اجتماعی، فکری و مذهبی در محیطی سالم و در میان دانشگاهیان مطرح و بررسی گردد و مطالبه‌گری از عام‌ترین لایه دانشگاه شکل می‌گیرد؛ و گرنه این بحث‌ها به محیط‌های عمومی و اجتماعی نامربوط سوق می‌یابند و ضایعات بیشتری خواهند داشت (ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۶/۸).

کرسی‌های آزاداندیشی برنامه‌ای کم‌هزینه و در عین حال زودبازده است که ضمن تخلیه هیجان قشر دانشجو، بلوغ سیاسی آنان را تقویت می‌کند (رهبری و

کرسی‌های آزاداندیشی)^۷، باعث تقویت تحرک و نشاط دانشجویی می‌شود و اعتماد به نفس دانشجویان را بالا می‌برد (توانا، مصاحبه حضوری، ۹۴/۴/۱۶).

امروزه دانشجویان پویاتر و متوقع‌تر شدند و به دلیل افزایش بی‌سابقه ابزارهای ارتباطی، با انبوهی از سؤالات و شبهات روبرو هستند که باید با حضور فعال خود دانشجویان بستر و قالبی مناسب برای پاسخ‌گویی به آنها فراهم شود. بی‌شک، کرسی‌های آزاداندیشی از مهم‌ترین بسترهایی است که دانشجویان می‌توانند پاسخ بسیاری از سؤالات خود را در آنجا پیدا کنند (نصیری، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۵/۱۸).

حد و مرز کرسی‌های آزاداندیشی

شاید به نظر برسد که آزادی تنها و بزرگ‌ترین تعبیری است که وام‌دار هیچ‌گونه تقیید و تحدیدی نیست، اما با شناخت عمیق آزادی و زوایای آن باید اذعان داشت که، با وجود ظاهر فریبنده‌اش، دارای موازین خاصی است. در واقع هر نوعی از آزادی که دارای حدود و ثغور و محدوده نباشد، آزادی نبوده و کرامت انسانی نخستین قربانی آن خواهد بود (بشارتی و گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۸۵). از این رو، با تمام اهمیتی که کرسی‌های آزاداندیشی دارند، باید برای آن حد و مرزی قائل شد. هر نوع حرکتی در تمامی زمینه‌های علمی و اعتقادی، برای آن که به اهداف خود برسد، باید در چهارچوبی منظم تعریف شود و خط قرمزهایی برای آن در نظر گرفته شود. بی‌تردید عبور از این خط قرمزها و شکستن بنیان‌های اصیلی که اکثریت جامعه بر اصالت آنها تأکید و باور دارند، یک خطر بزرگ بر سر راه کرسی‌های آزاداندیشی محسوب می‌شود.

نه آنهایی که به دور آزادی اندیشه مرز قرار می‌دهند و نه آنهایی که آزادی اندیشه را در بدون حد و مرز طلب می‌کنند، نمی‌توانند به «آزاداندیشی» کمک کنند.

حد و مرز آزادی بیان در کرسی‌های آزاداندیشی منطق و اخلاق است و هر

عقیده‌ای که می‌خواهد در قالب کرسی‌های آزاداندیشی طرح شود، می‌تواند با رعایت این دو اصل بیان شود.

به فرموده مقام معظم رهبری علیه السلام کرسی‌های آزاداندیشی آداب و ترتیبی دارد که باید مسؤولان دانشگاه‌ها آنها را مدیریت کنند (در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰). ایشان شرایطی را برای این کرسی‌ها برمی‌شمارند: کرسی‌های آزاداندیشی جای گفتگوی محترمانه، عاقلانه، منصفانه و با اعتدال است (در دیدار با اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷)، نه متعصبانه و دلجویانه و تحریک‌شده به وسیله جریان‌ها و احزاب سیاسی (در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۹). ایشان می‌فرماید: «مسئله آزاداندیشی ناظر به این است که باید راه آزاداندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و برهم‌زدن بایدهای هویت ملی نینجامد» (در دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸) و معتقد است «ایجاد فضای آشفته ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند» (در دیدار با نخبگان علمی کشور، ۱۳۸۸/۸/۶).

از دیدگاه مقام معظم رهبری «آزاداندیشی در جامعه ما یک شعار مظلوم است. تا گفته می‌شود آزاداندیشی، عده‌ای خیال می‌کنند که بناست همه بنیان‌های اصیل درهم شکسته شود و آنها چون به آن بنیان‌ها دل بسته‌اند می‌ترسند. عده دیگر هم تلقی می‌کنند که با آزاداندیشی، باید این بنیان‌ها شکسته شود. هر دو گروه به آزاداندیشی - که شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است - ظلم می‌کنند» (در دیدار با اعضای انجمن اهل قلم، ۱۳۸۱/۱۱/۷).

تلقی از بودن راهی متمایز و گفتمانی جایگزین به خوبی در اندیشه رهبر معظم انقلاب نمایان است. ایشان در پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهش‌گران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی می‌نویسد: «من عمیقاً متأسفم که برخی میان مرداب «سکوت و جمود» با گرداب «هرزه‌گویی و

کفرگویی»، طریق سومی نمی‌شناسند و گمان می‌کنند که برای پرهیز از هر یک از این دو، باید به دام دیگری افتاد. حال آن که انقلاب اسلامی آمد تا هم «فرهنگ خفقان و سرجنابیدن و جمود» و هم «فرهنگ آزادی بی‌مهاری و خودخواهانه غربی» را نقد و اصلاح کند و فضایی بسازد که در آن، «آزادی بیان»، مقید به «منطق و اخلاق و حقوق معنوی و مادی دیگران» و نه به هیچ چیز دیگر، تبدیل به فرهنگ اجتماعی و حکومتی گردد و حریت و تعادل و عقلانیت و انصاف، سکه رایج شود تا همه اندیشه‌ها در همه حوزه‌ها فعال و برانگیخته گردند و «زاد و ولد فرهنگی»، که به تعبیر روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان علیهم السلام «محصول تضارب آراء و عقول» است، عادت ثانوی نخبگان و اندیشه‌وران گردد. به ویژه که فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدن‌های دیگر، شکفته است و پاسخ به شبهه نیز بدون شناخت شبهه، ناممکن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

موانع و مشکلات برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها

۱. عدم همت و انگیزه دانشجویان: این مشکل به عدم درک ضرورت دانشجویان و رویکرد انفعالی برخی مسئولان بازمی‌گردد (راغ، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۰۵/۷؛ «فرامین محقق نشده رهبری در خصوص کرسی‌های آزاداندیشی»، ۱۳۹۱/۴/۶).^۸

قدم اول برای برگزاری برنامه مهمی همچون کرسی آزاداندیشی، احساس نیاز و درک ضرورت آن است. واقعیت این است که هنوز ضرورت این مسأله برای بسیاری از دانشجویان تفهیم نشده است؛ («نیازهای برگزاری یک جلسه کرسی مطلوب از نگاه برگزارکنندگان»، ۱۳۹۲/۱/۳۱).^۹

عامل دیگری که از انگیزه دانشجویان برای ورود به کرسی‌ها کاسته است، این

می‌باشد که بیشتر دانشجویان توان و بنیه علمی لازم و مهارت وارد شدن به بحث‌های آزاد علمی را ندارند. جنس کرسی‌ها از جنس اندیشه است و فراتر از حرف زدن آزاد. باید حرف‌ها برگرفته از یک فکر و مطالعه باشد، که این مطالعه، تفکر و ذهن پویا در دانشجویان دیده نمی‌شود. فروکش کردن ذهن و اندیشه پویا در دانشجویان، شاید زنگ خطری برای جامعه ما باشد (راغ، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۵/۷).

۲. عدم وجود یک الگوی مناسب و سردرگمی فعالان تشکل‌های

دانشجویی: چه بسا نشست‌هایی که به نام کرسی برگزار می‌شود و دانشجو هم شرکت می‌کند، اما مجالی برای صحبت و ارائه نظر نمی‌یابد. واقع آن است که هنوز الگوی مطلوبی برای این امر طراحی و ارائه نشده است (بشارتی و گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۵). بر همین اساس، برخی از فعالان تشکل‌های دانشجویی، در مورد نحوه برگزاری کرسی‌ها، ابهام جدی دارند و از ناتوانی در اجرا یا خوب برگزار نشدن کرسی‌ها و معضلات پس از آن می‌هراسند. نخستین سؤالی که در ذهن آنان خودنمایی می‌کند این است که «آیا توانایی‌ها و امکانات و غنای علمی برای استفاده از فضای باز برای اظهار اندیشه و بیان سخن آزاد مهیا است؟». در صورت نبودن چنین پیش شرط‌ها و اقتضائاتی، اگر کرسی‌های آزاداندیشی بدون توجه به مقدمات و شرایط آزادی تشکیل شوند، به چه سمتی خواهند رفت؟ دانشجویان چه برداشت و استفاده‌ای از آزادی موجود در این کرسی‌ها خواهند کرد؟

۳. وجود مسائل اداری دست و پا گیر (به بیان دیگر بروکراتیک بودن

فرایند برگزاری کرسی‌ها): در بسیاری از دانشگاه‌ها، مسئولان دانشگاه با ندادن مجوز به کرسی‌ها، واگذار نکردن مکان مناسب برای اجرای کرسی‌ها، عدم موافقت با برخی موضوعات و خلاصه ایجاد بروکراسی دست و پا گیر مانع برگزاری کرسی‌ها می‌شوند. در نتیجه، همت و انگیزه مجریان در بین پیچ

و خم‌های اداری مختلف سست می‌شود.

﴿۱۴۱﴾

۴. عدم انتخاب موضوع مناسب: انتخاب موضوع کرسی‌ها دشوار است. برخی موضوعات را مسئولان دانشگاه‌ها نمی‌پذیرند. بسیاری از کرسی‌ها نیز به نشست‌هایی در مورد موضوعات سیاسی پیش و پا افتاده^۱ و مباحث تکراری و کلیشه‌ای، همچون روابط دختر و پسر، تقلیل یافته است. همچنین بسیاری از موضوعات بدون مقدمه و مؤخره به صورت تک برنامه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند و نتیجه مشخصی از مباحث گرفته نمی‌شود؛ گویا این موضوعات صرفاً برای ارائه گزارش و یا اثبات قضیه‌ای خاص طرح می‌شوند (نصیری، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۵/۱۸) در حوزه‌های فنی و مهندسی و علوم پایه و پزشکی نیز، به دلیل هویت تکنیکی رشته‌ها سردرگمی درباره انتخاب موضوع بیشتر است (بشارتی و گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۶).

۵. برخورد تشریفاتی با کرسی‌ها از طرف نهادهای مسئول: به عنوان مثال وزارت علوم در این زمینه کم‌تر با بدنه دانشجویی درگیر شده است و مسأله را صرفاً با نامه نگاری دنبال کرده است؛ درحالی که جدیت بیشتری لازم است. با آن که آئین‌نامه خاصی در مورد کرسی‌های آزاداندیشی تدوین و به دانشگاه‌ها ابلاغ گردیده، خام و آزمایش نشده است. وزارت علوم در این مورد هم بدون مشورت با دانشجویان عمل کرده است و همین باعث شده در مرحله اجرا با مشکل مواجه شود (جواد صالحی، مصاحبه حضوری، ۹۴/۴/۱۶).

۶. بی‌انگیزگی و محافظه‌کاری مسئولان دانشگاه‌ها: بی‌شک، عدم همت و توجه رؤسای دانشگاه‌ها از اصلی‌ترین دلیل عدم برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها است (صالحی، مصاحبه حضوری، ۹۴/۴/۱۶؛ راغ، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۵/۷؛ بهره‌ور، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۵/۲۱). یکی از موانع مهم در مسیر کرسی‌های آزاداندیشی تصورات اشتباهی است که

مسئولان دانشگاه‌ها نسبت به مقوله آزاداندیشی دارند. به طور معمول مسئولان دانشگاه خواستار آرام بودن فضای دانشگاه هستند و فضای انتقادی نسبت به نظام و مبانی اعتقادی را نیز تشنج و برهم خوردن نظم تلقی می‌کنند. کرسی‌ها نیز از این نگاه مصون نمانده‌اند و هر کجا که این نظم ظاهری از بین برود، مسئولان دانشگاه نه تنها در برگزاری آن همکاری نمی‌کنند، بلکه در مواردی - مانند موضوع کرسی‌ها^{۱۲}، هماهنگی مکان و ... - مانع تراشی می‌کنند (نصیری، مصاحبه غیر حضوری، ۹۴/۰۵/۱۸). بسیاری از رؤسای دانشگاه‌ها هم تحقق کرسی‌های آزاداندیشی را صرفاً در برگزاری چند جلسه، از جنس همان برنامه‌های سابق (سخنرانی و مناظره و تریبون آزاد و پرسش و پاسخ) می‌دانند. برگزاری این برنامه‌ها با نام کرسی باعث از بین رفتن بار معنایی کرسی‌های آزاداندیشی و ایجاد بی‌اعتمادی نسبت به این مفهوم در فضای عمومی دانشگاه می‌شود (خواجه سروی، برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، ۱۵ مهر ۱۳۹۲).

۷. دخالت بی‌مورد برخی نهادهای امنیتی داخل و خارج دانشگاه و ترس از بازخوردهای آنها: هر چند حفظ و حراست از مبانی نظام مقدس جمهوری اسلامی و مقابله با هر گونه عبور از خطوط قرمز عقیدتی و تشویش اذهان عمومی از وظایف خطیر نهادهای امنیتی است، اما گاه، عدم تشخیص درست این وظیفه در فضای دانشگاه باعث شده تبلیغات منفی مبنی بر عدم وجود آزادی اندیشه و بیان در مورد کرسی‌ها شکل بگیرد که در نتیجه آن، عموم دانشجویان یا در کرسی‌ها شرکت نمی‌کنند یا در فضای منطقی آزاداندیشی نیز از بیان عقاید خود خودداری می‌وزرند. به ویژه آن که، فضای دانشگاه‌ها پس از وقایع سال ۱۳۸۸ از نشاط و تحرک سیاسی و اجتماعی دور شد و بسیاری از دانشجویان منتقد و یا دگراندیش درباره حضور در کرسی‌های آزاداندیشی و بیان آزاد آراء خود واهمه دارند. این فضای بسته باعث شده

دانشجویان نتوانند حرف دلشان را بزنند و به ظاهر سکوت کرده‌اند؛ اما این حرف دل‌ها در نهایت در اینترنت و فضاهای مجازی و تشکلهای سیاسی انحرافی سر باز می‌کند.

۸. نبودن متولی دانشجویی و اتاق فکر جدی برای مدیریت و راه‌اندازی کرسی‌ها: متولی این امر به طور روشن مشخص نیست؛ چرا کرسی‌ها برگزار نمی‌شود؟ اگر در دانشگاهی برگزار نشد چه کسی مقصر است؟ پاسخ‌گو وجود ندارد. نبودن متولی مشخص و اتاق فکر موجب شده اکثر دانشگاه‌ها یا در مورد نحوه ورود به کرسی‌ها، مانند شیوه‌های برگزاری، یا موضوعات قابل استفاده با یک سردرگمی روبرو شوند و یا از برگزاری آن طفره روند.

۹. عدم تبلیغات رسانه‌ای: یکی از عوامل گسترش و ترویج کرسی‌ها تبلیغ مناسب و پوشش خبری آن، چه در فضای دانشگاه و چه در فضای مجازی و رسانه‌ای کشور است که این مهم مستلزم مستندسازی جلسات به صورت چندرسانه‌ای می‌باشد. متأسفانه دانشجویان در این امر خوب عمل نمی‌کنند و چه بسا برنامه‌های خوبی که برگزار می‌شود، اما به دلیل بی‌توجهی رسانه‌ای و عدم مستندسازی و نشر آن، به پیشرفت کرسی‌ها و انتقال تجارب و فضاسازی، کمک نمی‌کند (بشارتی و گودرزی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۸). حجت‌الاسلام دکتر عبدالحسین خسروپناه، رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، با گلایه از عدم بازتاب رسانه‌ای کرسی‌های آزاداندیشی می‌گوید: به همین خاطر گاه احساس می‌شود هیچ اتفاقی نیفتاده و کرسی آزاداندیشی بازتابی نداشته است («موانع کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه»^{۱۲}).

۱۰. همه مراکز و مؤسسات آموزش عالی برای برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی شرایط یکسانی ندارند. با نگاهی به کارنامه برگزاری کرسی‌ها متوجه می‌شویم که بیش‌ترین کرسی‌ها در دانشگاه‌های معروف تهران و دانشگاه دولتی شهرهای بزرگ برگزار شده است^{۱۳} و تنوع کرسی‌ها در این دانشگاه‌ها

داغ است، درحالی که در دانشگاه‌های شهرهای کوچک خبری از این برنامه نیست. همچنین، در دانشگاه‌های خاصی مانند دانشگاه فرهنگیان، هم مسئولان^{۱۴} و هم دانشجویان، به دلیل اعتبار شغلی‌شان، کم‌تر در این حوزه فعال هستند. در دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز استقبال از این برنامه بسیار کم است.

راهکارهای تحقق کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها

۱. این کار نوعی کار فرهنگی است و باید با حمایت همه جانبه، آن را به یک دغدغه فرهنگی و گفتمان در دانشگاه‌ها تبدیل کرد. به اشاره رهبر معظم انقلاب^{۱۵} جوانان باید با فکر کردن، نوشتن و انعکاس ایده‌های خود در کرسی‌های آزاداندیشی فضای گفتمانی به وجود آورند (در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳/۷/۱۳۹۰). راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی، در فضای گفتمان دانشگاهی بسیار مهم است و دانشگاه اسلامی را حرکت آفرین می‌کند.

۲. باید اصل آزاداندیشی را به دانشجویان آموزش داد، قوانین و چهارچوب‌ها، راه و روش آن را یاد داد. این روحیه در دانشجویان کم است. ابتدا باید روحیه آزاداندیشی را در دانشجویان تقویت کرد تا خودشان برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی را مطالبه کنند. البته بسترسازی برای فضای آزاداندیشی زمان‌بر است و باید حوصله کرد.

۳. مسئولان باید این ضرورت و دغدغه را باور کنند و نگاه کلیشه‌ای به آن نداشته باشند. از برگزاری صوری برنامه و ارائه آمارهای غیرحقیقی پرهیزند. مسئولان دانشگاه‌ها باید توجه شوند که شاید برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی سکون و نظم ظاهری دانشگاه را با چالش مواجه کند، اما اگر دانشجویان در یک محیط علمی، ولو متشنج، پاسخ سؤالات خود را دریافت کنند، هیچ‌گاه برخی از آنان در اتفاقات تلخی مانند فتنه ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸

ناخواسته و یا با توطئه دشمنان در برابر نظام صف آرای نمی کنند.

۴. نهادهای دولتی و امنیتی باید در نقش حامی و ناظر باشند، آن هم در چهارچوب‌های تضمین شده. مسئولان آموزش عالی و امنیتی کشور باید تصمیم جدی و راهبرد امنیتی مناسبی در مواجهه با این مطالبه مقام معظم رهبری علیه السلام اتخاذ کنند. باید در فضای دانشگاهی شنیدن حرف‌های مخالف تقویت شود و فوراً به مخالفین برجسب‌های سیاسی زده نشود.

۵. کرسی‌های آزاداندیشی باید با وجهه‌ای علمی و محققانه برگزار شوند و نه صرفاً برای ارائه گزارش یا نمایشی از شعار آزادی در مؤسسات آموزش عالی.

۶. موضوع کرسی‌ها باید دقیق و حساب شده باشد. برای آن که بتوان عموم دانشجویان را به کرسی‌ها جذب کرد، باید دغدغه‌های دانشجو را مورد بحث قرار داد، اما باید توجه نمود که پردازش این موضوعات باید عمیق باشد و نه سطحی و بی‌محتوا. عنوان‌ها باید ظریف و جذاب و برای همه سطوح قابل فهم شود تا استقبال بیشتر باشد (صالحی، مصاحبه حضوری، ۹۴/۰۴/۱۶).

۷. متولی برنامه مشخص شود. مرکزی برای کنترل، مدیریت، ارزشیابی و اطلاع‌رسانی پیوسته و دقیق کرسی‌ها راه‌اندازی شود. البته باید توجه داشت در خود دانشگاه‌ها کانونی از دانشجویان، از همه طیف‌ها، متولی امر باشند، که دولتی و مربوط به تشکل خاصی نباشد. همچنین نیروها و مجریان باید دانشجو باشند و مدیریت آن هم طبق فرمایش رهبری با دانشجویان باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸).

۸. دانشگاه‌های پیشرو معرفی، تشویق و حمایت شوند تا الگویی برای بقیه باشند؛ به ویژه دانشگاه‌هایی که اصول کرسی‌ها را نیز رعایت کرده‌اند.

۹. تقویت پایگاه جامع و تخصصی کرسی‌های آزاداندیشی در اینترنت و فضای مجازی، با تمرکز بر اطلاع‌رسانی کامل چیستی، چرایی و چگونگی برگزاری کرسی‌ها، اشتراک‌گذاری و تبادل تجربه‌های دانشگاه‌ها و امکان ارتباط

مجازی مسئولان و دست‌اندرکاران فعال این حوزه.

نتیجه‌گیری

کرسی‌های آزاداندیشی یکی از مهم‌ترین مطالبات مقام معظم رهبری علیه‌السلام است که مورد غفلت و بی‌توجهی مسئولان مؤسسات آموزش عالی کشور و نهادهای فعال دانشجویی قرار گرفته است. برای راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی باید موانع را برطرف، و بسترهای آن را فراهم کرد. این مطالبه و دغدغه، نه در شعار، که در عمل، باید محقق شود.

بی‌انگیزگی و سردرگمی دانشجویان، بی‌توجهی مسئولان مراکز آموزش عالی، محافظه‌کاری رؤسای دانشگاه‌ها، ترس فعالین دانشجویی از برگزاری برنامه، نداشتن موضوع مناسب و انتخاب موضوعات تکراری و کلیشه‌ای و برگزاری همان برنامه‌های سابق همچون سخنرانی، مناظره، تربیون آزاد و پرسش و پاسخ با نام کرسی، برخورد تشریفاتی و یا منفعلانه نهادهای مسئول، وجود مسائل اداری دست و پا گیر و نبودن متولی دانشجویی مشخص از مهم‌ترین موانع برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی به شمار می‌روند.

تبدیل این موضوع به دغدغه فراگیر فرهنگی در مؤسسات آموزش عالی و گفتمان‌سازی آن، توجه جدی مسئولان، به ویژه رؤسای دانشگاه‌ها، برگزاری دقیق و اصولی برنامه، انتخاب موضوع جذاب، مناسب و قابل فهم برای همه سطوح، مشخص شدن متولی برنامه در مراکز آموزش عالی و تقویت پایگاه جامع کرسی‌ها، از مهم‌ترین راه‌کارهای تقویت کرسی‌های آزاداندیشی و تحقق این مطالبه جدی مقام معظم رهبری می‌باشد. هر چند به نظر می‌رسد برخی زیرساخت‌های کرسی‌های آزاداندیشی انجام شده و ضرورت آن تا حد بسیاری برای دانشجویان و مسئولان مؤسسات آموزش عالی اثبات گردیده و با رفع موانع، چشم‌انداز خوبی قابل ترسیم است.

1. Libertyanxiety
2. <http://www.yjc.ir/fa/news/4002095>
۳. به گزارش معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم (دکتر سید ضیاء هاشمی) در سال ۱۳۹۳، ۳۱۲ کرسی در دانشگاه‌ها برگزار شده است. طبق آمار وزارت علوم حدود ۳ هزار دانشگاه و مرکز آموزش عالی در کشور داریم. یعنی در هر ده دانشگاه یک کرسی برگزار شده است («کرسی‌های آزاداندیشی مصونیت قضایی پیدا می‌کنند»، <http://isna.ir/fa/news/6872>، ۹۴/۰۳/۱۱).
4. <http://isna.ir/fa/news/6872>
۵. کرسی‌های آزاداندیشی چیزی غیر از کرسی‌های نظریه‌پردازی است. در کرسی‌های نظریه‌پردازی، یک صاحب نظریه می‌خواهد حرف جدیدی بزند و گاهی را باز کند، و به تعبیری علم را یک قدم جلو ببرد؛ یعنی ادعایش این است، ولی ممکن است این ادعا در جمع کمیته داوران رد شود.
۶. آیاتی مانند «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره/۲۵۶)، «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ، إِنَّا شَاكِرٌ وَإِنَّا كَفُورٌ» (انسان/۳) و «قُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَن شَاءَ فَلْيُكْفِرْ» (کهف/۲۹) بهترین مستندات برای نظر اسلام درباره آزاداندیشی است.
7. <http://www.siasi.porsemani.ir>
8. <http://www.yjc.ir/fa/news/4002095>
9. <http://www.jadnews.ir/2360>
۱۰. به اذعان مسئولان وزارت علوم، (دکتر غلامرضا خواجه سروی، معاون فرهنگی وزیر علوم در سال ۱۳۹۲) بیشترین موضوع در کرسی‌های آزاداندیشی تا سال ۱۳۹۲ مباحث سیاسی بوده است، که برخی از آن‌ها صرفاً نشست‌های سیاسی محافظه‌کارانه بوده است (غلامرضا خواجه سروی، برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، ۱۵ مهر ۱۳۹۲). عده‌ای گمان می‌کنند کرسی‌های آزاداندیشی جایگاهی مناسب برای نقد نظام و دعوای سیاسی است؛ چرا که در آنجا می‌شود از خطوط قرمز سیاسی به سرعت عبور کرد.
۱۱. به گفته جواد صالحی، مسئول پیگیری برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌های استان قم، پس از برنامه اسیدپاشی اصفهان در سال ۱۳۹۳، یک کرسی با موضوع امر به معروف و اسیدپاشی در یک دانشگاه برگزار شد، ولی کرسی مرتبط با همین موضوع در دانشگاه آزاد اسلامی یک ربع پیش از اجرای آن لغو شد.
12. <http://www.bultannnews.com/fa/news/>
۱۳. البته در همه شهرها این گونه نیست. به اشاره مسئولان بسیج دانشجویی استان قم، در دانشگاه قم، که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دانشگاه استان می‌باشد، تا به حال هیچ کرسی آزاداندیشی برگزار نشده است! (صالحی، مصاحبه حضوری، ۹۴/۰۴/۱۶).
۱۴. در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۹۴ یکی از نگارندگان مقاله برای مصاحبه سراغ مسئولان دانشگاه فرهنگیان استان قم رفت، ولی مسئولان این دانشگاه سراسیمه از هر گونه همکاری طفره رفتند. گویا چیزی به نام کرسی آزاداندیشی در این دانشگاه تعریف نشده و تا به حال هیچ

کرسی خاصی در این دانشگاه اجرا نشده است.

منابع و مأخذ

• قرآن مجید.

۱. بشارتی، محمد رضا و گودرزی، غلامرضا (۱۳۹۳)، *آزاداندیشی در نگاه مقام معظم رهبری*، تهران، سخنوران.
۲. بهره‌ور، محمد حسین (۱۳۹۴)، *مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی قم*، مصاحبه غیر حضوری ۱۳۹۴/۵/۲۱.
۳. توانا، محمد، (۱۳۹۴)، *رئیس بسیج دانشجویی استان قم*، مصاحبه حضوری، ۱۳۹۴/۰۴/۱۶.
۴. جعفری، محمدتقی (۱۳۶۹)، *حکمت اصول سیاسی اسلام؛ ترجمه و تفسیر فرمان مبارک علی علیه السلام به مالک اشتر*، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۵. جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۱-۱۳۹۲)، «آزاداندیشی؛ پیشران تحقق اهداف انقلاب اسلامی»، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، قم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی صدرا، ش ۴ و ۵، زمستان ۹۱ و بهار ۹۲.
۶. خرمشاد، محمد باقر و آدمی، علی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۸.
۷. خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «آخرین وضعیت کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها به کجا رسید؟»، برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه ۲ سیما، ۱۵ مهر ۱۳۹۲.
۸. دارا، جلیل و کرمی، مصطفی (۱۳۹۲)، «آزاداندیشی در گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، بهار ۱۳۹۲.
۹. راغ، جلال (۱۳۹۴)، *مسئول سابق برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بسیج دانشجویی کشور*، مصاحبه غیر حضوری ۱۳۹۴/۵/۷.
۱۰. «رهبری و کرسی‌های آزاداندیشی»، <http://www.siasi.porsemani.ir>.
۱۱. صالحی، جواد (۱۳۹۴)، *مسئول برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی بسیج دانشجویی استان قم*، مصاحبه حضوری، ۱۳۹۴/۴/۱۶.
۱۲. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱)، *تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۳. رشاد، علی اکبر (۱۳۹۰)، «کرسی‌های آزاداندیشی و تفاوت آن با کرسی‌های نظریه‌پردازی»، ماهنامه معارف، قم، نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، شماره ۸۹، دی و بهمن.
۱۴. «فرامین محقق‌نشده رهبری در خصوص کرسی‌های آزاداندیشی»، ۱۳۹۱/۰۴/۰۶ <http://www.yjc.ir/fa/news/4002095>

۱۵. «کرسی‌های آزاداندیشی مصونیت قضایی پیدا می‌کنند»، ۱۳۹۴/۰۳/۱۱، <http://isna.ir/fa/news/6872>
۱۶. مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی (۱۳۸۴)، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۱۷. «موانع کرسی‌های آزاداندیشی در حوزه‌های علمیه»، پایگاه خبری بولتن نیوز، <http://www.bulttannews.com/fa/news/63844>
۱۸. «نیازهای برگزاری یک جلسه کرسی مطلوب از نگاه برگزارکنندگان»، ۱۳۹۲/۰۱/۳۱، <http://www.jadnews.ir/2360>
۱۹. نرم‌افزار حدیث ولایت (سخنرانی‌های مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای).
۲۰. نصیری، سید امیر (۱۳۹۴)، مسؤول سابق سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی قم، مصاحبه غیر حضوری ۱۳۹۴/۵/۱۸.

مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن و سنت*

□ مسعود اخگر^۱

□ معصومه خلیلی^۲

چکیده

هدف این نوشتار، بازشناسی و بررسی مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن کریم و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) بوده است. در این راستا با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و با روش کتابخانه‌ای و اسنادی، به اجمال پس از بازبینی منابع، مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) توصیف و احصاء شده است. مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری به شرح زیر است. بعد شناختی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن‌دوستی، نوع‌دوستی، مسئولیت‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی می‌باشد، که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تربیت شهروندی، بعد شناختی، بعد عاطفی، بعد رفتاری.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰.

۱. akhgar.isf@gmail.com

۱. کارشناس پیوسته رسته علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان اصفهان

۲. tch1700@isfedu.ir

۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان

تربیت شهروندی^۱ مقوله‌ای است که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از مجامع علمی و پژوهشی در جهان قرار گرفته است و به یکی از پربارترین عرصه‌های پژوهشی در نظام‌های تعلیم و تربیت تبدیل شده است (یارمحمدیان و دیگران، ۱۳۸۷). مهم‌ترین دغدغه عصر حاضر، مسأله آموزش و تربیت شهروندانی مؤثر و فعال در عرصه‌های مختلف زندگی است و با توجه به این که مفهوم و ماهیت شهروندی دارای ابعاد متفاوت است، نهادهای متعددی در تلاشند تا در تربیت شهروند مورد نیاز خود، به ایفای نقش بپردازند. هر چند به نظر می‌رسد که دو نهاد خانواده و آموزش و پرورش با بهره‌گیری از تمام امکانات و پتانسیل‌های خود در صدد تحقق بخشیدن به آرمان تربیت شهروند مطلوب هستند. بی‌گمان انجام اقدامات مؤثر در یک حوزه تربیتی نیازمند داشتن اطلاعات و دانش گسترده در آن حوزه است، که به طور معمول از طریق پژوهش‌های بنیادی و کاربردی می‌توان به بسط دانش در آن حوزه اقدام نمود. تربیت شهروندی را می‌توان شبکه‌ای از فرایندهای به هم مرتبط دانست که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به پرورش اعضای جامعه می‌پردازد و هدف این تربیت، حفظ روحیه مردم‌سالاری است (علم‌الهدی، ۱۳۷۹). طی سال‌های اخیر، نظام‌های آموزشی در گوشه و کنار جهان، توجه زیادی به آموزش شهروندی نشان داده‌اند و اقدامات اصلاحی زیادی را در این باب انجام داده‌اند. این اقدامات شامل ارائه موضوعات درسی جدید، از جمله آموزش مدنی، آموزش دموکراتیک، آموزش ملی و آموزش سیاسی، همچنین انجام اصلاحات در برنامه‌های درسی موجود می‌باشد (جانسون و موریس^۲، ۲۰۱۰). تعلیم و تربیت شهروندی مفهومی چالش برانگیز است که با ایدئولوژی‌های مختلف و انتظارات تجویزی همراه است. لذا، با اصطلاح‌های دیگر مانند تربیت سیاسی، تربیت اخلاقی و تعلیم و تربیت مدنی، تعلیم و تربیت ملی گرایانه، تربیت اجتماعی و سواد سیاسی به کاربرده می‌شود

(ژیرو، ۳، ۱۹۸۳). تربیت شهروندی نگاه ویژه‌ای به یادگیری دانش، توانایی و نگرش‌هایی دارد که فرد را در تعامل مؤثر و مطلوب با افراد دیگر و دولت یاری می‌رساند (قلتاش و دیگران ۱۳۸۹). در حوزه نظری پیرامون مؤلفه‌های تربیت شهروندی، عناصر تربیت شهروندی، ویژگی‌های شهروند خوب برای یک جامعه توافق چندانی بین متخصصان وجود ندارد. اگرچه تحقیقات انجام گرفته در سایر کشورها به خصوص کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، انگلیس، کانادا به رفع ابهام‌ها در این حوزه کمک نموده است، اما از آنجا که تربیت شهروندی با ایده‌آل‌ها و جهان‌بینی ملت‌ها آمیخته است، بحث و بررسی آن، به ویژه در کشور ما یک ضرورت به نظر می‌رسد (قلتاش، ۱۳۸۸). با جدی شدن روند جهانی شدن در دو دهه اخیر، مسأله شهروندی به مهم‌ترین مسأله اجتماعی معاصر تبدیل شده است. اساس جامعه مدنی بر محور نهادهای اجتماعی نظام شهروندی شکل گرفته است. از این رو شالوده اصلی جامعه مدنی به مثابه نظام سیاسی و اجتماعی را نهادهای شهروندی مثل نهاد قانون‌گذاری، نظام حاکمیت سیاسی مردم بر مردم در قالب نظام‌های دموکراسی می‌سازد و زندگی در جامعه مدنی نیز مستلزم یادگیری و آموختن اخلاق مدنی و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی است، تا ضمن تأمین نیازهای مختلف افراد به گونه‌ای پایدار، روابط اجتماعی پایدار را نیز موجب شود (تویاس، ۴، ۱۹۹۷). اما مفهوم شهروندی تا حد زیادی به شرایط کشور خاص و جامعه ویژه وابسته می‌باشد و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه خود را می‌طلبد. جامعه مدنی و مبتنی بر شهروندی ملی برای یک کشور به معنای استقلال اقتصادی، برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است. البته با کمی اغماض و نادیده گرفتن تمایزات در یک برداشت عمومی می‌توان گفت؛ شهروندی مقوله‌ای است مرتبط با نحوه عملکرد افراد به گونه‌ای که آنها قادر باشند در جامعه‌ای مردم‌سالار، محیط خود و محیط اجتماعی افراد دیگر را به شیوه‌ای مثبت و برجسته متأثر سازند (فاربز،

(۲۰۰۷). در واقع تربیت شهروندی تدارک فرصت‌های کسب دانش و آگاهی، اتخاذ نگرش و تقویت توان‌مندی‌هایی است که فرد را در تعامل مؤثر با دیگر افراد جامعه در جهت مشارکت در زندگی سیاسی و اجتماعی یاری می‌رساند (یارمحمدیان و دیگران، ۲۰۰۸). همچنین تربیت شهروندی یک مفهوم متکثر و چندوجهی است که ابعاد مختلفی همچون مسئولیت‌پذیری، وحدت، تفاهم ملی، بردباری، قانون‌گرایی، درک و فهم اجتماعی، مشارکت سیاسی و اجتماعی، صلح‌جویی، وفاق و همدلی، درک و فهم سیاسی، مهارت زندگی و برابری و تنوع را شامل می‌شود (فتحی واجارگاه و دیگران، ۱۳۸۸). تربیت شهروندی را می‌توان آماده کردن جوانان برای حیات سیاسی و همچنین تربیت افراد جامعه دانست، به نحوی که بتواند در شکل‌گیری یا برقراری توازن میان اقتدار و مسئولیت دولت‌ها در جامعه نقش بازی کند (باقری، ۱۳۷۹). شهروندی زائیده زیستن در دنیای معاصر است. شهروندی با تأکیدی تازه در تلاش است با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء جامعه را هموار سازد. شهروندی، طرح سؤالاتی است در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌ها، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (کمبس^۶، ۲۰۰۱). شهروند با حقوق انسانی در زندگی اجتماعی پیوند خورده است (پارکر^۷، ۲۰۰۰). شهروندی وظایف و مسئولیت‌ها را در بین افراد جامعه توزیع می‌کند و در نهایت امکان مشارکت افراد در فعل و انفعالات اجتماعی را فراهم می‌سازد (مک‌دونالد^۸، ۱۹۹۹). صاحب‌نظران با توجه به نوع نگاه خود مؤلفه‌های مختلفی را برای شهروندی در نظر می‌گیرند.

مینکلر^۹ (۱۹۹۸): احساس تعهد، احساس برابری، کنجکاو و ترقی‌طلبی، اطاعت از قانون، توجه به نفع عمومی، مشارکت را از جمله مؤلفه‌های اساسی شهروندی می‌داند؛

توماس اس دی^{۱۰} (۲۰۰۴): مشارکت، تعاون، همکاری و دانایی محوری؛
 لیو^{۱۱} (۲۰۰۴): آراستگی شخصی، دانش محوری محلی - ملی و جهانی،
 سخت کوشی، وطن دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت؛
 فالکس^{۱۲} (۲۰۰۱): مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگر، احترام
 به اصول اخلاقی؛

سامرز^{۱۳} (۲۰۰۰): تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه های
 سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش های دیگران، رفتار
 متعهدانه را مد نظر قرار می دهند.

اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه های مخالف،
 قانون گرایی و قانون پذیری، احساس خود ارزش مندی، عزت و اعتماد به نفس،
 تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت
 روحیه پرسش گری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسائل
 مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه از جمله ویژگی هایی
 است که مفهوم شهروندی بر آنها مبتنی هستند (مهرمحمدی، ۱۳۸۸). با توجه به
 اهمیت شهروندی در دوران معاصر، متفکران متعددی به بحث و بررسی پیرامون
 مفهوم شهروندی پرداخته اند. شهروندی، عبارت است از، روش زیستن در یک
 شهر بر طبق اصول و قواعد و قوانین خاص. شهروندی این ضرورت را ایجاب
 کرده است که باید با دید دیگری به انسان، جامعه و جهان نگرست و جهت
 تبدیل دارایی های انسانی به سرمایه، مداخله های اصولی نمود و دگرگونی هایی
 در اندیشه و باور شهروندان ایجاد نمود. در جهان امروز آموزش مهارت های
 زندگی اجتماعی، آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی، تربیت شهروند برای
 زندگی در جامعه جهانی از جمله نیازهای آموزشی است که توجه ویژه ای را
 می طلبد (شاه طالبی و دیگران، ۲۰۱۲). امروزه متولیان تعلیم و تربیت جوامع
 بر آنند تا از طریق تربیت شهروندی، دانش و مهارت ایفای نقش مؤثر در جامعه

محلی، ملی و حتی جهانی را به دانش‌آموزان بیاموزند تا آنها ضمن اطلاع از حقوق متقابل خود و جامعه، شهروندانی مسئولیت‌پذیر و متفکر باشند (لاوتون، کی رنز و گاردنر^{۱۴}، ۲۰۰۰). شهروندی طرح سؤالاتی در ارتباط با ماهیت جامعه، عدالت، مراقبت، مسئولیت، دولت، آزادی، تعاملات اجتماعی، احترام و به ویژه ارزش‌هاست، که علاوه بر نوع ارتباط هر فرد با چنین موضوعاتی، نوع واکنش افراد را نیز شامل می‌شود (کمبس، ۲۰۰۱). اما تربیت مدنی اسلامی، تربیتی است که در راستای رسیدن به سعادت و کمال مادی و معنوی و تحقق جامعه توحیدی، به پرورش افراد جامعه می‌پردازد. نگاهی گذرا به فرهنگ غنی اسلام نشان می‌دهد که جوامع اسلامی از حیث نظری و عملی، قابلیت ایجاد جامعه مدنی مبتنی بر تعالیم تربیتی اسلامی را دارد. دین اسلام به ابعاد مختلف حیات اجتماعی و روابط انسان‌ها توجه فراوان داشته، آموزه‌های متعددی برای بهبود الگوی زندگی در جامعه اسلامی ارائه کرده است. با نگاهی اجمالی به ساختار تعلیم و تربیت کشور می‌توان گفت، در جامعه ایران، به طور اعم، و در نظام تعلیم و تربیت به طور اخص، آن طور که شایسته است مبحث تربیت شهروندی با رویکرد اسلامی، از دید متولیان تعلیم و تربیت مورد توجه قرار نگرفته است. در برهه حساس کنونی، که تعالیم اسلامی مبنای فکری، مدیریتی و تربیتی جامعه ایران را تشکیل می‌دهد، زمان آن فرارسیده که آموزه‌های اسلامی نقش پررنگ‌تری در مبنای تربیت اجتماعی جامعه، به ویژه زیرشاخه‌های مهم آن، یعنی تربیت شهروندی داشته باشند. شایسته است که متولیان امر تعلیم و تربیت، با بررسی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی بر پایه آموزه‌های اسلامی به تربیت افراد متناسب با این نوع جامعه بپردازند. همان طور که گفته شد در راستای تربیت شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی، تحقیقات جامع و زیادی صورت نگرفته است، اما در زمینه ویژگی‌ها و خصیصه‌های مورد نیاز شهروند مطالعات متعددی انجام شده است. سیرز و وون^{۱۵}، (۲۰۰۵)، در پژوهشی ویژگی‌های ذیل

را برای شهروند مطلوب خاطر نشان کرده‌اند:

۱. توانایی مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوت‌ها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن داده‌ها و بیان ایده‌ها؛
۲. اطمینان و جرأت برای فراکشی عمل کردن، داشتن باورهای مستقل، مسئولیت‌پذیری و استقلال؛
۳. دانش دربارهٔ چگونگی سازمان یافتن جامعه، شیوهٔ عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از باورها و دیدگاه‌های اساسی احزاب سیاسی عمدهٔ کشور و ایدئولوژی و فلسفهٔ سیاسی.

در بررسی تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا، که یکی از رویکردهای تربیت شهروندی است به این نتیجه رسیدند که در این زمینه توجه کافی و شایسته به مؤلفه‌های تربیت شهروند، که باید توسط معلمان و محتوای آموزشی ارائه شود، نشده است. در پژوهشی دیگر، عیوضی و دیگران (۱۳۸۷)، رؤوس محتوای برنامهٔ درسی تربیت شهروند بومی در عصر جهانی شدن، از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که از دید اعضای هیأت علمی، عمده‌ترین مشخصه‌های عصر جهانی شدن عبارتند از تخریب هویت ملی شهروند بومی، به مخاطره افتادن هویت ملی، ارزش‌های دینی، شیوع آموزش‌های غیربومی، تهدید هنجارها و باورهای بومی، فقدان نظام ثابت اقتصادی، استیلای هویت اجتماعی بین‌المللی و...، که در برنامهٔ درسی آموزش عالی به گونهٔ اساسی به آنها پرداخته نشده است. در پژوهشی دیگر، ولی‌پور (۱۳۸۶) میزان دانش و مهارت شهروندی را در دانشجویان مورد مطالعه قرار داده است. نتایج این پژوهش بیان‌گر آن است که میانگین دانش و مهارت شهروندی دانشجویان، پایین‌تر از حد متوسط است. از سوی دیگر، نظرات اساتید در این پژوهش، بیان‌گر آن است که آموزش عالی در پرورش ابعاد تربیت شهروندی چندان موفق نبوده است. در پژوهش آشتیانی و دیگران (۱۳۸۵)، که با

هدف ارزیابی و اولویت‌بندی مهارت‌های شهروندی مورد نیاز برای تدریس آنها در مقطع دبستان انجام پذیرفت، به ترتیب، متغیرهای مردم‌سالاری، مشارکت سیاسی، انجمن‌های محلی، هنجارهای اجتماعی و مؤلفه‌های اقتصادی، بیشترین حد امتیاز را به خود اختصاص دادند که پیشنهاد شده تا طراحی برنامه درسی بیش از همه بر این اولویت‌ها متمرکز شود. با توجه به تحقیقات پیش‌گفته، که مؤید تلاش محققان در زمینه تربیت شهروندی است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته در حیطه تربیت شهروندی به آموزه‌های اسلامی توجه نداشته و فقط در برخی از تحقیقات، بررسی‌هایی به صورت اجمالی بر روی مبانی تربیت شهروندی انجام شده است. از این رو با توجه به اهمیت مسأله و لزوم توجه به تربیت شهروندان با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، هدف از این مطالعه، معرفی تعدادی از مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، تا با دستیابی به نتایج تحقیق، بتوان گام کوچکی در نهادینه کردن تربیت شهروندان با توجه به آموزه‌های اسلامی برداشت.

با توجه به هدف پژوهش، پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته است و به اجمال پس از بازبینی منابع و تطبیق مؤلفه‌های حاصل با آیات قرآن کریم و احادیث مربوطه، مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام توصیف و احصاء گردیده است. مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام و در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم‌بندی شده است. حوزه شناختی دانش و معلومات و توانایی‌ها و مهارت‌های ذهنی را دربرمی‌گیرد که اهداف آن به جریان‌هایی که با فعالیت‌های ذهنی و فکری سر و کار دارند مربوط می‌شوند (سیف، ۱۳۹۲). حوزه عاطفی شامل اهدافی است که تغییرات حاصل در علاقه‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و نیز ارج‌شناسی و سازگاری را نشان می‌دهد (بلوم، ۱۳۹۲). حوزه روانی حرکتی

(رفتاری) عناصری از حوزه‌های شناختی و عاطفی را در خود دارند و قابل تفکیک از همدیگر نیستند، بدان معنا که مهارت و انجام رفتاری، مستلزم درک، شناخت و عاطفه نسبت به آن است (سیف، ۱۳۹۲). حال در این مطالعه بعد شناختی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسئولیت پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت داری، احترام و حفظ کرامت انسانی می‌باشد که در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است.

سؤالات پژوهش

۱. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد شناختی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
 ۲. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد عاطفی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
 ۳. مؤلفه‌های تربیت شهروندی در بعد رفتاری از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام چه مواردی است؟
- مؤلفه‌های تربیت شهروندی به دست آمده از مبانی ارزشی تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان با توجه به مفهوم مدنی جامعه اسلامی، حول چند بعد اساسی به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار داد. لذا مؤلفه‌های ارزشی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، صرفاً در راستای مفهوم تربیت شهروندی می‌باشند، هر چند برخی از این محورها می‌توانند در برگیرنده سایر ابعاد تعلیم و تربیت اسلامی نیز باشند.

یافته‌ها

۱. بعد شناختی

مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) در بعد شناختی شامل دانایی محوری، احساس برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت می‌باشد.

۱-۱. دانایی محوری

دانایی محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه متشکله شهروندی، گام اول مشارکت فعال، مسئولیت‌پذیری و غیره به شمار می‌رود. یکی از گرایش‌های فطری انسان حقیقت‌جویی است و یکی از توانایی‌های انسان قدرت شناخت واقعیات است. شناخت خود و جهان پیرامون یا به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی از ویژگی‌های انسان است.

در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) در فضیلت علم و علم‌آموزی سخنانی وجود دارد که در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران/۱۸)؛ خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز شهادت می‌دهند. رسیدن به مرتبه درک توحید پروردگار و شهادت به آن، برای صاحبان علم امکان‌پذیر است و این در فضیلت و ضرورت علم به تنهایی کافی است. چون علم چنین ثمره دل‌پذیری دارد. خداوند فرموده است: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله/۱۱)؛ خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می‌فرماید. خداوند در مواضع فراوانی برتری عالم را نمایان ساخته است و در آیاتی به این برتری تصریح نموده است: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۹)؛ بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ قرآن به علم‌آموزی تشویق و بلکه امر

می‌کند: ﴿فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳)؛ پس اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید. از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده است که: خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف‌نگر در دین می‌سازد؛ (فیض کاشانی، ۱۴۲۶ق). همچنین از ایشان نقل شده است: عالم هفتاد درجه از عابد برتر است (همان) و نیز فرموده‌اند: کسی که دوست دارد به آزادشدگان از آتش نگاه کند، باید به دانش‌آموزان نظر نماید. قسم به کسی که جانم به دست او است، هیچ دانشجویی که در مسیر علم رفت و آمد می‌کند نیست، مگر آن که خداوند برای هر قدمش عبادت یکسال را می‌نویسد و برایش با هر قدمی که برمی‌دارد شهری در بهشت می‌سازد و در حالی که بر زمین گام می‌زند زمین برایش آمرزش می‌طلبد و او در حالی که بخشوده است صبح و شام می‌کند و فرشتگان گواهی می‌دهند که دانش‌طلبان، آزادشدگان خدا از آتشند.

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾ (آل عمران/۱۸). علم ارزش والایی دارد و رستگاری انسان به آن وابسته است.

۱-۲. احساس برابری

اصل مساوات و برابری نخستین پایه نظام اجتماعی اسلام است. ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (نساء/۱). انسان به مثابه بذر و نهال است (نه ماده خام) و نسبت به شکل‌ها و حرکت‌ها و جهت‌ها و عوامل گوناگون یکسان نیست. حرکت او به سمت کمال است و این جوشش و خیزش، ریشه در فطرت او دارد و این خصلت به طور همگانی در عموم انسان‌ها دیده می‌شود. ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾ (انشقاق/۹)، ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (ص/۷۲). انسان‌ها شخصیت و وجدان فطری را قبل از آن که شخصیت و وجدان اکتسابی را به دست آورند از پیش داشته‌اند و همه انسان‌ها در این خصیصه مشترکند. تفاوت بینش‌ها و اختلاف عقیده‌ها، گرچه در

میان انسان‌ها فاصله انداخته است و از این رهگذر گروه‌بندی‌های زیادی دامن‌گیر انسان گشته است، ولی این گونه فاصله‌ها، حتی مرز حق و باطل نیز هرگز انسان‌ها را از طبیعت همگون انسانی خارج نساخته است. «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا» (یونس/۱۹)؛ هیچ گونه تفاوتی جز تقوی نمی‌تواند معیار تبعیض و نابرابری تلقی گردد و نابرابری و تمایز براساس تقوا نیز معیاری در تقسیم وظایف و وسیله‌ای برای نیل به اهداف عالیّه انسانی است، نه عامل تبعیض در برابر قانون. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ أَنْ رَبِّكُمْ وَاحِدٌ وَأَنْ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كَلَّكُمْ لَأَدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تَرَابِ أَنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقِيكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجْمِي وَ لَا لِأَحْمَرٍ عَلَى أَيْبُضٍ وَ لَا لِأَيْبُضٍ عَلَى أَحْمَرٍ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى» (ابن شعبه، ۱۳۸۴). همچنین امام باقر ﷺ می‌فرماید: «أَصْلُ الْمَرْءِ دِينُهُ وَ حَسَبُ خَلْقِهِ كَرَمُهُ تَقْوَاهُ وَ أَنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ شَرَعِ سِوَاءٍ» (قمی، ۱۳۹۲).

۳-۱. آزادی بیان و اندیشه

آزادی بیان و اظهار عقیده از مهم‌ترین مظاهر آزادی انسانی است. امام صادق ﷺ محیطی را که در آن، آزادی بیان عقیده باشد، تبلور زندگی خوب و انسانی می‌شمارد. اسماعیل بصیر می‌گوید: امام صادق ﷺ فرمود: «آیا شما می‌توانید در مکانی گرد آید و با یکدیگر به گفتگو پردازید و آنچه را که می‌خواهید اظهار دارید و از هر کس انتقاد کنید (بیزاری جوید) و به هر کس می‌خواهید ابراز دوستی و محبت کنید؟ گفتیم: آری. فرمود: آیا زندگی و لذت مفهومی جز این دارد؟» (ادیب، ۱۳۸۹). آیات متعدد قرآن و احادیث فراوان از ائمه معصومین ﷺ نشان‌گر عظمت و اهمیت این فریضه مهم دینی است بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها تبعیت می‌کنند. آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده، و آنان خردمندان هستند (زمر/۱۸). این آیه مردم را به شنیدن سخنان و متابعت بهترین آنها دعوت می‌کند؛ چرا که انسان برای کشف حقیقت نیازمند استماع اقوال و سپس اتباع احسن آنهاست و تمییز

حق از باطل در ظل تقابل آراء گوناگون حاصل می‌شود. در واقع آیه از فرصت گفتگو و تبادل افکار و امکان طرح نظریات موافق و مخالف خبر می‌دهد، زیرا در صورتی متابعت احسن میسر خواهد بود که چندین راه و کلام وجود داشته باشد و استماع همه آنها ممکن باشد و این ممکن نیست. ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل/۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به راه خدایت دعوت کن و با آنها به روشی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن. این آیه هم در مقام بیان شیوه تبلیغ و دعوت مردم به دین خدا است و در آن، روش تبلیغ صحیح را روش حکمت و موعظه حسنه معرفی می‌کند.

۴-۱. تفکر انتقادی

در آموزه‌های دینی، واژه‌های نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، توأسی به حق، دعوت به خیر، و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به گونه‌ای، اهمیت و جایگاه انتقاد و انتقادپذیری را بیان می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾ (زمر/۱۸-۱۷)؛ پس بندگان مرا که به سخن گوش فرا می‌دهند، آنگاه بهترین آن را پیروی می‌کنند، مژده بده!

﴿وَذَكَرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (ذاریات/۵۵)؛ و پند ده! زیرا که پند در مؤمنان سودمند می‌افتد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يَخُونُهُ وَلَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَغُشُّهُ وَلَا يَعِدُهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهَا» (کلینی، ۱۴۲۰). مؤمن برادر مؤمن است و به منزله چشم او و راهنمای او است؛ هرگز به او خیانت و ستم نمی‌کند، با او غش و تقلب نمی‌کند و هر وعده‌ای به او دهد، سر برنخواهد تافت. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «وَسَاعَةُ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَالثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ» (ابن شعبه، ۱۳۸۴)؛ بخشی از

زمان را برای رفت و آمد با برادران دینی و مورد اعتمادی که کاستی‌ها و سستی‌های شما را به شما معرفی می‌کنند و در باطن برای شما اخلاص می‌ورزند، ویژه سازید.

۵-۱. حقوق بشر

«مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم، مثل الجسد الواحد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى» (قمی، ۱۳۹۲)؛ اشاره به این نکته دارد که اعضای جامعه با ایمان، در ابراز مهر، دلسوزی و عواطف مانند یک تن هستند، هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها قرار نخواهند داشت. مفاد این حدیث، موازنه ارزش فرد و جامعه است. در نصوص اسلامی بر ارزش و احترام به انسان، علی‌رغم پیرایه‌ها و طبقه‌بندی‌های عارضی تأکید شده است. «فإنهم صنفان إما أخ لك في الدين أو نظير لك في الخلق» (دشتی، ۱۳۹۳). آفرینش تمامی انسان‌ها یکسان است و از طبیعت برابر برخوردارند: ﴿الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً﴾ (نساء/۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای نفی هرگونه تبعیض ناروا در میان انسان‌ها فرمود: «أيها الناس ان ربكم واحد و ان آبائكم واحد كلکم من آدم و آدم من تراب» (ابن شعبه، ۱۳۸۴). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بخش عظیمی از حقوق فردی را این چنین مشخص می‌فرمایند: هر کس که مؤمنی را بترساند، با من اعلام جنگ نموده است. ناسزا گفتن و جنگ نمودن با مؤمن کفر است و دست درازی به مال او نافرمانی خداست و احترام مال او مانند احترام خون او است (قمی، ۱۳۹۲).

۶-۱. شور و مشورت

در قرآن کریم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد در امور، با مسلمانان مشورت کند و آن را از رموز پیروزی و موفقیت آن حضرت می‌داند (آل عمران/۱۵۹). همچنین در هنگام بیان اوصاف برجسته مؤمنان می‌فرماید: آنها کسانی هستند که

دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بر پای دارند و کارهای شان بین آنان با مشورت انجام می شود (شوری/۳۸). علی علیه السلام فرمود: «لا مظاهرة اوثق من المشاركة»؛ هیچ پشتیبانی مطمئن تر از مشورت نیست. همچنین فرمودند: «الاستشارة عين الهداية و قد خاطر من استغنى برأيه»؛ مشورت عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود اکتفا کند خویشتن را به خطر انداخته است (دشتی، ۱۳۹۳). پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس تصمیم به اجرای کاری گیرد و سپس برای آن مشورت کند و انجام دهد به بهترین راه دست یافته است» (قمی، ۱۳۹۲).

۲. بعد عاطفی

مؤلفه های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در بعد رفتاری به شرح زیر است: احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسئولیت پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن.

۲-۱. احساس تعهد

در آیات متعددی از قرآن کریم، وفای به عهد مورد تأکید قرار گرفته است. ایمان آورندگان! به قراردادهای خود وفا کنید (مائده/۱۰). آنان امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند (مؤمنون/۸). به عهد (خود) وفا کنید، که (در روز قیامت) از عهد، سؤال می شود (اسراء/۳۴). حضرت علی علیه السلام فرمودند: همانا عهدها و پیمانها، گردن بندهایی در گردن ها هستند تا روز قیامت. کسی که پیوند آنها را نگه دارد (و وفای به عهد کند) خداوند او را به مقصود می رساند، و کسی که آن عهدها را بشکند، خداوند او را به خودش وامی گذارد (ری شهری، ۱۴۱۶ق). همچنین فرموده اند: هرگاه مردم، پیمان شکنی کنند، خداوند دشمنان را بر آنان مسلط کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنکه وفا ندارد، دین ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

۲-۲. وطن دوستی

در قرآن کریم آیاتی علاقه به وطن را کاملاً تأیید می‌کند. هنگامی را که از شما پیمان گرفتیم که خون هم را نریزید و یکدیگر را از سرزمین خود، بیرون نکنید، پس شما اقرار کردید (و بر این پیمان) گواه بودید (بقره/۸۴). خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد، تنها شما را از دوستی و رابطه با کسانی نهی می‌کند که در امر دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند یا به بیرون راندن شما کمک کردند و هر کس با آنان رابطه دوستی داشته باشد، ظالم و ستمگر است (ممتحنه/۸۹). امام علی علیه السلام یکی از خصلت‌های ارزش و کرامت انسانی را در این می‌داند که انسان نسبت به وطنش مهربان و علاقه‌مند باشد. همچنین در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «حب الوطن من الایمان» (قمی، ۱۳۹۳)؛ دوست داشتن وطن از نشانه‌های ایمان است.

۲-۳. نوع دوستی

انسان موجودی است اجتماعی که عشق و علاقه به زندگی توأم با رفاقت و دوستی و انس با دیگران یکی از ضرورت‌های سازمان وجودی او است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که دوست پاک ضمیر خود را که برای خدا با وی پیوند دوستی داشته از دست بدهد، مثل این است که شریف‌ترین اعضای بدن خود را از کف داده است و باز می‌فرماید: غریب کسی است که او را دوست نباشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: دوستان، یک روح‌اند در جسم‌های جدا جدا و گوناگون (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق). احساس نیاز به معاشرت صمیمانه و همدلی و همراهی با دیگران، علاوه بر این که یکی از جلوه‌های زندگی اجتماعی به شمار می‌رود، ندایی است برخاسته از اعماق وجود انسان که او را به ایجاد ارتباط دوستانه و تماس با هم‌نوع فرا می‌خواند.

۴-۲. مسؤولیت پذیری

انسان امانت دار بزرگ خداست. مسؤولیت او در پیشگاه خدا، خود و جامعه، بار سنگینی است که در آغاز آفرینش، آنگاه که به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه شد، آنان به ضعف و ناتوانی خود اقرار کردند و انسان آن را پذیرفتند. ما امانت خود را بر آسمان‌ها و زمین عرضه داشتیم، پس آنها (بر اثر بی‌لیاقتی) از پذیرش آن امتناع ورزیدند و ترسیدند، لیکن انسان امانت ما را پذیرفت (احزاب/۷۲). برخی مفسران، امانت را در این آیه، معادل تکلیف دانسته‌اند و این گونه بود که انسان، موجودی مسؤول و مکلف شناخته شد. تکلیف و مسؤولیت آدمی گسترده است، یعنی هر انسانی افزون بر آن که در قبال خود مسؤولیت دارد، در برابر دیگران و خدای خود نیز مسؤول است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرماید: همه شما نسبت به زیردستان خود مسؤول هستید. پس والی و امیر، نسبت به رعیت خود مسؤولیت دارد. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنها وظیفه دارد. زن، نگهبان خانه شوهر و فرزندان او است و نسبت به آنها مسؤولیت دارد. بنده هم نگهبان اموال مولای خود می‌باشد و در این باره مسؤول است. آگاه باشید که همه شما بندگان هستید و نسبت به رعیت خود مسؤولیت دارید (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

۵-۲. عزت و اعتماد به نفس

در میان خصلت‌های انسانی و فضیلت‌های اخلاقی، برخی چنان با اهمیت هستند که می‌توان از آنها به صفات سرنوشت‌ساز یاد کرد. خودباوری یا اعتماد به نفس، از شمار این گونه فضایل روحی است. «هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَ مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ، وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۱۳۸-۱۳۹)؛ این، بیانی است برای عموم مردم و هدایت و اندرزی است برای پرهیزکاران و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. «إِنْ أَحْسَنْتُمْ

أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» (اسراء/۷)؛ اگر نیکی کنید به خودتان نیکی کرده‌اید و اگر بدی کنید باز به خود بدی کرده‌اید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان همین بس که ارزش خویش را نداند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: بزرگ‌ترین نادانی، ناآگاهی انسان از شأن و منزلت خویش است (ری شهری، ۱۴۱۶ق). همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: هر کس خود را بلند نگرداند و به اوج رفعت نرساند، کسی او را بلند نخواهد کرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: کسی که نفس عزیز و شریفی دارد، آن را با پلیدی گناه، خوار نمی‌سازد (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق).

۲-۶. حسن ظن

حضرت امام علی علیه السلام: خوش‌بینی از برترین خوی‌ها و بزرگ‌ترین عطیه‌هاست. خوش‌بینی، مایه آسایش دل و سلامت دین است. خوش‌بینی اندوه را می‌کاهد و از افتادن در بند گناه، می‌رهاند. هر که به مردم گمان نیک برد، محبت آنان را به دست آورد. حضرت امام صادق علیه السلام: از خوش‌بینی بهره‌ای برگیر، تا با آن دلت آرام گیرد و کارت پیش رود. برترین پارسایی، خوش‌بینی است (ری شهری، ۱۴۱۶ق). حضرت امام صادق علیه السلام: حسن ظن به خدا آن است که امید از غیر خدا نداشته باشی و نترسی، مگر از گناه خود (کلینی، ۱۴۱۳ق). حضرت امام علی علیه السلام: هر کس بدگمانی بر او چیره شود، جای آشتی با هیچ دوستی باقی نگذارد (آمدی تیمی، ۱۴۰۷ق).

۳. بعد رفتاری

مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطابق با دیدگاه اهل بیت علیهم السلام در بعد رفتاری به شرح زیر است: اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی.

۱-۳. اطاعت از قانون

در نظام حقوقی اسلام، عدالت پایه و اساس را تشکیل می‌دهد و همه قوانین و مقررات، به ویژه قوانین کیفری، در جهت تحقق عدالت تشریع شده‌اند. از این رو، در اجرای قانون، به ویژه قوانین کیفری، رعایت عدالت جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم و روایات و سیره عملی رسول گرامی ﷺ نیز برپایی عدالت از جایگاه و منزلت بالایی برخوردار است. خداوند متعال در قرآن کریم پیامبر ﷺ را مأمور برپایی عدل و استقامت در این راه معرفی نموده است؛ ﴿فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ﴾ (شوری/۱۵). در آیه‌ای دیگر، خطاب به مؤمنان، آنان را فرمان می‌دهد که گواهان به عدل باشند و حتی در برخورد با دشمنان جانب عدل را رعایت نمایند؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾ (مائده/۸). رسول گرامی ﷺ نیز در طول دوران رسالت‌شان اجرای عدالت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودند؛ چنان‌که حضرت علی (ع) در توصیف سیره آن حضرت می‌فرماید: «سیرته القصد و سنته الرشد و كلامه الفصل و حكمة العدل» (دشتی، ۱۳۹۳)؛ راه و رسم او معتدل، روشش صحیح و متین، سخنانش روشن‌گر حق از باطل، و حکمش عادلانه بود. در دین اسلام، اجرای عدالت در جامعه به شدت مورد تأکید قرار گرفته است. از این رو، اسلام همه افراد جامعه را در برابر قانون برابر می‌داند و هیچ‌گونه تبعیضی را در اجرای قانون بر افراد روا نمی‌شمارد و هرگونه تبعیض در اجرای قانون را، به هر دلیل و عنوانی که باشد، موجب سقوط و هلاکت جامعه می‌داند (سبحانی، ۱۳۷۰).

۲-۳. مشارکت سیاسی

فرایندهای مشارکت سیاسی در اسلام بر سه پایه استوار است:

۱. مشورت؛

۲. نصیحت رهبر مسلمانان؛

۳. بیعت.

مشورت یکی از آموزه‌ها و تعالیم دینی است که فرهنگ اسلامی بر آن تأکید ورزیده است و در کتاب و سنت نیز مطالب فراوانی در این ارتباط وجود دارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...﴾ (آل عمران/۱۵۹)؛ به (برکت) و رحمت الهی، در برابر آنان (مردم) نرم (و مهربان) شدی، و اگر خشن و سنگدل بودی، هر آینه از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنان مشورت کن.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (زمر/۱۸-۱۷)؛ پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که خدا هدایت‌شان کرده و آنها خردمندانند. عنوان نصیحت رهبر مسلمانان، یکی از عناوین سیاسی اجتماعی اسلام است که در فقه سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است و برای آحاد امت اسلامی، حتی به عنوان نصیحت رهبر مسلمانان قائل شده است. همه مردم می‌توانند براساس آن، آراء و نظرات خیرخواهانه خود را نسبت به رهبران جامعه اسلامی مطرح سازند و حتی می‌توانند او را مورد سؤال قرار دهند. این حق مردم نسبت به حاکم اسلامی، یکی از حقوق اساسی افراد در فرهنگ سیاسی اسلام محسوب می‌گردد و یکی از عناوین ریشه‌دار و پرسابقه در فقه سیاسی و متون دینی است. علی علیه السلام در مورد این اصل اساسی چنین می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّفِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرَبِ تُورِثُ الْحَيَرَةَ وَتُعْقِبُ النَّدَامَةَ» (دشتی، ۱۳۹۳)؛ نتیجه نافرمانی نصیحت کننده مهربان که (به هر چیز) دانا و با تجربه می‌باشد

حسرت و اندوه است و در پی آن پشیمانی را به دنبال دارد. با توجه به حاکمیت دینی از سوی خداوند، مشروعیت حکومت دینی بستگی به قبول و یا نفی مردم ندارد. اما مقبولیت حکومت، که از رهگذر رضایت عمومی و مشارکت همگانی در قالب بیعت مردم با رهبر جامعه دینی تحقق می‌یابد، همواره مورد اهتمام پیشوایان دین بوده و در فقه سیاسی اسلام نیز مورد توجه و بحث فراوان قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در روز بیعت مردم با ایشان فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ عَنْ مَلَأَ وَ أُذُنُ، إِنَّ هَذَا أَمْرُكُمْ لَيْسَ لَاحِدٍ فِيهِ حَقٌّ إِلَّا مِنْ أَمْرَتِهِ...» (ابن اثیر، ۱۴۲۲ق)؛ ای مردم، حاضران و شنوندگان، این امر مربوط به شما است. کسی را جز آن که شما بر گماشتید، در آن حقی نیست.

۳-۳. مشارکت اقتصادی

طبق قرآن، عدالت (عدل) باید در همه شئون زندگی انسان و از جمله اقتصاد، رعایت شود (نساء/۵۸؛ انعام/۱۵۲؛ هود/۸۴-۸۷؛ نحل/۷۶؛ شوری/۱۵). از اشخاصی که به نوعی با امور اقتصادی سر و کار دارند، می‌خواهد که منصفانه، صادقانه و با روح تعاون رفتار کنند. جهت ورود آزادانه و عاری از اجبار به قراردادها، باید وصفی منصفانه از کالای مورد معامله به عمل آید و هنگام مبادله اجناس، از استاندارد دقیق مقیاس‌ها و موازین مورد استفاده اطمینان حاصل شود (نحل/۱۵۲؛ اعراف/۸۵؛ هود/۸۵-۸۴؛ یوسف/۵۹). قرآن بارها تأکید کرده که همه اشیاء در جهان، از آن خداست که آفریدگار است و هرگونه مالکیت انسانی، امانی شمرده می‌شود (بقره/۱۵۵ و ۲۴۷؛ اسراء/۶)؛ پس ثروتی هم که به شخص ارزانی شده برکت بوده و از سوی خداوند به امانت نهاده شده است (انفال/۲۸؛ نور/۳۳)؛ اما با وجود این که تمام اشیاء از آن خداوند است، قرآن از افراد می‌خواهد که در سهم بردن از این ثروت بکوشند؛ توجه داشته باشند که کوششی فعالیت سودمند تلقی می‌شود که قواعد و رهنمودهای مقرر قرآنی در آن رعایت شده باشد. در این صورت خواهد بود که ماحصل مالکیت خصوصی

هم یک حق شمرده شده، باید مورد حمایت قرار گیرد (بقره/۱۸۸). با وجود این، در برابر تمام این‌ها، جامعه هم حقوقی چند بر مال شخص دارد؛ چه، مالکیت خصوصی نامحدود، تعهدات اجتماعی را زایل می‌کند و از نظر قرآن باید در اکتساب ثروت بین منافع و حقوق شخص و نیازهای جامعه که کنار هم حرکت می‌کنند، تعادل برقرار باشد. این امر از ویژگی‌های اساسی یک چشم‌انداز سالم اقتصادی از نظر قرآن است.

۳-۴. تحمل و سعه صدر

لفظ صبر و مشتقات آن، به کرات در قرآن آمده است؛ برای نمونه (بقره/۱۵۳-۱۵۵؛ آل عمران/۱۴۲ و ۲۰۰؛ انفال/۴۶؛ انبیاء/۸۵؛ قصص/۸۰؛ نحل/۱۲۶؛ سجده/۲۴؛ اعراف/۱۲). چهار برنامه برای رستگاری مؤمنان مطرح است که رأس این برنامه‌ها، دستور به صبر است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در مواجهه با مشکلات) صبر کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید؛ شاید رستگار شوید. همچنین می‌فرماید: ﴿وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/۵۵)؛ البته شما را به اندکی ترس و گرسنگی و بینوایی و بیماری و نقصان در محصول می‌آزماییم و شکیبایان را بشارت ده. کمبودها، نواقص و مشکلاتی که در طول زندگی برای ما پیش می‌آید، همه برای آزمایش و امتحان ماست. در روایات فراوانی از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام صحبت از صبر و شکیبایی به میان آمده و با دقت و توجه به این احادیث درمی‌یابیم که صبر دارای درجاتی است که در این جا، چند نمونه از آن را ذکر خواهیم کرد. امام صادق علیهم السلام در روایتی، اهل صبر را به دو گروه تقسیم می‌نماید. گروه نخست از اهل صبر، کسانی‌اند که از بلا و مصائبی که دامن‌گیرشان می‌شود، کراهت

داشته و دلخور می‌گردند، اما قرار از کف نداده و زبان به شکوه و شکایت نزد هر کس نمی‌گشایند. حضرت علیه السلام، این گروه را عوام می‌نامد و پاداش صبرشان را بشارت‌های الهی می‌شمارد. گروه دوم کسانی‌اند که نه تنها از مصیبت و بلاهای نازله، کراهتی نداشته و خم به ابرو نمی‌آورند، بلکه با کمال میل و روی گشاده به استقبالشان رفته و آن را نشانه لطف الهی به خود می‌دانند. حضرت صادق علیه السلام، این گروه را خواص نامیده و پاداش صبرشان را همراهی حضرت حق با آنها می‌شمارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر بتوانی که صبری همراه با یقین و باور داشته باشی، چنین کن و اگر توان آن نداری (باز هم) صبر کن، زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایند تو است، خیر بسیاری وجود دارد؛ و بدان که نصرت و پیروزی، همراه با صبر است و گشایش، همراه با مشقت و سختی است. همانا با سختی، آسانی و گشایشی هست (کلینی، ۱۴۱۳ق).

۵-۳. امانت‌داری

از جمله صفات برجسته هر انسان جوینده تعالی و کمال، امانت‌داری است. این صفت یک صفت انسانی است و جزو نخستین مصادیق حقوق اجتماعی است. این خصیصه، پیش از اسلام نیز مورد احترام بوده است. همین موضوع بیان‌گر این است که امانت‌داری ملائم با طبع و سرشت آدمی است؛ همان‌گونه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز بدان متصف بوده‌اند. امانت‌داری جزو مواردی است که اسلام نیز آن را مورد امضاء و سفارش خود قرار داده است. خداوند متعال درباره ضرورت امانت‌داری می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾ (نساء/۵۸). خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبان آن برسانید. امام صادق علیه السلام آن را نشانه شیعه می‌داند و می‌فرماید: «شیعنا اهل الوفاء و الامانة» شیعیان ما اهل وفای به عهد و امانت‌داری هستند. امانت در لسان آیات و روایات منحصر در امانت‌های مالی نیست، بلکه محدوده وسیع‌تری دارد. امام رضا علیه السلام در روایتی کسی که در امانت خیانت ورزد را از جرگه شیعیان خارج می‌داند: «لیس

منا من خان مؤمننا؛ کسی که به مؤمنی خیانت ورزد از ما نیست. خیانت در امانت روشن‌ترین مصداق خیانت است؛ خواه این خیانت در امانات الهی صورت گیرد، خواه در امانات مردم. بزرگ‌ترین امانت، امانت الهی است که انسان موظف به حفظ آن است. امیرالمؤمنین علیه السلام هرگاه به نماز می‌ایستاد رنگ مبارکش تغییر می‌نمود. وقتی از ایشان می‌پرسیدند: «شما را چه شده است؟». می‌فرمود: هنگام ادا کردن امانت الهی است؛ همان امانتی که خدا بر آسمان‌ها و زمین عرضه کرد، ولی آنان از پذیرش آن عاجز ماندند (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

۳-۶. احترام و حفظ کرامت انسانی

در قرآن کریم دو گونه کرامت برای انسان تعبیر شده است.

الف - کرامت ذاتی: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/۷۰)؛

ب - کرامت ارزشی یا اکتسابی: ﴿إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ﴾ (حجرات/۱۳).

کرامت ذاتی کرامتی اعطایی از جانب خداوند سبحان برای همه آدمیان است، یعنی در این نوع از کرامت، همه انسان‌ها برابرند و در آن نسبت به یکدیگر امتیاز ندارند و از این حیث در حقوق عمومی و اجتماعی با هم برابرند. این کرامت برای همه انسان‌ها وجود دارد و مادام که آن را با اراده خود از طریق ارتکاب جنایت و خیانت بر خویشتن و دیگران از خود سلب نکند شایسته تکریم است. براساس دلالت صریح آیه مزبور، خداوند انسان را ذاتاً مورد تکریم قرار داده است و همه انسان‌ها باید این کرامت را برای همدیگر به رسمیت بشناسند و خود را در برابر آن مکلف ببینند. به تعبیری، اسلام مردمان را برادر و همکار در راه حق و حقیقت می‌خواهد، نه این که گروهی را بندگان گروهی دیگر و برخی را حاکم بر دیگران قرار دهد و هیچ کس را در نژاد بر دیگری امتیازی نیست (زحیلی، ۱۴۲۰ق). پس در کرامت ذاتی، خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید که در مقایسه با دیگر موجودات از لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مواهبی

برخوردار است که حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از هر رنگ و نژاد و جنس از آن بهره‌مندند و خداوند بعد از آفرینش انسان چنین فرمود: ﴿أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾ (مؤمنون/۱۴). آیات متعدد دیگری نیز بر کرامت ذاتی انسان دلالت دارند که به اجمال به آنها اشاره می‌شود. انسان تنها موجود شایسته شناخت اسماء حسناى الهی است؛ ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/۳۱). انسان از نگاه قرآن کریم وجودی جامع دارد، که او را شایسته مقام خلافت کرده است. ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾ (بقره/۳۰). هر چند آیه ۱۳ سوره حجرات بر کرامت عندالله تأکید دارد، اما بخش اول همین آیه شریفه تأکید بر برابری انسان‌ها با وجود اختلاف در جنس و نژاد دارد؛ ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا﴾ (حجرات/۱۳). هرگونه امتیازی را در زندگی اجتماعی لغو می‌کند، اما تقوا را ملاک برتری قرار می‌دهد و هشدار می‌دهد که این ملاک امتیاز عندالله است. به یقین انسان‌ها در کرامت اکتسابی (عندالله) یکسان و برابر نخواهند بود؛ چرا که این عرصه‌ای است که باید مجاهدت نمود و به اختیار خود به کمالات اختیاری دست یافت. به تعبیری اگر متفکری یا مکتبی ادعا کند که همه انسان‌ها در برخورداری از حق کرامت و شرف انسانی یکسانند و هیچ تفاوتی با دیگری ندارد، قطعاً سخنی نامفهوم می‌گوید. آیا معقول است که علی بن ابی طالب علیه السلام با ابن ملجم هواپرست و جنایتکار بزرگ تاریخ، بدون تفاوت، از حق کرامت و شرف انسانی برخوردار باشند (جعفری، ۱۳۸۷). نکته دیگر این که راز کرامت انسان در این آیه شریفه به صراحت بیان نشده است، اما ادامه آیه، ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ﴾، بیان‌گر راز کرامت انسان است؛ چرا که منشأ استیلای بشر بر امکانات موجود در جهان همان عقل و اندیشه او است. انسان به پشتوانه این توانایی است

که بر مواهب طبیعی سلطه می‌یابد و حقایق اشیاء را درک می‌کند (زحیلی، ۱۴۲۰ق). به تعبیری برترین چیزی که مورد تکریم قرار گرفت عقل است که با آن معرفت خداوند سبحان به دست می‌آید و انسان کلام الهی را درک می‌کند و از نعمت‌هایش بهره‌مند می‌گردد (ثعالبی، ۱۴۱۸ق). به تعبیر دیگر، سر تکریم آدمی به عقل است، که به هیچ موجود دیگری داده نشده است (طباطبایی، ۱۳۶۳).

نتیجه‌گیری

آنچه در مقاله حاضر بیان شد، شمه‌ای از تعالیم گهربار اسلام در باب مؤلفه‌های تربیت شهروندی می‌باشد. در این مقاله مؤلفه‌های تربیت شهروندی از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری به شرح ذیل بوده است. بعد شناختی تربیت شهروندی شامل دانایی محوری، برابری، آزادی بیان و اندیشه، تفکر انتقادی، حقوق بشر، شور و مشورت؛ بعد عاطفی شامل احساس تعهد، وطن دوستی، نوع دوستی، مسئولیت‌پذیری، عزت و اعتماد به نفس و حسن ظن؛ بعد رفتاری شامل اطاعت از قانون، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، تحمل و سعه صدر، امانت‌داری، احترام و حفظ کرامت انسانی است. در واقع تربیت و پرورش شهروندانی شایسته و کارآمد امری مقطعی، ایستا و ساکن نیست، بلکه فرایندی پویا، متغیر و دینامیک است. در جمع‌بندی و استنتاج کلی نتیجه این مطالعه می‌توان گفت تربیت شهروندی یک مفهوم چندبعدی، متشکل از مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، و فرایند یادگیری مستمر است که هدف آن ایجاد مشارکت فعالانه، خردمندانه، مسئولانه، مبتکرانه و همگانی افراد در زندگی انسانی است. با توجه به آنچه گفته شد، شهروند کسی است، که نه تنها در مجتمعی زیستی زندگی کند و مجموعه‌ای از قوانین فعالیت‌های وی و رابطه او با سایر شهروندان، مدیران جامعه، و کالبد جامعه را تنظیم کند، بلکه در مقام مالک (شریک با سایر شهروندان) و تصمیم‌گیر و مؤثر

در اداره و حیات جامعه ایفای نقش کند. یکی از روش‌هایی که از نظر اسلام و اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند در توسعه تربیت شهروندی مؤثر باشد، ایجاد احساس توطن و تعلق تمام ساکنان یک جامعه به یک مکان یا مسلمانان به یکدیگر است. مفاهیمی همچون کرامت، اخوت، حریت، مشارکت، و حق و تکلیف مواردی هستند که به زعم تأکید اهل بیت علیهم‌السلام در جوامع کنونی به لحاظ پررنگ شدن مسائل مادی، بی‌رنگ شده‌اند. با توجه به تحقیقات پریور (۲۰۰۶)، سیرز و وون (۲۰۰۵)، پورتا و همکارانش (۲۰۰۱)، مهر محمدی (۱۳۹۱)، قلتاش و همکاران (۱۳۹۱)، عیوضی و همکاران (۱۳۸۷)، ولی‌پور (۱۳۸۶)، آشتیانی و همکاران (۱۳۸۵) که مؤید تلاش محققان در زمینه تربیت شهروندی است، این خلأ آشکار می‌شود که تلاش‌های صورت گرفته در حیطه تربیت شهروندی به آموزه‌های اسلامی توجه نداشته و فقط در برخی از تحقیقات، بررسی‌هایی به صورت اجمالی بر روی مبانی تربیت شهروندی انجام شده است. اهل بیت علیهم‌السلام با تأکید بر اصولی همچون جهان‌وطنی، عدالت اجتماعی، آزادی و حقوق انسان‌ها سعی در نزدیک کردن افراد و شهروندان به یکدیگر و ایجاد احساس توطن تمام انسان‌ها دارد؛ زیرا اهل بیت در جایگاه مدیر جامعه‌ای که خود یکی از شهروندان آن است، وظیفه اجرای عدالت و قوانین را به عهده دارد. ویژگی مهم جامعه شهروندمدار، که اهل بیت علیهم‌السلام به آن تأکید دارد، احترام قلبی به قانون و قانون‌گرایی، عدالت و برابری افراد جامعه نسبت به یکدیگر و قانون، تقسیم کار، وجود کارگزاران لایق و دانشمند، و امکان انتقاد، بیان اشکالات و تذکر آنها به افراد است. دین مبین اسلام کامل‌ترین برنامه را برای زندگی و سعادت بشر عرصه کرده است و ضروری بود که با مطالعه منابع غنی دینی و اسلامی ابعاد و مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام توصیف و احصاء گردد. انتظار می‌رود با مطالعه بیشتر و انجام پژوهش‌های دیگر بتوان موارد ارزشمند دیگری را در زمینه تربیت شهروندی ارائه نمود، لذا پیشنهاد می‌گردد

در زمینه مؤلفه‌های تربیت شهروندی، تحقیقات جامع‌تر، که بتواند تمامی اصول، مبانی و ابعاد تربیت شهروندی را دربرگیرد، ارائه گردد و نظام‌های آموزشی کشور، همچون آموزش و پرورش و آموزش عالی، به تهیه و تدوین منشور حقوق شهروندی براساس آموزه‌های اسلامی اهتمام ورزند و به صورت یک واحد درسی رسمی در نظام آموزشی کشور ایجاد گردد.

پی‌نوشت‌ها

1. citizenship Education
2. Johnson & Morris
3. Giroux
4. Tobias
5. Forbes
6. Combs
7. Parker
8. McDonald
9. Minkler
10. Tomas SD
11. Liu
12. Faulks
13. Summers
14. Lawton & Cairns & Gardner
15. Sears & Vonne

منابع و مآخذ

• قرآن کریم.

۱. آشتیانی، ملیحه و همکاران (۱۳۸۵)، «لحاظ کردن ارزش‌های شهروندی برای تدریس در دوره دبستان»؛ فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷.
۲. آمدی تیمی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق)، شرح غررالحکم و دررالکلم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۴)، تحف العقول عن آل الرسة ول ﷺ، تهران، المکتبة المرتضویه.
۴. ادیب، عادل (۱۳۸۹)، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. ایزدی، صمد و علی آقا محمدی (۱۳۸۶)، «آموزش شهروندی، حقوق انسانی و

- مسئولیت اجتماعی در نظام آموزشی»، مقاله‌های برگزیده همایش حقوق شهروندی.
۶. باقری، خسرو (۱۳۷۹)، «امکان و فرایند تربیت مدنی در ایران»، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، سال پنجم، شماره ۱.
۷. بلوم، بنجامین اس (۱۳۹۲)، طبقه‌بندی هدف‌های پرورشی: کتاب اول حوزه شناختی، ترجمه علی اکبر سیف و خدیجه علی‌آبادی، تهران، انتشارات دیدار.
۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۱۸ق)، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۹. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۷)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری رحمته الله علیه.
۱۰. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۹۹۱م)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۱. دشتی، محمد (۱۳۹۳)، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام، قم، انتشارات یوحنا.
۱۲. زحیلی، وهبه (۱۴۲۰ق)، القيم الانسانیة فی القرآن الکریم، دمشق، دار المکتبی، چاپ اول.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۷۰)، مبانی حکومت اسلامی، قم، انتشارات توحید.
۱۴. سیف، علی اکبر (۱۳۹۲)، روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران، انتشارات دوران.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۶. عیوضی، مریم و همکاران (۱۳۸۷)، «تبیین رؤوس محتوای برنامه درسی تربیت شهروندی بومی در عصر جهانی شدن از دید اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های شهر تهران»، همایش جهانی شدن و بومی ماندن برنامه درسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها.
۱۷. علم‌الهدی، جمیله (۱۳۷۹)، «چشم‌اندازی به تربیت مدنی از دیدگاه اسلام»، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، تهران، انتشارات عابد.
۱۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۶)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، قم، مؤسسه محبین.
۱۹. فتحی واجارگا، کوروش (۱۳۸۸)، آموزش شهروندی در مدارس، تهران، انتشارات آییژ.
۲۰. قلتاش، عباس (۱۳۸۸)، نقد و بررسی رویکردهای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران به منظور ارائه طرح برنامه درسی تربیت شهروندی، پایان‌نامه دوره دکترا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان.
۲۱. قلتاش، عباس و دیگران (۱۳۹۱)، «میزان توجه به رویکرد تربیت شهروندی پیشرفت‌گرا در کتب درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی ایران»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۳.

۲۲. قلتاش، عباس؛ یارمحمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، احمد علی؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی رویکرد پیشرفت‌گرای تربیت شهروندی در برنامه درسی دوره ابتدایی ایران» مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، شماره ۶۲-۳۷.

۲۳. قمی، عباس (۱۳۹۲)، ترجمه سفینه البحار، ترجمه هادی صلواتی، تهران، انتشارات نوید اسلام.

۲۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه دارالوفاء.

۲۵. مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۱)، «بررسی ساز و کاری مدعای نظریه‌های رقیب برنامه درسی برای تربیت شهروند دموکراتیک با تکیه بر روایتی شوایی»، مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، شماره ۳۴.

۲۶. ----- (۱۳۸۸)، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران، انتشارات آستان قدس رضوی.

۲۷. ولی‌پور، رقیه (۱۳۸۶)، «بررسی حیطه‌های تربیت شهروندی در نظام آموزش عالی از دید اساتید و دانشجویان مطالعه موردی دانشگاه مازندران»، همایش جهانی‌شدن و بومی‌مآندن برنامه درسی؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران.

۲۸. یارمحمدیان، محمد حسین؛ فروغی ابری، احمد علی؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم، قلتاش، عباس (۱۳۸۷)، «نقد و بررسی عناصر برنامه درسی در رویکرد پیشرفت‌گرا و محافظه‌کار تربیت شهروندی»، فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۱۸ و ۱۷.

1. Combs, Carolyn (2001). *A Conceptual Framework Toward a Democratic Citizenship Curriculum*, and Its Implication for Education Drama. Unpublished Master of Education Thesis. University of Monitoba.
2. Dee Thomas S. (2004). «Are there Civic Return to Education?» *International Journal Educational Research*. Vol.88, No.9-10
3. Faulks, Keith (2000). *Citizenship*. New York: published by Routledge.
4. Forbes , Janine(2007). civics and citizenship in action a school story: Felemington Primary school. www.aec.gov.au
5. Giroux, H. (1983). *Theory and Resistance in Education: A Pedagogy for the Politics of the Opposition*. New York: Bergin and Garvey.
6. Hubert, Jaqueline (2000). The Role of the Hidden Curriculum. Research2.csci.educ.Ubc.ca/soc100/conceptmap/terms/hidden-curriculum, ph p-15 k
7. Johnson, Laura & Paul Morris (2010). «Toward a Framework for Critical Citizenship Education». *Curriculum Journal*, Vol.121. Issue 1. P.7796.
8. Liu, Meihui (2001). «The Development of Civic Values: Case Study of Taiwan». *International Journal of Educational Research* . Vol.35, No.
9. Lawton, Denis; Jo Cairns & Roy Gardner (2000). *Education for Citizenship*.

London and New York. CONIINUM

10. McDonald, David G. (1999). ***Implementation of Programs of Deliberation and Civic Education to Counter Erosional Effects of Civic Apathy Upon Liberal-Democratic Polities***. Unpublished Master of Thesis. University of Western Ontario.
11. Minkler, John (1998). Active Citizenship. Empowering America's Youth. In www.frenso.edu/sps/minkler/index.html.
12. Parker, Gavin (2000). ***Citizenship, Contingency and Countryside. Rights, Culture, Land and the Environment***. London and New York: Routledge.
13. Prior, Warren (2006). «Civice and Citizenship Education». In: www.curriculum.edu.au/cce/
14. Shahtalebi, B., Sharifi, S., & Gholizadeh, A. (2011). ***Determining the content and effectiveness of citizenship education at school***. Isfahan: Leisure and Cultural Organization Municipality and Planning Department. (in Persian).
15. Summers, Jacqueline Y. (2002). ***A proposal Model for Anchorage Adult Civic Education***. Unpublished Master of Education Thesis.
16. Sears, Alan & Y. Vonne (2005). «Citizenship Education. Canadian Education Association». In: www.cea.ca/mediaen/citizenship=education.
17. Tobias, R (1997), ***The boundaries of education for active citizenship: institutional and community context, SECUTER AOTEARO***, New Zealand.

trustworthiness, admiration and maintaining of human dignity.
These have been investigated by this paper.

Keywords: educating citizens, the cognition dimension, the emotional dimension, the behavioral dimension

The Components of Educating Citizens from the Perspective of the Noble Quran and Islamic Traditions

□ *Masoud Akhgar*

□ *Masoumeh Khalili*

The aim of this note is recognition and examination of the components of educating citizens from the view of the noble Quran and Ahl al-Bayt (the people of the House of the prophet Muhammad). For this regard, with using qualitative approach and with library- documentary method, schematically after restudying the sources, the components of educating citizens from the view of the noble Quran and Ahl al-Bay have been described and counted. The components of educating citizens according to the noble Quran and Ahl al-Bay in cognitional, emotional and behavioral dimensions are mentioned below. The cognitional dimension includes: wisdom (Knowledge) pivot, equality, freedom of speech and thought, critical thinking, human rights, advices and counselling. The emotional dimension contains: liability, nationalism, community minded, responsibility, self-glory and self – esteem and optimistic and positive attitude. The behavioral dimension includes: obedient to the laws of society, political partnership (participation), economic participation, tolerance,

freedom in the new Islamic government. The research method is double hermeneutics and the writings and authorships of Shahid Behshti have been the subject of multiply reading of the authors.

Keywords: Sayyad Muhammad Hussein Behshti, freedom, liberalism, Islam, Islamic thought

The Obstacles of Holding of the Free Thinking Chair

□ *Habib Zamani*

□ *Sayyad Nader Madadi*

□ *Azam al-Sadat Gramian*

Holding the chair of the free thinking is one of the most serious demands of the Supreme Leader, Grand Ayatollah Sayyad Ali Hosseini Khamenei who has constantly propounded in his visits with students and professors. But this asking and concern has not been observed (paid attention) by the institutes of high education (universities) and has not carried out as it should be. The issue of this paper is why it doesn't hold the chair of the free thinking, in spite of emphasis of the Supreme Leader. In the present attempt which is interdisciplinary, the necessary data relating to the chair of the free thinking with library and interviewing method have been collected and then the obstacles of holding the chair of the free thinking and its exit solutions (strategies) have been presented.

Keywords: the chair of the free thinking, the institutes of high education (universities), university, students, the *Supreme Leader*,

The Position of Freedom in the Thought Method of Martyrdom Shahid Behshti

□ *Hamid Nassaj*

□ *Mahdieh Pour Ranjbar*

□ *Mina Nazari*

Among the components which strengthening the meaning (concept) of the modern world, undoubtedly, if the concept of freedom is not at the first stage (grade), it will be one of the high stages (one of the top priorities). The scholars have constantly put forward arguments (debate) and different opinions and sometimes opposite ones have been propounded. Islamic Revolution of Iran is one of the most important opportunities which examined (tested) the relationship between Islam and freedom. This paper provides the issue of the relationship between Islam and freedom from the point of one of the prominent Islamic Revolution scholars who has unexampled (unique) role in codifying the constitution. Shahid Behshti contrary to the approaches of absolutism and negation has had a fair (just) and critical look to liberalism and has attempted to present a scientific and careful evaluation (assessment) with distinguishing merits from faults. At the end after theoretical explanation of the relationship between Islam and freedom with advancing practical policies, he has determined the respect of

development and excellence of personal identity of students . The first and crucial step of this process is to provide the appropriate exigencies of students' development and eliminate and remove its obstacles. With this description, this paper aims to examine the necessary abilities and capacities for teachers (educators) for social and political education of students based on Islamic teachings. The research in this paper is descriptive- analytic. Library sources and texts for collecting and gathering and studying of the data have been used. Theoretical bases of the present note are the Islamic teachings and authentic sources and texts. Findings of this research (for obtaining the necessary abilities for teachers for social and political education of students which are extracted from the authentic sources and precious documents such as the noble Quran and *Nahj al-Balāgha* -Arabic: نهج البلاغه) are : having the religious belief and moral education, liability, the educational justice, intelligence, foreseen, confronting injustice and the negation of arrogance, inward and outward arrangement, moderation, lawfulness, avoiding from egocentrism (self- centeredness) and lawlessness.

Keywords: abilities, Islamic education, political and social education, teachers (educator), students, Islamic teachings

individual in the secular lifestyle. Therefore, birthing is acceptable if it is in harmony with his worldly pleasures and enjoyments and does not come into conflict with them. According to the stoicism (religious rejections of the world) lifestyle, because of spiritual transcendence (development) and afterlife without world is viewed by its believers and child is a part of worldly pleasures and enjoyments, birthing and having child is not considered and paid attention. But the Islam view criticizes and doubts these two lifestyles and the Islamic opinion considers world and the hereafter and child and birthing with considering earthy and eternal benefits are paid attention and encouraged.

Keywords: Islam, secularism, stoicism (rejections of the world), lifestyle, birthing

Necessary Competence (Abilities) for Teachers for Political and Social Education of Students

□ *Javad Agha Muhammadi*

□ *Sayyad Ahsan Asadi*

In the process of education, teachers (educators) (because of obtaining individual and collective abilities and achieving a high level- eligible degree- of the pleasant life) have responsibility to guide students and also have a pivotal role for planning and taking measures and actions for setting up the constant

Schematically the hindrances are: evil, the inciting nafs (an-nafs al-ammārah), contempt, jealousy, lies, miserliness (niggardliness, being pride, false accusation, hostility, aggression, fear and obscenity. Excessive joking, argument, insulting, anger, quarreling, limiting relationship, negligence (inattention) to the feelings of his partner, differences in facing (relationship), companion with wicked persons, inappropriate non-verbal messages, excessive admiration (adulation) of addressee and excessive advices are of other hindrances of relationship which we have found in traditions (ahadith) of Imam Reza (peace be upon Him).

Keywords: effective relationship, hindrances, addressee, Imam Reza (peace be upon Him)

Birthing in the Secular, Stoic and Islam Lifestyles

□ *Fatamah Ramazani*

The history of the social thought mentions three main lifestyles: the secular, stoic and Islam. The goal of this paper is to answer these questions: how the secular, stoic and Islam lifestyles and their looks to birthing are and whether their lifestyles are accorded with the look of Islamic lifestyle to birthing or not. The method of research is descriptive- deductive. The results show that the earthy and worldly pleasures and enjoyments are principles for

Hindrances (Obstacles) of the Relationship in the Speeches and Manners (Behaviors) of Imam Reza (Peace Be upon Him)

□ *Ali Janfaza*

□ *Ali Khayyat*

The Infallibles (Ma'sūmūn) as clarifying the revelation of the noble Quran are responsible to acquaint the followers of the glorious Islam with necessities and prohibitions of life (living). Man as a social being is inevitable to create relationship with their fellow creatures and for this regard if he wants to have an effective relationship with their fellow creatures he must apply some effective factors and avoiding from some parts of hindrances. This note with aim to extract and sort some of obstacles and hindrances of effective relationship in speeches and behaviors of Imam Reza (peace be upon Him) has been codified. These hindrances can be seen not only in his moral (ethic) traditions (ahadith) but also in different chapters of his traditions (aha). Variousness of these tree periods in his Imamate (imāmah)) and specific look to his traditions (ahadith) from the viewpoint of relationship can be a pattern for behavioral method of the managers and also all interested people to the family of Ahl al-Bayt (the people of the House of the prophet Muhammad). The hindrances are sorted in two general inward and outward groups. This paper is arranged in library method.

of this policy. With no doubt, the religion and religious beliefs for establishing the hearty connection among people form a kind of empathy and cohesion among them. The social role of the religion and religious beliefs basically appear and emerge in the social empathy, forum and cohesion. Because the values which are the principle of the social obligations are common among the religious believers. The values are such as empathy and social cohesion between the state and nation. From one side, the empathy and association in the social life and the religious system are prerequisites for believable life as the noble Quran states: the real believers are the only ones who have heartfelt conviction to the oneness of Allah and the prophet's message and when they associate and agree with him on a matter of public affairs, they don't go away. from the other side, the advantage of this empathy and social cohesion can create social and economic evolutions and changes such as the change and evolution in economic system for achieving to the resistance economy. The present paper with applying descriptive method and content analysis and with using library sources has investigated this issue.

Keywords: religious belief, empathy, the resistance economy

Abstracts

The Role of the Religious Belief in the Occurrence of the Empathy of the Government and the Nation and Its Impact on the Resistance Economy

□ *Mahmoud Asghari*

The present research is going to clarify the role of the religious belief in the occurrence of the empathy of the state and the nation and its impact on the resistance economy in order to take a minor step for the achievement of some extent of the resistance economy and effective factors in it its discourse specially in educational and scientific centers and changing it into the national, common and general discourse which are mentioned in section 21